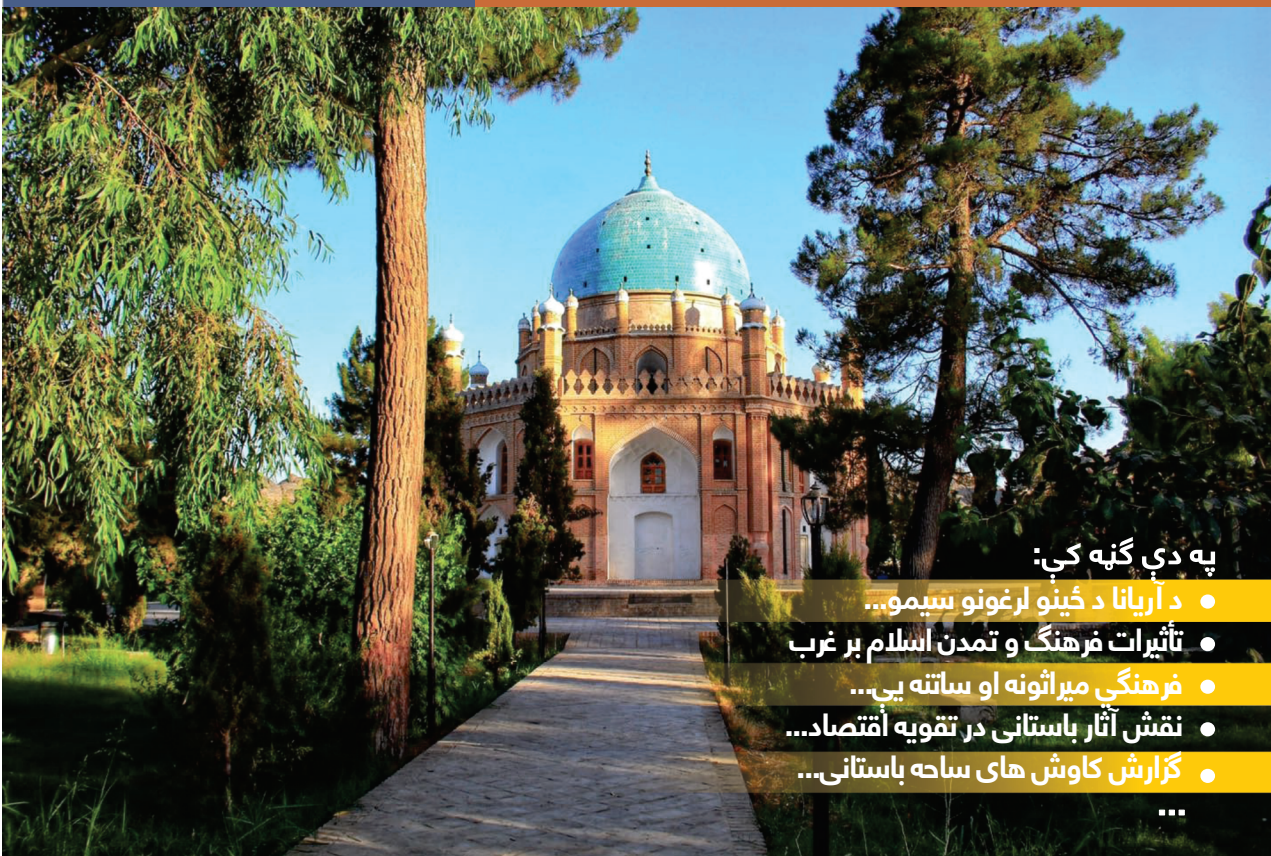




د افغانستان اسلامي امارت
د علومو اکاډمي
معاونیت بخش علوم بشری
مرکز تحقیقات باستانشناسی

باستانشناسی افغانستان

د افغانستان لرغون پېژندنه



په دې ګڼه کې:

- د آریانا د ګینو لرغونو سیمو...
- تاثیرات فرهنگ و تمدن اسلام بر غرب
- فرهنگی میراثونه او ساتنه یې...
- نقش آثار باستانی در تقویه اقتصاد...
- گزارش کاوش های ساحه باستانی...

...

- دوره پنجم
- مجله ششماهه
- سال: ۱۴۰۴ هـ.ش
- شماره مسلسل: ۴۵
- سال تاسیس ۱۳۵۸ هـ.ش.
- کابل - افغانستان



شماره ۱، سال ۱۴۰۴ هـ.ش

باستانشناسی افغانستان



Afghanistan Archaeology

Six Monthly

Establishment 1979
Academic Publication of
Afghanistan Science Academy
Serial No: 45

Address:
Afghanistan Science Academy
Qala- e- Fathullah, Kabul-Afghanistan
Tel: 020220727



امارت اسلامی افغانستان
اکادمی علوم
معاونیت بخش علوم بشری
مرکز تحقیقات باستانشناسی

باستانشناسی افغانستان

مجله علمی - تحقیقی

سال تأسیس ۱۳۵۸ ه. ش
شماره مسلسل ۴۵

یادداشت اداره

اداره مجله باستانشناسی افغانستان از تمامی دانشمندان، محققان و فرهنگیان کشور خواهشمند است تا با ارسال مطالب علمی - تحقیقی (مقالات، گزارشات، ترجمه ها) و عکس ها در زمینه باستانشناسی با اداره مجله همکاری نموده وظیفه شان را در راستای معرفی و شناخت هر چه بیشتر تاریخ و فرهنگ کشور شان ادا نمایند.

۱ - در این مجله مقالات علمی - تحقیقی پیرامون تحقیقات باستانشناسی، تاریخ قدیم، اتنوگرافی و میراث فرهنگی ملموس به زبان های ملی و بین المللی قابل چاپ میباشد.

۲ - مقالات وارده بعد از ابراز نظر هیأت تحریر قابل چاپ و نشر میباشد.

۳ - مقالات قابل چاپ باید تازه و بکر باشد.

۴ - مقاله باید دارای چکیده، مقدمه، مبرمیت، هدف تحقیق، روش تحقیق، نتیجه، مآخذ بوده خلاصه آن را به یکی از زبان های بین المللی ترجمه و به اداره مجله ارسال نمایند.

۵ - مقاله گرفته شده که قابل چاپ نباشد حفظ گردیده مسترد نمیگردد.

۶ - مقاله نشر شده نظر نویسنده بوده مدیریت مجله مسؤولیت ندارد.

۷ - نویسنده مکلف است اصل مقاله را به فونت Bahij Nazanin ، اندازه خط ۱۳ و فاصله بین سطر ها (Single) بدون اشتباه تایپی در برنامه (Word) در یک روی صفحه کاغذ A4 و کاپی (سافت) آنرا در CD به اداره مجله بسپارد.

۸ - نویسنده گان مقالات باید اسم، تخلص، ایمیل آدرس و نمبر تیلیفون خویش را به اداره مجله بفرستند.

۹ - مقاله حد اقل پنج و حد اکثر ۱۵ صفحه معیاری باشد.

بدینوسیله از عموم نویسندگان، مؤرخان، دانشمندان، فرهنگیان و محققان محترم داخلی و خارجی آرزومندیم تا بمنظور غنای بیشتر این مجله علمی - تحقیقی مقالات و پیشنهادات سالم خویش را به این اداره ارسال نمایند.

بااحترام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ناشر: ریاست ارتباط و اطلاعات عامه اکادمی علوم افغانستان

مدیر مسؤول: رحیم الله سروري

طرح پستی: اداره مجله

هیأت تحریر:

سرمحقق دکتور محمد شریف خُدران

سرمحقق کتاب خان فیضی

معاون سرمحقق محمدانور فائز

معاون سرمحقق فرهاد احمدی

دیزاین: رحیم الله سروري

محل چاپ: مطبعه ستاره همت

آدرس: مرکز تحقیقات باستانشناسی اکادمی علوم افغانستان

قلعه فتح الله، جوار مسجد میرعبدالکریم آغا، کابل

شماره تماس ریاست اطلاعات و ارتباط عامه: ۰۲۰۲۲۰۱۲۷۹ - ۰۰۹۳

ایمیل آدرس ریاست اطلاعات و ارتباط عامه: informationasakabul@gmail.com

شماره تماس مدیر مسؤول: دفتر ۰۲۰۲۲۰۰۷۲۷ - ۰۰۹۳

ایمیل آدرس مجله: Archaeologyreview55@gmail.com

قیمت اشتراک سالانه:

کابل ۱۰۰۰ افغانی

ولایات ۱۳۰۰ افغانی

خارج کشور ۱۰۰ دالر امریکایی

• قیمت یک شماره در کابل ۱۰۰ افغانی

• برای استادان و دانشمندان اکادمی علوم ۸۰ افغانی

• محصلین و متعلمین ۵۰ افغانی

• برای سایر ادارات: ۱۰۰ افغانی

تشریح عکس پستی: نمای مقبره حاجی میرویس خان هوتک باشیوه معماری اسلامی قرن ۱۸.

فهرست مطالب

شماره	عنوان	نویسند	صفحه
۱-	تأثیرات فرهنگ و تمدن اسلام بر غرب.....	سرمحقق عبدالجبار عابد.....	۱
۷-	فرهنگی میراثونه او ساتنه بی.....	معاون سرمحقق محمدانور فایز.....	۲۴
۴-	نقش آثار باستانی در تقویه اقتصاد.....	معاون سرمحقق فرهاد احمدی.....	۳۳
۲-	د آریانا د ځینو لرغونو سیمو.....	څېړندوی محب الله همتیار.....	۴۸
۵-	باز تاب اوضاع اقتصادی، فرهنگی و.....	محقق بی بی ماه محمدی.....	۷۰
۳-	رابطه علم جامعه شناسی و باستان.....	معاون محقق حکمت الرحمن امیری.....	۸۷
۶-	مطالعه ای ویژگی های مهم ساحه.....	سرور هدایت.....	۱۱۸
۸-	گزارش کاوش های ساحه باستانی.....	جاوید محسن زاده.....	۱۵۷

Published: Afghanistan Science of Academy

Acting Editorial in Chief:

Rahimullah Sarwari

Editorial Board:

Prof: M. Sharif Zadran

Prof: Ketab Khan faizi

Associate Prof: Mohammad Anwar faiz

Associate Prof: Farhad Ahmadi.

Composed & designed by:

Rahimullah Sarwari

Annual Subscription:

Kabul: 1000 AFA

Province: 1300 AFA

Foreign Country: 100\$

Price of each issue in Kabul:

- For Professors, Teachers and members of Afghanistan Science of Academy : 80 AFA
- For the disciples and students of schools: 50 AFA
- For other Departments and offices: 100 AFA

سرمحقق عبدالجبار عابد

تأثيرات فرهنگ و تمدن اسلام بر غرب

The Impact of Islamic Culture and Civilization on the West

By: Prof, Abdul Jabar Abid

Abstract

The West, as the heir to power before the Renaissance, was not in such a position as we see today. With the advent of Islam and its emphasis on science; the gates of knowledge were opened to the world, especially the West. Despite the admission of some European scholars that Western civilization borrowed from Islam, Westerners hide this issue and call themselves the heirs of the greatest civilization, while Islamic civilization has had a tremendous impact on the Western world and the two great civilizations located in the east of the Islamic world, namely India and China. If it were not for Islamic sciences, the course of scientific development in each of these three civilizations would have been very different from what it is now. This fact is especially true for the West, which naturally has a central importance due to the development and development of modern science in it and the effects of this course on the entire world. Between the eleventh and

thirteenth centuries, the most important works of Islamic science were translated into Latin, and gradually the names of some Muslim scientists such as Ibn Sina Balkhi and Muhammad ibn Zakariyya al-Razi became completely familiar and household names in the Western world. The transfer of Muslim knowledge to the West and its impact on the revival and flourishing of Western sciences depends on several factors. Some of these factors are related to several political and military events, but the main ones are the Muslim campaigns in Spain and Sicily and, in return, the invasion of the Western world to seize Palestine in the Crusades. These mutual invasions provided the conditions for the coexistence and mixing of Muslims with the Christians of the West. Therefore, the impact of Islamic civilization on other civilizations cannot be ignored. The certainty of the production of science in Islamic civilization proves that Muslims combined the pure achievements of previous civilizations with Islamic teachings and, in addition to making significant scientific advances, became the basis for the creation of European and Western civilizations.

خلاصه

غرب به عنوان میراث دار قدرت قبل از رنسانس در چنین جایگاهی نبود آنچنان که امروز مشاهده می کنیم. با ظهور اسلام و تأکید آن بر علم؛ دروازه های دانش به روی جهانیان بخصوص غرب گشوده شد. به رغم اعتراف برخی از محققان اروپایی به وام گیری تمدن غرب از اسلام، غربیان این مسئله را پنهان و خود را میراث دار برترین تمدن می نامند در حالیکه تمدن اسلامی تأثیر بسا عظمی بر جهان غرب و دو تمدن بزرگ واقع در شرق جهان اسلام یعنی هند و چین داشته است، اگر علوم اسلامی نمی بود، جریان تحول علم در هر کدام از این سه تمدن، بسیار متفاوت از آنچه اکنون هست می بود. این واقعیت، بخصوص در مورد مغرب زمین صادق است که به واسطه تکوین و تحول علم جدید در آن و اثرات این جریان بر

کل جهان، بالطبع از اهمیت مرکزی برخوردار است.

بین قرون یازدهم و سیزدهم میلادی مهم‌ترین آثار علوم اسلامی به لاتین ترجمه شد و به تدریج اسامی بعضی از دانشمندان مسلمان همچون ابن سینا بلخی و محمد بن ذکریای رازی در جهان غرب به نام‌های کاملاً مانوس و خانگی تبدیل شد. انتقال دانش مسلمانان به مغرب زمین و تأثیر آن بر نوزایی و شکوفایی علوم غربی به عوامل متعددی بستگی دارد. بخشی از این عوامل به چند رویداد سیاسی، نظامی باز می‌گردد اما عمده این رویدادها، لشکرکشی‌های مسلمانان به اسپانیا و سیسیل و در مقابل، تهاجم دنیای غرب برای تصرف فلسطین در جنگ‌های صلیبی است. این تهاجمات متقابل، موجبات همجواری و اختلاط مسلمانان با مسیحیان مغرب زمین را فراهم ساخت. پس نمی‌توان از تأثیر تمدن اسلامی بر سایر تمدن‌ها چشم‌پوشی کرد. قطعیت تولید علم در تمدن اسلامی ثابت می‌کند مسلمانان دست آوردهای ناب تمدن‌های پیشین را با آموزه‌های اسلامی درهم آمیختند و ضمن پیشرفت‌های علمی چشم‌گیر، مبنایی برای ایجاد تمدن اروپا و غرب شدند.

مقدمه

نقش دین، به ویژه اسلام، در آفرینش تمدن اسلامی امری مسلم و قطعی است. همین تمدن بود که با دنیای از مشکلات و زحمات فراوان راه‌های پُر خمی و پیچ خود را پیمود و در شکل‌گیری تمدن جدید غربی، به ویژه در ابعاد فلسفی، علمی و صنعتی آن تأثیرات مثبت خود را به جا گذاشت. همچنین ریشه‌های فلسفی مشترک بین اسلام و غرب و حضور عناصر یونانی و توحیدی برگرفته از ادیان الهی در فلسفه اسلامی و غربی، از دیگر زمینه‌های نزدیکی این دو تمدن است. این زمینه‌های مشترک راه را برای تأثیر فرهنگ و تمدن اسلامی بر غرب در قرون وسطی هموار کرد. بر این پایه‌ها بود که اندیشه‌های فلسفی، الهیاتی و علمی جهان اسلام در قرون وسطی به غرب معرفی شد و موجب تحولاتی چشمگیر در حوزه‌های یاد شده در غرب گردید. علم‌آموزی بسیاری از محققان غربی در سرزمین‌های اسلامی و نزد عالمان مسلمان، آمیزش مسلمانان و مسیحیان، ترجمه آثار اسلامی از عربی به لاتین، تجارت و جنگ‌های صلیبی شیوه‌های گوناگونی بودند که علم و فرهنگ اسلامی از طریق آنها وارد دنیای غرب شد و اروپا را دچار تحولی عمیق و دوران ساز کرد.

این مقاله، ضمن مبرمیت موضوع، هدف از نوشتار حاضر، سوال تحقیق و شیوه کاری در نگارش این مقاله، همچنان با استفاده از منابع دست داشته و سایت اینترنتی تکمیل گردیده است.

مبرمیت موضوع

طوریکه آشکار است آنچه را که ما امروز به نام تمدن غرب می نامیم خارج از تأثیرات تمدن اسلامی بوده نمی تواند. این که این تمدن چطور توانست راه های خویش با دنیای از دشواری به جانب ممالک اروپایی باز کند و باعث رونق و گسترش علوم و فنون در تمام ابعاد زنده گی مردم گردد تحقیق درست روی چگونگی این موضوع مبرمیت را نمایانگر است.

هدف تحقیق

هدف از تحقیق حاضر برملا ساختن زوایای ناگفته، همچنان تأکید بروی نظریات و داشته ها به منظور نقش و تأثیرگذاری تمدن اسلامی در اروپا و ایجاد تمدن غربی است. گذشته از آن هدف از نگارش این مقاله به معرفی گرفتن مأخذی است برای علاقمندان مطالعه و دانش پژوهانی که در این راستا کار و فعالیت های علمی می نمایند.

شیوه تحقیق

گرچه شیوه های تحقیق ابعاد وسیعی را در بر می گیرد اما در نگارش مقاله حاضر سعی به عمل آمده تا از شیوه تحقیق توصیفی - تحلیلی استفاده به عمل آید.

سوال تحقیق

آیا تمدن اسلامی در تأسیس و پیشرفت های تمدن اروپا تأثیر گذار بوده است؟

متن

در لغت نامه دهخدا آمده است که تمدن یک کلمه عربی است که ریشه آن «مدن» بوده و معنای آن پذیرش شهرنشینی، خو گرفتن به آداب و اخلاق شهریان، پذیرش نظم و

قانون و سایر شئون اجتماعی و همکاری افراد اجتماع با یک دیگر در امور مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و غیره است.

تمدن به حوزه ابتکار انسانی مرتبط با فن آوری (تکنولوژی) و علم اشاره دارد. (۱:ص.۴۷)

فیلیپ جی آدلر می گوید: «تمدن فرهنگ توسعه یافته و پیچیده‌ای است که معمولاً با دستاوردهای خاص، مثل کشاورزی، زنده گی شهری، کار تخصصی و نظام نوشتاری همراه است.» (۲:ص.۲۷)

ویل دورانت یکی از دانشمندان بزرگ فرانسوی، در تعریف تمدن می گوید: «تمدن به شکل کلی آن عبارت از نظامی اجتماعی است که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند. در تمدن، چهار رکن و عنصر اساسی وجود دارد که عبارت‌اند از: پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی و سنن اخلاقی و کوشش در راه معرفت و بسط هنر.

ظهور تمدن هنگامی امکان پذیر است که هرج و مرج و ناامنی پایان پذیرفته باشد؛ چه فقط هنگام از بین رفتن ترس است که کنجکاو و احتیاج به ابداع و اختراع به کار می‌افتد و انسان خود را تسلیم غریزه‌ای می‌کند که او را به شکل طبیعی به راه کسب علم و معرفت و تهیه وسایل بهبود زنده گی سوق می‌دهد.» (۳:ص.۳)

تمدن به معنای پذیرش شهرنشینی، پذیرش نظم و قانون و سایر شئون اجتماعی و همکاری افراد اجتماع با یک دیگر است. و برای شکل‌گیری یک تمدن عناصر متعددی تأثیر گذار است که عبارت است از: علم، نظم، امنیت، تعاون و همکاری و... چنانچه در دین اسلام چه در قرآن کریم و چه در احادیث نبوی تأکید فراوانی بر عناصر تمدن ساز شده است و در حقیقت می‌توان گفت؛ دین اسلام یک دین تمدن ساز است. تمدن فعلی جهان برآیندی از تلاش و کوشش ملل مختلف جهان در طول تاریخ است که در این میان سهم اسلام در به وجود آمدن این تمدن جدید، بسیار برجسته است؛ زیرا اسلام علاوه بر این که خود مؤلد علم و تکنولوژی بوده است، آن را از طریق ارتباط با مسیحیان و تعامل با آن‌ها، همچنان ترجمه

آثار علمی دانشمندان مسلمان به زبان‌های ملل اروپا و تدریس در مراکز علمی اروپائیان به غرب نیز انتقال داده است.

تمدن غرب را امروزه بر حسب جغرافیا می‌شناسند. یعنی کشورهایی که در ساحات اروپا، آمریکای شمالی و تا حدودی آمریکای مرکزی، استرالیا و نیوزلند قرار گرفته اند. این کشورها مجموعاً در چارچوب تمدنی قرار می‌گیرند که به تمدن غرب موسوم گشته است. بسیاری تمدن غرب را از یک سوء شکل تکامل یافته‌ی تمدن مسیحی و از سوی دیگر آن را با مدرنیته برابر می‌دانند.

محمد عارف مؤلف کتاب «جغرافیای عالم اسلام» قلمرو جغرافیایی تمدن اسلام را به تفصیل و با ذکر جزئیات مشخص کرده است. وی حوزه‌ی تمدن کنونی اسلام را در هر کجا که جماعتی از مسلمانان گرد آمده باشند، دانسته است. لذا از اروپای شرقی و جزیره بالکان، گرفته تا شمال و مرکز آفریقا تا بخش بزرگی از آسیای غربی، خاورمیانه، شبه قاره هند و جنوب شرق آسیا را در محدوده‌ی جغرافیای عالم اسلام آورده است. (۴:ص. ۱۷)

باید گفت که تمدن اسلامی هرچند با جغرافیای بیگانه نیست اما با آن تشخص نمی‌یابد. آن چه تمدن اسلامی را از تمدن‌های غیر اسلامی مشخص می‌کند، گستره جغرافیایی نیست. مروری بر تمدن‌های اسلامی که در محدوده جغرافیایی متنوع و نیز محدوده تاریخی طولانی چند قرن و با تلاش و همکاری اقوام و نژادهای مختلف شکل گرفته است، نشان می‌دهد فراتر از این همه عوامل، آنچه به عنوان جوهر اصلی این تمدن، موجب پیوند اجزای ناهمگون آن در گستره جغرافیایی و تاریخی تنوع نژادها و اقوام می‌شود، پیام معنوی است که توسط حضرت رسول اکرم (ص) ابلاغ شد و با تلاش وی در مدینه‌ی او تجلی یافت و سپس در گستره‌ی زمان و مکان در تعامل با میراث اقوام و نژادهای مختلف به تمدنی مشترک تبدیل شد.

دین اسلام از بدو ظهورش، شروع به تمدن سازی کرد و خرده فرهنگ‌ها و تمدن‌های قبیله‌ای را جوهر معنویت بخشید و هر روز بر قلمرو این تمدن افزوده شد. با آغاز قرن چهارم اسلامی، تمدن اسلامی به عنوان تمدنی متمایز و ممتاز در جهان معرفی شد و با دست‌آوردها

و نتایجی که ارائه می‌داد، مدت‌ها بر جهان عموماً و بر تمدن مسیحی غرب خصوصاً، سیادت می‌نمود. این آن چیزی نیست که کسی بتواند در خصوص آن تردید به خود راه دهد. «روزی که اسلام قدم بر زنده گی مردم گذاشت، همه چیز را دگرگون کرد، دگرگونی در احساسات و ادراک، دگرگونی در عملکرد اندیشه، دگرگونی در تمام شئون زنده گی روابط فرد و اجتماعات پدید آورد... بزرگترین معجزه اسلام این بود که در محیطی پُر از جهل و نادانی فرود آمد و از آن ملت خارج از صف انسانیت، ملتی ساخت که شالوده‌ی خود را بر سبکی نوین که هرگز از جبرهای امور طبیعی الهام نمی‌گرفت، پی‌ریزی کردند. (۶:ص. ۱۶۷)

ساموئل هانتینگتون که امروز با نظریه‌ی «برخورد تمدن‌ها» شناخته می‌شود و نسبت به تمدن اسلام نظر به خصوص خود را دارد با عبارات تلویحی و گزارش گونه از جامعیت تمدن اسلام و البته با احترام یاد می‌کند: «همه محققان وجود تمدنی مستقل را به عنوان تمدن اسلامی قبول دارند. اسلام که پیدایش آن در شبه جزیره عربستان و در سده‌ی هفتم میلادی تحقق یافت، به سرعت در شمال آفریقا و شبه جزیره ایبری و نیز در جهت شرق تا آسیای مرکزی، شبه قاره و جنوب شرق آسیا گسترش یافت. به همین دلیل در درونه‌ی اسلام فرهنگ‌ها و خرده تمدن‌های گوناگونی از جمله عربی، ترکی، و مالایی وجود دارد. (۷:ص. ۶۸)

تمدن اسلامی به لحاظ پیشینه با اضافه از ۱۴ قرن حیات خویش از ریشه دارترین تمدن‌های انسانی به شمار می‌آید، و از جهت دامنه گسترش آن، باید این تمدن را از گسترده ترین تمدن‌ها به حساب آورد. آنچه امروزه به عنوان تمدن اسلامی می‌شناسیم در واقع فرآیند و محصول چهارده قرن حضور مستمر و فعال «اسلام» در عرصه‌های زنده گی فردی و اجتماعی مسلمانان می‌باشد. چهارده قرن است که مسلمانان با اسلام زنده گی می‌کنند یعنی سعی نموده اند تا دیدگاه شان، راجع به جهان هستی و خالق جهان، نیایش هایشان آداب معاشرت و معاملات ایشان، ازدواج و زاد و ولدشان، اعیادها و ماتم هایشان و... بر پایه‌هایی از اعتقادات و دستورات اسلامی تنظیم نمایند. تمدن کنونی جهان برآمده از کوشش ملل جهان در طول تاریخ است. با وجود اینکه تمدن معاصر ویژه گی‌های کاملاً متفاوتی با تمدن‌های دیگر ملل داشته اما در حقیقت ترکیبی از تمدن‌های پیشین است

که مسلماً سهم تمدن اسلامی در پیدایش این تمدن جدید و توسعه آن کمتر از سهم دیگر تمدن ها نیست. انتقال علم و تمدن از قلمرو اسلامی به غرب از طریق آمیزش مسلمانان با مسیحیان در اسپانیا، ایتالیا، سیسیل و در جنگ های صلیبی آشنا شدن با فرهنگ و تمدن اسلامی و نقاط گوناگون جهان اسلام، ترجمه کتب عربی به زبان های اروپایی از سده پنجم تا هفتم هجری و تدریس و استفاده از کتب عربی که دانشمندان مسلمان آن ها را در مراکز علمی نوشته یا ترجمه کرده بودند صورت گرفته است.

مسلمانان با الهام از عناصر اصیل اسلامی و با بهره گیری از میراث تمدن های پیش از خود، یونان، مصر، روم، هند، بین النهرین، چین و ... پایه های اولیه تمدن اسلامی را پی ریزی کردند و در دوره های بعد آن چنان در توسعه و تکامل آن جدیت به خرج دادند که نزدیک به هشت قرن رهبری فکری ملت ها را بر عهده گرفتند. در این مدت طولانی مسلمانان به نقش دوگانه ای دست زدند. از یک سو با انتقال آثار ارزشمند تمدن های گذشته به جهان اسلام نه تنها آنها را از انهدام و فراموشی نجات دادند، بلکه با ترجمه و تصحیح و تکمیل اندیشه های آنان بسیاری از علوم گذشته را به کمال رساندند. از سوی دیگر توفیق پایه گذاری برخی علوم جدید (مثل شیمی آزمایشی، فیزیک جدید، جبر، مثلثات، زمین شناسی، زیست شناسی، جامعه شناسی و فلسفه تاریخ) را نیز به دست آوردند. (۵:ص:۱۱)

قابل ذکر است که تمدن اسلامی از قرن هشتم تا سیزدهم میلادی دوران طلایی خود را تجربه کرد، دوره ای که دستاورد های علمی، فرهنگی و اجتماعی بسیاری به جهان ارائه شد. در این دوران، مسلمانان نقش کلیدی در حفظ و انتقال دانش های باستانی، توسعه علوم جدید، و نوآوری در زمینه های مختلف ایفا کردند. این دوره طلایی نه تنها در پیشرفت تمدن اسلامی تأثیرگذار بود، بلکه به شکل گیری و پیشرفت تمدن غربی نیز کمک فراوانی کرد. بسیاری از دانشمندان و نوآوران غربی از دستاورد های مسلمانان بهره بردند و به ویژه در دوره های قرون وسطی و رنسانس، دانش های اسلامی به عنوان منابع اساسی در پیشرفت علم و دانش غربی شناخته شدند.

دانش مسلمانان به ویژه در زمینه های ریاضیات، پزشکی، شیمی، نجوم، فلسفه، و هندسه به گونه ای توسعه یافت که به طور مستقیم بر تمدن غربی تأثیر گذاشت. با از بین

رفتن امپراتوری روم و سقوط تمدن‌های کلاسیک در اروپا، بسیاری از دانش‌های یونانی و رومی در خطر فراموشی قرار گرفتند. اما با تلاش‌های دانشمندان مسلمان، این دانش‌ها حفظ و به شکل تازه‌ای باز آفرینی شدند و بعدها از طریق ترجمه‌های لاتینی به غرب منتقل شدند.

یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای مسلمانان در دوران طلایی، توسعه ریاضیات بود. محمد بن موسی خوارزمی به عنوان پدر علم جبر شناخته می‌شود. خوارزمی کتابی به نام «الجبر و المقابله» نوشت که مبنای علم جبر مدرن است. جبر، که از واژه عربی «الجبر» گرفته شده، به یکی از پایه‌های اصلی ریاضیات مدرن تبدیل شد و بدون شک، بدون این دستاورد، پیشرفت‌هایی که در ریاضیات و علوم مهندسی در غرب رخ داد، ممکن نبود. (محمدعلی افکاری، لواءبینش، تمدن غرب مدیون اسلام (۸: انترنت)

علاوه بر خوارزمی، ابن هیثم نیز در علم نور شناسی و هندسه نقشی کلیدی داشت. او با انجام آزمایشات دقیق درباره شکست و انکسار نور، نظریات پایه‌ای در زمینه اپتیک را مطرح کرد که بعدها توسط دانشمندانی همچون یوهان کپلر و آیزاک نیوتون توسعه یافتند. ابن سینا یا همان Avicenna در غرب، یکی از بزرگ‌ترین پزشکان و فیلسوفان تاریخ اسلام بود. کتاب معروف او، القانون فی الطب، قرن‌ها به عنوان مرجع اصلی پزشکی در اروپا و جهان اسلامی شناخته می‌شد. این کتاب شامل مجموعه‌ای از اطلاعات پزشکی، داروشناسی، و روش‌های جراحی بود که تا قرن‌ها توسط پزشکان غربی مورد استفاده قرار می‌گرفت.

علاوه بر ابن سینا، الزهراوی، جراح مسلمان نیز نوآوری‌های زیادی در جراحی داشت. ابزارهای جراحی او و تکنیک‌هایی که معرفی کرد به جراحی مدرن کمک فراوانی کرد. او به عنوان پدر جراحی شناخته می‌شود و بسیاری از ابزارهای جراحی که امروز استفاده می‌شوند، توسط او ابداع شده‌اند.

علم نجوم در دوران طلایی اسلام با تلاش‌های دانشمندان بزرگی مانند البیرونی و ابن هیثم به اوج خود رسید. مسلمانان به ویژه در رصد ستارگان و پیش‌بینی‌های دقیق درباره

حرکات اجرام آسمانی موفقیت‌های بزرگی کسب کردند. ابزارهای نجومی مانند اسطرلاب توسط مسلمانان بهبود یافت و برای اندازه‌گیری موقعیت‌های ستارگان و سیارات استفاده می‌شد. (۸: انترنت)

دانشمندان مسلمان همچنین در زمینه جغرافیا نیز دستاوردهای مهمی داشتند. ابن بطوطه و ابن خلدون با سفرهای گسترده خود، نقشه‌های دقیقی از جهان تهیه کردند و مفاهیم جدیدی در مورد زمین‌شناسی و جغرافیا مطرح کردند. این دستاوردها به تمدن غرب کمک کرد تا در دوران اکتشافات جغرافیایی از این دانش‌ها بهره‌بردار شود.

یکی از حوزه‌های تأثیرگذار دانش مسلمانان بر غرب، فلسفه و حکمت بود. فارابی، ابن سینا و ابن رشد در حوزه فلسفه نقش کلیدی داشتند. فلسفه اسلامی که ترکیبی از فلسفه یونانی و تفکرات اسلامی بود، به شکل گسترده‌ای در اروپا مورد استقبال قرار گرفت. آثار ابن رشد به خصوص در زمینه تفسیر فلسفه ارسطو در دانشگاه‌های اروپایی مطالعه می‌شد و این خود در آینده زمینه‌ساز تحولات بزرگ گردید.

یکی از مهم‌ترین راه‌هایی که از طریق آن دانش مسلمانان به غرب منتقل شد، نهضت ترجمه بود. در قرن دوازدهم و سیزدهم میلادی، ترجمه‌های گسترده‌ای از آثار علمی و فلسفی عربی به زبان لاتین صورت گرفت. مراکز علمی مانند طلیطله در اسپانیا و سیسیل در ایتالیا به مراکز مهم ترجمه و تبادل دانش تبدیل شدند. مترجمان اروپایی آثار مسلمانان را به لاتین ترجمه کردند و این ترجمه‌ها در دانشگاه‌های اروپایی تدریس شدند.

جرارد کرمونایی یکی از مشهورترین مترجمان این دوره بود که بسیاری از آثار خوارزمی، ابن سینا، ابن هیثم، و دیگر دانشمندان مسلمان را به لاتین ترجمه کرد. این ترجمه‌ها به ایجاد پایه‌های علمی و فکری در غرب کمک کرد و به ویژه در دوران رنسانس نقشی کلیدی ایفا کرد.

علاوه بر این‌ها، تمدن اسلامی در زمینه‌های هنر و معماری نیز تأثیرگذار بود. سبک‌های معماری اسلامی به‌ویژه در اسپانیا (اندلس) تأثیرات عمیقی بر معماری غرب گذاشت. کاخ الحمرا در گرانادا یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های معماری اسلامی است که

الهام بخش معماران اروپایی در دوران رنسانس و پس از آن شد. تکنیک‌های هنری مانند کاشی‌کاری و استفاده از طرح‌های هندسی در معماری اروپایی به‌ویژه در کلیساها و کاخ‌های ایتالیا و اسپانیا مشاهده می‌شود.

با پایان یافتن دوران طلایی اسلام و شروع جنگ‌های صلیبی، تأثیر تمدن اسلامی بر غرب کاهش یافت. اما دانش‌هایی که از طریق ترجمه‌ها و سفرهای دانشمندان به اروپا منتقل شده بود، به تدریج به پیشرفت‌های علمی غرب منجر شد. اروپا با استفاده از این دانش‌ها، در کنار نوآوری‌های خود، وارد عصر روشنگری و انقلاب علمی شد. (۸: انترنت)

نتیجه‌گیری

نقش اسلام، در آفرینش تمدن اسلامی امری است مسلم. هرچند بعضی سعی کرده اند سهم دین اسلام را در ایجاد و آفرینش تمدن غرب وارونه جلوه دهند، اما با آنهم زیادی از متفکرین اروپا، از آفرینش تمدن اسلام و تأثیرات آن را در گسترش تمدن غرب انکار نمی‌کنند.

دین اسلام از آوان ظهورش، شروع به تمدن‌سازی کرد و خرده فرهنگ‌ها و تمدن‌های قبیله‌ای را جوهر معنویت بخشید و هر روز بر قلمرو این تمدن افزوده شد. از آغاز قرن چهارم هجری بود که تمدن اسلامی به عنوان تمدنی متفاوت و خارق‌العاده در جهان معرفی شد و با دست‌آوردها و نتایجی پُر بار خویش توانست مدت‌ها بر جهان حکمرایی نماید.

مسلمانان با الهام از داشته‌های اصیل اسلامی و با بهره‌گیری از میراث تمدن‌های پیش از خود، پایه‌های اولیه تمدن اسلامی را پی‌ریزی کردند و در دوره‌های بعد آن چنان در توسعه و تکامل آن جدیت به خرج دادند که نزدیک به هشت قرن رهبری فکری ملت‌ها را بر عهده گرفتند.

دانش مسلمانان به ویژه در زمینه‌های ریاضیات، پزشکی، شیمی، نجوم، فلسفه، و هندسه به گونه‌ای توسعه یافت که به طور مستقیم بر تمدن غربی تأثیر گذاشت. با از بین

رفتن امپراتوری روم و سقوط تمدن‌های کلاسیک در اروپا، بسیاری از دانش‌های یونانی و رومی در خطر فراموشی قرار گرفتند. اما با تلاش‌های دانشمندان مسلمان، این دانش‌ها حفظ و به شکل تازه‌ای بازآفرینی شدند و بعدها از طریق ترجمه‌های لاتینی به غرب منتقل شدند.

سخن آخر این که مسلمانان پس از ورودشان به اروپا با الهام از دستورات و احکام الهی، همانند مغول‌ها، دست به کشتار مردم نزدند، مراکز علمی و فنی را به ویرانگی نکشیدند، تحکیم مذهبی روا نداشتند، تحت تأثیر خرافات قرار نگرفتند، فرآورده‌های یونان و روم را بی هیچ دخل و تصرف قبله آمال و آرزوهای خود قرار ندادند، بر خلاف صلیبیان که چند قرن بعد در فاجعه اندلس و قتل عام مسلمانان هشتاد هزار کتاب را به آتش کشیدند و در حمله به شام و فلسطین سه میلیون کتاب را آتش زدند، همچنان قتل عام و آتش سوزی به راه نینداختند، بلکه با آزاد اندیشی— مذهبی، به گرفتن اندک جزیه ای اکتفا نمودند و همین مسأله بود که با الهام از بستر سازی های قرآن عظیم الشأن و آموزه های دین اسلام، پایه های تمدن اسلامی را در آسیا و اروپا مستحکم ساختند.

مآخذ

- ۱- آلن، لیرو. فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، چاپ دوم، انتشارات کیهان: تهران، ۱۳۷۰.
- ۲- آدلر، فیلیپ ج. تمدنهای عالم، ترجمه محمدحسین آریا، امیرکبیر: تهران، ۱۳۸۳.
- ۳- دورانت، ویل. تاریخ تمدن، ج ۱، ترجمه احمد آرام، چاپ چهارم، انتشارات انقلاب اسلامی: تهران، ۱۳۷۲.
- ۴- عارف، محمد. جغرافیای عالم اسلام، تصحیح صدیقه سلطانی فر، انتشارات، جهاد دانشگاهی (دفتر مرکزی)، بخش فرهنگی: تهران، ۱۳۶۹.
- ۵- محمدی، ذکراالله. نقش فرهنگ و تمدن اسلامی در بیداری غرب، انتشارات دانشگاه بین المللی امام خمینی: ایران، ۱۳۷۳.
- ۶- موسوی لاری، سید مجتبی، سیمای تمدن غرب، انتشارات اسلامی: قم، ۱۳۶۰.
- ۷- هانتینگتون، ساموئل. برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی، مترجم محمدعلی حمید رفیعی، چاپ اول، ناشر دفتر پژوهشهای فرهنگی: تهران، ۱۳۷۸.
- ۸- محمدعلی افکاری، تمدن غرب مدیون اسلام (چگونه مسلمانان زیربنای تمدن غرب را ساختند؟)، لواءبینش، تاریخ دسترسی-۱۴۰۳/۱۱/۲۸ (<https://levabinesh.ir/>)

معاون سرمحقق محمدانور فايز

فرهنگي ميراثونه او ساتنه يې

Cultural heritages and its protection

By: Associate Prof, Mohammad Anwar Faiz

Abstract

Access to cultural heritage is the human right of persons, and its protection and maintenance is the duty of the public, especially governments. The Universal Declaration of Human Rights, covenants and other international human rights documents have recognized the right of access to cultural heritage as an evidence of cultural rights. At the same time, the conventions and customary rules of international humanitarian law also prohibit the destruction and seizure of cultural heritage during war and armed conflicts and consider its protection as the responsibility of the parties to the conflict.

In the internal laws of the countries, including the internal laws of Afghanistan, the demolition, destruction, and seizure of cultural heritages have been prohibited and criminalized, and the perpetrators of crimes against cultural heritages have been required to be punishable. Therefore, sufficient legal guarantees at the national and international level to protect cultural heritage.

لنډيز

کلتوري ميراثونو ته لاس رسی د خلکو بشري حق دی او ساتنه يې په عمومي ډول پر خلکو او په ځانگړي ډول د دولتونو مسؤليت دی. د بشر حقونو نړيواله اعلاميه د بشري حقونو تړونونه او نور اسنادو کلتوري ميراثونو ته د لاس رسي د کلتوري حقونو د مصداق په توگه په رسيمت پيژندلي. په داسې حال کې چې د نړيوالو دوستانه بشري حقونو، عرفي قواعدو او کنوانسيونو د جگړې پر مهال د کلتوري ميراثونو ويجاړول، ولکه کول منع کړي او د جگړې دواړه اړخونه يې په ساتنه کې مکلف دي. د افغانستان په شمول د نړۍ د ټولو هيوادونو په کورنيو قوانينو کې د کلتوري ميراثونو ويجاړول، تصرف کول او د چاودونکو توکو په وسيله له مينځه وړل منع او ترسره کول يې جرم بلل کيږي. ياد ميراثونه په نړيواله او ملي کچه له قانوني او حقوقي ملاتړه څخه برخمن دي.

د څېړنې ارزښت

فرهنگي ميراثونه د هر هيواد د تاريخي، تمدني، فرهنگي او پېژندنې مخينې بيانوونکي دي چې د زياتو کلونو په بهير کې رامنځته شوي دي. را پاته مادي او معنوي اثار د پخوانيو خلکو د دوامداره مهارتونو، نوښتونو او د ټولنيزو او فرهنگي اړيکو پايله ده چې ننني نسل ته يې دي. دا ميراثونه له ځانگړي تاريخي، فرهنگي، اقتصادي او هنري ارزښت څخه برخمن دي.

د فرهنگي ميراثونو ساتنه د ټولنې د وگړو او د دولت دنده ده، په دې دندو د پوهيدو لپاره مې دا مقاله وليکله.

د څېړنې موخه

د دې مقالې موخه د ملي او نړيوالو قوانينو په رڼا کې د فرهنگي ميراثونو د ساتنې، د هغوی د قاچاق د مخنيوي په لرغونو سيمو کې د غير قانوني کيندنو څخه خبروای دی.

د څېړنې ډول او میتود

په دې څېړنیزه مقاله کې له تشریحي تحلیلي او توصیفي میتود او د څېړنې له کتابتوني ډول څخه کار اخیستل شوی دی.

سریزه

دې ټکي ته په پاملرنه چې افغانستان تیر مهال د بشري تمدن او فرهنگ په پیدایښت او پالنه کې مرکزي رول لوبولی دی، نو دا څېړنه او معلوماتي لیکنه به د فرهنگي میراثونو پر حق ارزښتمنه رڼا واچوي. د دې خاورې د بډای مدنیت په بیلابیلو برخو کې مهم با ارزښته هنري او کلتوري میراثونه خوندي دي. ددې زړو میراثونو د تاریخي او فرهنگي ارزښت په درلودلو سره تر اوسه پورې پټ او مجهول پاته دي. بې مهري او ناخبري د بیا نه نوې کیدونکې خزاني ویراني او له مینځه تگ ته وخت او زمینه برابره کړې. فرهنگي میراثونو ته لاس رسی، د مادي او معنوي پانگې په توگه د خلکو بشري حق دی او ددې فرهنگي میراثونو ساتنه یې بل حق دی. دا څېړنه (د فرهنگي میراثونو ساتنه او هغو ته لاس رسی) له حقونو څخه خبرتیا له پاره ده، چې ددې لیکنې موخه او اړتیا توجیه کولی شي. ځکه چې دا پېژندنه او خبرتیا د فرهنگي میراثونو په ساتنه کې لومړی شرط دی چې په پایښت، ساتنه او د آثارو د عمر په اوږدولو کې مهم رول لري. ډېر خلک چې د فرهنگي میراثو نو د ساتنې خبرتیا نه لري او ډېری یې د ناسمې عقیدې له مخې د فرهنگي میراثونو د منسوځو او غیر آسماني دینونو بنسټ یې بولي او پر همدې روحیه یې د غندلو او تخریب هڅه کوي. دې ته ورته کړنې فرهنگي میراثونو ته زیان رسوي او عمر یې کموي. دا یادې کړنې چې له غلط فهمي رامینځ ته کیږي چې د تاریخي میراثونو په گټه نه دي.

فرهنگي حقونه

کلتوري حقونه د اقتصادي او ټولنیزو حقونو ترڅنگ د بشرحقوقو د دویم نسل له جملې شمیرل کیږي چې د انساني شخصیت وده، د ښوونې او روزنې له لارې، د فرهنگ او خبراوي سطحه لوړول، د ټولنې د افرادو ترمینځ د پوهاوي رامینځ ته کیدل، د بشر د فرهنگي حقونو مهم اهداف دي. که څه هم د بشر حقونو په نړیوالو اسنادو کې د کلتوري حقونو

مصاديق په ښکاره ډول نه دي بيان شوي اما ددې برخې کار پوهانو او متفکرانو له نظره دغه لاندې قوانین په خپله غیر کې راغاري. له لومړۍ کچې نیولې ان تر لوړې پورې ښوونې او روزنې حق، د بې سوادۍ له مینځه وړل^۱، د څیړنې لپاره د ځواک او اسانتیاوو رامینځ ته کول، د علمي قواعدو د پرمختګ او پراختیا څخه د خلکو برخمن کیدل^۲، د فکر مالکیت، په فرهنگي ژوند کې د خلکو ګډون^۳، له فرهنگي او فلکلوري میراثونو ملاتړ او ساتنه.^۴

ځینې کسان فرهنگي حقونه د ټولنیزو حقوقو بیانوونکي بولي، خو دا ښکاره ده چې فرهنگي حقوق د تیرو مصداقونو له مخې که څه هم ټولیزه غوښتنه لري، د هر انسان د شخصیت بشپړتا د ټولو انسانانو حق دی، د همدې دلیل لپاره د بشر حقونو د نړیوالې اعلامیې په ۲۷ ماده کې راغلي دي (هرکس حق لري چې په ټولنیز او فرهنگي ژوند کې په خپلواک ډول ګډون وکړي، له فنونو او هنره ګټه واخلي، په علمي پرمختګ او د هغه په فوایدو کې برخه ولري، هر کس حق لري چې له مادي معنوي له علمي، فرهنگي آثارو د ملاتړ څخه برخمن وي).^۵ په دې ډول د نړیوالو اقتصادي او ټولنیزو او فرهنگي حقوقو تړون (په فرهنگي ژوند کې ګډون) باندې ټینګار کړی دی او د فرهنگي حقونو نورو مصادیقو ته یې رسمیت ورکړی دی. د دې مادې په اعتبار یې موادو او مینځ پانګې ته الزامي کیفیت ورکړی دی، چې په تړون کې ګډون وال هیوادونه دي د هرکس فرهنگي حقوق په رسمیت وپېژني.^۶

^۱- مجمع عمومی سازمان ملل متحد، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مصوب ۱۹۶۶، ماده ۱۵.

^۲- اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند ۲، ماده ۲۷ و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی، ماده ۱۵.
^۳- هماغه اثر.

^۴- پېژند، عباسی، حقوق بشر و آزادی های بنیادین، انتشارات دادگستر، چاپ اول، ۱۳۹۰، ص ۳۵۷.

^۵- اعلامیه جهانی حقوق بشر ماده ۲۷.

^۶- میثاق بین المللی حقوق، اقتصادی اجتماعی و فرهنگی، ماده ۱۵.

د فرهنگي ميراثونو ساتنه د بشري حقوقو د مصداق په توگه

څنگه چې پورته يادونه شوې د فرهنگي حقونه د يو مشخص لړليک له نشتوالي سره مخامخ دي خو بيا يې هم په ځينو مصاديقو کې په نسبي ډول اجماع ليدل کيږي. (په فرهنگي ژوند کې د گډون حق) په توضیح کې ځينو پر دې ټينگار کړی دی چې هر کس د خپل او نورو فرهنگي ميراثونو او فرهنگ ته د لاس پيدا کولو حق لري. له دې امله د نظر خاوندانو ترمنځ د فرهنگي هويت او فرهنگي اموالو دوه مقولې د فرهنگي حقونو دوه برجسته برخې شميرل کيږي. د يوه ملت فرهنگي هويت پورې زړه تړل خوښيدل او له هغوی څخه خبرتيا او تبليغ، د هر ملت او د هغوی په افرادو پورې تړلی فرهنگي حقونه دي. د يوملت د فرهنگي هويت د هغه هيواد يا خلکو او تاريخ کې لويه ريښه لري، نو په دې مينځ کې پرته له دې چې تاريخي اثار خپله د فرهنگي کاليو په ډله کې شميرل کيږي او د يو ملت د فرهنگي هويت يو برخه بلل کيږي، چې په واک کې درلودل او هغوی ته لاس رسي کولای شو خپل فرهنگي حقوق وبولو.^۱

نو هر کس دې ته اړتيا لري چې دی څوک دی؟ اسلاف يې څوک دي؟ هغوی څه کړي دي؟ او له تيرو يې څه زده کړي دي، دې پوښتنو ته څرگند ځواب ورکول د يوه ملت افرادو ته هويت وربښي. د فرد هويت په خپل نفس باندې له باور، او له انساني کرامت له برخمن کيدو څخه رامينځ ته کيږي اما بې هوښه افراد او ملت خپل فرهنگ او هويت له لاسه ورکوي چې خپله هيڅ نه دی او هيڅ نه و، چې نه تاريخ لري نه ژبه، نه هنر او نه يې د تمدن په پالنه کې برخه درلوده، ځکه د ځان بايللو اراده د ځان بايللو پيل دی، له خپل ځان پرديتوب هغه وخت پيل کيږي چې يو ملت له خپل تاريخ او تاريخي ميراثونو څخه واټن واخلي او يا ورته لاس رسي ونه لري او په دې نه پوهيږي چې څوک و او له کوم ځايه راغلی

۰۹۹

دا يوه طبيعي اړتيا ده چې دې اړتيا ته په کتو سره فرهنگي ميراثو ته افرادو د لاس رسي او فرهنگ حق په رسميت پيژندل شوی. که دانسان طبيعي اړتيا ته په کتو بشري حقونه

^۱ - ميثاق بين المللی حقوق، اقتصادي اجتماعي و فرهنگي ماده ۱۵.

وېبپاڼو او د بشري کرامت په توگه ومنو او دهغوی په سره نړيواله اجماع د بنسټ په توگه ومنو نو په دې درې سره حالتو کې به د فرهنگي ميراثو ساتنه د بشر حقوقو د مصاديقو په لړليک کې د اثبات وړ گڼل کېږي. د بشر نړيوالو حقوقو برسیره یونسکو د ملگرو ملتو نو د علمي فرهنگي او ښوونې او روزنې خانگې ۱۹۲۷ م - د نومبر - ۱۶ د (فرهنگي او طبيعي ميراثونه ساتنه) کنوانيسون تصويب کړ ترڅو د فرهنگي ميراثو ساتنه او ملاتړ وشي،

ددې کنوانيسون کې درج شوي مطالب او نورو اړوندو اسنادو ته په پام سره د فرهنگي ميراثونو په لومړۍ ډلبندي کې په دوه برخو ويشل شوي دي چې يو په ملموس فرهنگي او ناملموسو فرهنگي ميراثو تقسيم شوي دي. د نړۍ د طبيعي او فرهنگي ميراثونو د ساتنې کنوانيسون، د فرهنگي ميراثو دې دوو برخو ته قايل نه وو، ملگرو ملتو په ۲۰۰۳م کال کې د يونسکو په عمومي کنفرانس کې د مادي او غير مادي فرهنگي ميراثونو کنوانيسون تصويب کړ. د (نړۍ د طبيعي او فرهنگي ميراثونه) کنوانيسون د لومړۍ مادې په اساس په ملموسو طبيعي او فرهنگي ميراثونو کې دا مواد شامل دي: د معماري آثار، مجسمې، انځور لرونکې ډبرې، کودرې، د لرغونو ودانيو بنسټونه، د اوسيدو غارونه، له علمي او هنري تاريخي پرته ټول جوړښتونه نړيوال ارزښت لري، له معماري نظره په فرد پورې تړلې ودانۍ، هغه آثار چې د انسان او طبيعت په وسيله رامینځته شوې او په لرغونې محوطه پورې منحصرې سيمې چې د تاريخ، ښکلا پيژندنې له مخې په فرد پورې تړلي نړيوال ارزښت لري.^۱

ناملموس فرهنگي ميراثونه د يونسکو د معنوي ميراثو د کنوانيسون د دوهمې مادې له مخې دا برخې رانغاړي: چلندونه (قوانين، نمانځه) نښانونه، پوهنې، مهارتونه، ژبې او بيان، محلي ژبې) هغه شيان، هنري او مکاني آثار چې اړوند ټولنې او افراد يې د خپلو ناملموسو ميراثونو په توگه پيژني. دا ناملموس فرهنگي ميراثونه چې له يوه نسل بل نسل ته ليږدول کېږي او تل له پاره د ټولنو د ډلو له خوا د چاپيريال، طبيعت او تاريخ په ځواب کې نوي رامینځ ته کېږي. هويت او دوام يې د بشري خلاقيت او فرهنگي رنکارنگي ته احترام ددې ډلې د فرهنگي ميراثونو پايله ده. په دې ډول کنوانيسونو کې يوازې هغه ډول ناملموس فرهنگي ميراثونو ته پام کوي چې د بشر حقوقو د نړيوالو اسنادو او همدارنگه د ټولنو، ډلو،

^۱ - يونسکو، کنوانيسون بين المللی حفاظت از ميراث فرهنگي و طبيعي جهان، مصوب ۱۶ نوامبر سال ۱۹۷۲ ماده اول.

او د افراد ترمینځ اړیتا او پایداره لازمي پراخوالی لري، دغه برخه برسیره پردې چې ناملموس فرهنګي میراثونه راپیژني،^۱ ددې ډول فرهنګي میراثو مصادیق هم مشخص کوي. دا سمه ده چې مخکې یادو شویو ټکو ته په پام سره چې خپلو فرهنګي میراثونو ته لاس رسی د بشر حقوقو د روښنایي مصداق ده، دولتونه د نړیوالو ژمنو له مخې ددې آثارو د ساتنې او پالنې مسوول ده.

د فرهنګي میراثونو ساتنه د نړیوال بشر دوستانه حقوقو په توګه

نړیوال بشر دوستانه حقوق هغه قواعد او حقوق دي چې د نړیوالې او کورنۍ وسلوالې ډلې باید د جګړې په ډګر کې رعایت کړي، دغه حقوق په ۱۹۴۹ م کې د ژینو په څلورو نړیوالو تړونو کې تصویب شوي دي. چې افغانستان یې هم دلومړي سند په لاسلیک کولو کې برخه درلوده. په اخیر ځل دغه قواعد د نړیوالو بشري دوستانه عرفي حقوقو تر سر لیک لاندې د سره صلیب د نړیوالې ټولنې له خوا تدوین شوي چې ټول اصول یې د عرفي قواعدو په توګه د جګړې په ټولو اړخونو یې منل لازمي دي. لکه د ملکي وګړو وژل، د جګړې د زخمیانو وژل، نسل وژنه، او د تاریخي آثارو او فرهنګي ابداتو ویجاړول منع دي. د ژینو د تړون او د نړیوالو بشر دوستانه عرفي قواعدو له مخې ددې هر یو تر پښو لاندې کول جنګي جنایت شمیرل کېږي، د فرهنګي میراثونو مقولې د نړیوالو بشر دوستانه حقوقو کې د جدي توجو وړ بلل شوی دي، په ځانګړي ډول د ژینو نړیوالو تړونو د پروتوکول د لومړي الحاق په ۵۳ ماده کې وایي: تاریخي آثارو، هنري کارو یا د عبادت سیمې چې د خلکو فرهنګي او معنوي میراثونه رانغاړي پر وړاندې یې هر ډول خصمانه کړنې منع دي. د فرهنګي میراثو هر ډول تصرف، تخریب او په چاودونکو توکو یې الوزول او ورته زیان رسول د خصمانه عمل په توګه پیژندل کېږي او د پورته ذکر شوي مادې له مخې منع دي. د فرهنګي مالونو د ساتنې په منظور ددې ډول قواعدو وضع کول د ټولنې د ملي هویت ساتنه ده چې د وسلوالو کینو او خصمانې قرباني شوي دي.

^۱ - یونسکو، کنوانسیون میراث فرهنګي معنوی یا ناملموس، مصوب، ۱۷، سال، ۲۰۰۳، ماده دوم.

په دې توگه د نړيوالو بشر دوستانه عرفي حقوقو د ۳۸ مادې له مخې (په جگړه کې ښکېلي غاړې بايد فرهنگي مالونه محترم وگڼي ، يا هغه مالونه چې د هر ملت د فرهنگي ميراثو له نظره د اهميت وړ وي بايد پرې بريد ونه شي) د نړيوالو بشر دوستانه عرفي حقوقو ۴۰ ماده کې راغلي دي (له فرهنگي نظره د مالونو په قصدي ډول وړانول ، نيول ، او په چاودې دونکو توکو الوزول ، په نړيوالو او کورنيو جگړو کې جنګي جنايت بلل کيږي).^۱ په همدې دليل د بشر حقوقو، د نړيوالو بشر دوستانه حقوقو باندې د څار نړيوال سازمانونه دولتونه او ملګري ملتونه دا ډول گړنې غندي. د نړيوالو ټولنو او ملګرو ملتو داسې ښکاري چې د فرهنگي ميراثو د وړانولو مخنيوی يو نړيوال بشر دوستانه او بشري حق دی، د بيلگې په ډول په ۱۹۸۹ م کال کې ملګرو ملتونو د بشر حقوقو کميسون د افغانستان د تاريخي او فرهنگي ميراثونو چور اوله په مينځه وړلو ژوره انديښنه څرګنده کړه. چې له ټولو ښکېلو اړخو يې وغوښتل چې ددې ميراثونو ساتنه او ملاتړ وکړي.^۲

ذکر شوي قواعد د بشري ټولنې تاريخي سوداګري ته په پاملرنې سره د يو مېرمنې اړيتا په بنسټ جوړ شوي دي. له تاريخي واقعيو داسې ښکاري چې په ځينو برخو کې فرهنگي کالي او مالونه د نظامي موخو په توګه تر بريد لاندې نيول شوي دي، ډيری هيوادونه چې له کورنيو جگړو سره لاس او گريوان دي په جگړه کې ښکېل اړخونه فرهنگي مالونه د دفاعي سپر په توګه کاروي چې په پايله کې يې فرهنگي اثار له دواړو اړخونو تر بريد لاندې نيول کيږي. په زياترو هيوادونو کې چې د کورنيو شخړو ريښه يې ديني او قومي وي پر فرهنگي مالونو په قصدي ډول بريدونه کوي (ځکه چې د مقابل اړخ هويت او فرهنگ يې بولي). په قصدي ډول د فرهنگي مالونو او شيانو الوزول او له مينځه وړلو مثالونه موږ د يوګو سلاويا له پاش کيدو وروسته په شخړو کې گورو، ددې مالونو وړانول د فرهنگي نښو په توګه د قومي پاک سازي سياست وو چې د جگړې دواړه غاړې پرې مصروفې وې.^۳

^۱ - کميته بين المللی صليب سرخ، حقوق بين المللی بشر دوستانه عرفی، جلد اول ، مجمع علمی و فرهنگي مجد،

چاپ اول ۱۳۸۷، مخ ۲۲۵.

^۲ - کميسون حقوق بشر سازمان ملل متحد، قطعنامه ۷۰/۱۹۹۸

^۳ - حقوق بين المللی بشر دوستانه عرفی، ص ۲۳۵، يونسکو بيانیه مطبوعاتی، شماره ۲۷-۲۰۰۱.

فرهنگي ميراثونه ديوې ټولنې او ملت د فرهنگي هويت برخه ده، هويت دفرهنگي نښې په توگه د فرد او ملت فرهنگي ځانگړنې (ژبه، مذهب، تاريخي ميراثونه، هنر) دي چې په اساس پيژند کيږي او له نورو سره يې توپير کيږي، د فرهنگي ميراثونو تخريب د يوه ملت او په هغه پورې د ټوليو افرادو په هويت بريد گڼل کيږي، ياد شوي قواعد د يوه ملت او افرادو د هويت د بريد څخه د خونديتو په موخه وضع شوي دي.

د فرهنگي ميراثونو تخريب جرم دی

د تاريخي او فرهنگي ميراثونو په وړاندې جرم يو له هغو جرمونو څخه دی چې نه بښل کيږي، چې په خصوصي ډول نه څارل کيږي، اغلب چې هيوادونو په خپلو کورنيو قوانينو کې د فرهنگي ميراثونو وړانول، الوزول يو جرمي کړنه بلل شوې ده، چې ترسره کوونکي يې د مجازاتو وړ بلل کيږي؟ ځکه ددې ډول قضيو جرم د تاريخي، هنري شهکارونو تخريب او وړانول دي، چې د يوه ملت او افرادو د هويت نښه، او د تاريخ تمدن او فرهنگ بيانونکي بلل کيږي.

د افغانستان دولت قانون جوړونکو بنسټونو دې ارزښتمنې برخې ته پام کړی دی او د تاريخي او فرهنگي آثارو د ساتنې قانون يې رامینځ ته کړی دی،^۱ ددې قانون دويمه ماده چې د ۱۳۸۲ ش کال د اساسي قانون د نهمې مادې له مخې داسې وايي (د افغانستان تاريخي او فرهنگي آثار د افغانستان په خلکو پورې اړه لري، او د ټول بشريت د فرهنگي ميراثو د تکامل په لاره کې ددوی د برخې اخيستنې ښکارندوی دي. د تاريخي او فرهنگي آثارو ساتنه د افغانستان د دولت او د خلکو دنده ده)^۲ ددې قانون له مخې د تاريخي او فرهنگي آثارو غيرقانوني ليرد، تصرف، غير قانوني کيندنه^۳، اخيستل، خرڅول، غير قانوني تجارت منع دي^۴. د دې قانون اتم څپرکی د فرهنگي او تاريخي اثارو په وړاندې په جرم ککړو

۱- لومړی بند، نهمه ماده، د افغانستان اساسي قانون، کانونه او نورې تر ځمکې لاندې زيرمې او لرغوني آثار د دولت ملکيت دي. ۱۳۸۲، مخ ۶.

۲- د افغانستان د تاريخي او فرهنگي آثارو د ساتنې قانون، دوهمه ماده، د عدلي وزارت، رسمي جريده ۸۲۸، ۱۳۸۳، مخ ۱.

۳- هماغه اثر، مخ ۴.

۴- د افغانستان د تاريخي او فرهنگي آثارو د ساتنې قانون، دوهمه ماده، د عدلي وزارت، رسمي جريده ۸۲۸، ۱۳۸۳، مخ ۳۵.

مرتکبينو ته ځانگړی شوی، د دې قانون ۷۴ مادې له مخې (هغه شخص چې تاريخي او فرهنگي اثارو ته په قصدي ډول زیان ورسوي او یا يې له مينځه یوسي، د زیان پر جبران برسیره به (په قانوني ډول په مقرر حبس محکومېږي) د افغانستان د جزا قانون ۳۴۴ مادې له مخې هم د اثارو تلف یو جرمي کړنه ده چې تر سره کوونکی د مجازاتو وړ بلل کېږي.^۱

پایله

فرهنگي میراثونه پرته له دې چې په کوم دین او په کومه تاریخي دوره پورې اړه لري، له حقوقي اهمیت څخه برخمن او د یو بشري حق په توګه د احترام وړ دي باید ملاتړ یې وشي. داسې ښکاري چې یوازې قانوني او حقوقي ضمانت نه شي کولای چې فرهنگي میراثونه له زیان څخه وساتي، بلکې هغه وخت چې د خلکو په مینځ کې فرهنگي میراثونه ارزښت پیدا کړي او ساتنه یې په هغو کې یو احساس وګرځي، نو تر ډیره اندازې کولای شو د هغوی له خونديتوب څخه مطمین شو.

^۱ - هماغه اثر، مخ ۳۴.

مأخذونه

- ۱- اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند ۲ ماده ۲۷ و میثاق بین المللی حقوقی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.
- ۲- اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند ۱ ماده ۲۷ و میثاق بین المللی حقوقی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.
- ۳- اعلامیه حقوق بشر.
- ۴- حسن اسدی زیدآبادی، حقوق فرهنگی یک ملت، سایت اطلاعاتی نشریان.
- ۵- عباسی پیژند، حقوق بشر و آزادی های بینادین، انتشارات دادگستر، چاپ اول، ۱۳۹۰.
- ۶- د افغانستان اساسي قانون، ۱۳۸۷.
- ۷- د عدليې وزارت، د افغانستان دتاريخي او فرهنگي اثارو د ساتنې قانون، رسمي جريده، ۸۲۷، ۱۳۸۳.
- ۸- مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، مصوب سال ۱۹۴۸.
- ۹- کمیته بین المللی صلیب سرخ، حقوق بین المللی بشر دوستانه عرفی، جلد اول، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ اول ۱۳۸۷.
- ۱۰ - مجمع عمومی سازمان ملل متحد، میثاق بین المللی حقوق، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مصوب سال ۱۹۶۶ م.
- ۱۱ - میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.
- ۱۲- یونسکو، کنوانسیون بین المللی، میراث فرهنگی معنوی یا ناملموس مصوب ۱۷ اکتوبر، سال ۲۰۰۳.
- ۱۳- یونسکو، کنوانسیون بین المللی حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان، مصوب ۱۶ نوامبر سال ۱۹۲۷.

معاون سرمحقق فرهاد احمدی

نقش آثار باستانی در تقویه اقتصاد و شناسایی فرهنگ
پر بار افغانستان

**The Contribution of Archaeological
Heritage to Economic Development and
the Understanding of Afghanistan's Rich
cultural Legacy**

By: Associate Prof, Farhad Ahmadi

Abstract

The construction of archaeological Objects in various countries across the world is considered one of the most important cultural and spiritual assets of nations. If accompanied by proper military planning and technical support, these monuments can be transformed into significant economic resources. The tangible cultural and spiritual value of such structures—remnants of ancient civilizations and historical traditions can be examined and restored through scientific and professional methods. In Afghanistan, the existence of such cultural and historical sites, if introduced through academic and scientific channels, can play an essential role in strengthening national identity and cultural values. Furthermore, these sites have the potential to attract

global tourists and become valuable economic assets. Ultimately, such heritage can effectively present Afghanistan's rich and ancient culture to scholars and cultural experts around the world.

چکیده:

آثار باستانی کشور های مختلف جهان یکی از مهم ترین داشته های مادی و معنوی ملت ها محسوب می شود که میتوان با فراهم نمودن زمینه های مورد نیاز مسملکی و تخصصی آن ها ، به یکی از منابع پر در آمد مادی نیز تبدیل گردد. موارث فرهنگی ملموس چون ساحات باستانی ، آثار به دست آمده منقول از آن ها و همچنان آبدات تاریخی را می توان با ترمیم تخصصی ، وقایه از حوادث طبیعی و فراهم نمودن امنیت به یک منبع پر در آمد ملی تبدیل کرد. در پهلوی موارد فوق داشته های فرهنگی افغانستان میبایست از طریق رسانه های گوناگون به جهانیان معرفی گردد. نکات ذکر شده می تواند سیاحین را برای بازدید از مکان های باستانی ، موزیم ها ، آبدات تاریخی و همچنان جاذبه های گردشگری تشویق و ترغیب نماید و باعث تقویه اقتصاد و معرفی فرهنگ دیرینه ملت ما در دوره های مختلف برای فرهنگیان و علاقمندان جهان گردد.

مقدمه

افغانستان از جمله کشور های جهان می باشد که از لحاظ ساحات باستانی غنی بوده ، با داشتن ساحات باستانی و آبدات تاریخی زیاد خویش در ردیف کشور های کهن جهان قرار گرفته و با قدامت بیش از هزار ها سال توانسته است که آثار فرهنگی را درخویش جا دهد. چنانچه معبر معروف ابریشم از آریانای کهن که چین را به روم وصل مینمود از این خطه ای باستانی میگذشت و شاخه های کوچک آن که از محلات و مناطق مختلف عبور میکرد ، باعث آمیزش سنن ، عقاید و مسبب تبادل اموال تجارتي از کشور های مختلف چون روم ، مصر ، آسیای مرکزی ، افغانستان ، چین و هند می گردید.

کشور ما با داشتن ساحات باستانی و آبدات تاریخی از دوره های سنگ الی عصر- معاصر و موجودیت جغرافیایی اش در قلب آسیا همواره محل اتصال و جذب فرهنگ ها بوده، و در نتیجه آمیزش فرهنگ های گوناگون بیگانه در مقاطع مختلف زمانی مکاتب هنری متعدد را به وجود آورده اند. از این رو همواره مورد توجه، جهانگردان، مؤرخین، تاجران، فاتحان بزرگ قرار گرفته و باستانشناسان را وا داشته که از داشته های فرهنگ مادی و معنوی این سرزمین بازدید و گهگاهی آن را کاوش و مورد بررسی قرار دهند.^۱

در نتیجه سروی و کاوش های که توسط محققان و باستانشناسان داخلی و خارجی در نقاط مختلف افغانستان صورت گرفته است ساحات و آثار باستانی کشف گردیده است که دارای ارزش معنوی و مادی میباشد، با ترمیم و حفاظت و زمینه سازی شرایط گردشگری میتواند منبع خوبی در آمد پولی گردد. چنانچه کشور های چون مصر، ایتالیا و ترکیه مبالغ هنگفتی را از طریق صنعت گردشگری به دست می آورند.

ساحات و آثار باستانی مکشوفه این خطه باستانی نماینگر فرهنگ و تمدن با شنده گان افغانستان در دوره های مختلف می باشد و هویت ملی مردم ما را بعد از تحقیق و بررسی روشن و برملا می سازد. برای این که بخشی از موارث فرهنگی ملموس ما که در فوق ذکر شد، نقش مفید و سازنده در رشد اقتصاد و شناسایی فرهنگ این مرز و بوم داشته باشد به راهکار های مختلف ضرورت است، از جمله تأمین امنیت ساحات باستانی توسط امارت اسلامی افغانستان، شناسایی، اهمیت و ارزش ساحات باستانی توسط رسانه های شنیداری، تصویری، نوشتاری، علما و روحانیون دینی، متنفذین قوم، بالا بردن سطح دانش و اقتصادی مردم در زمینه مفید و مناسب می باشد.^۲

مبرمیت موضوع: ساحات باستانی و آثار مکشوفه منقول و غیر منقول کشور روشن کننده فرهنگ و تاریخ باشندگان این مرزوبوم در دوره های متعدد می باشد و به مثابه

^۱ - میرعبدالروف، ذاکر. نتایج تحقیقات باستانشناسی در بگرام، مجله باستانشناسی، ناشر: اکادمی علوم افغانستان، شماره اول، سال ششم، سنبله ۱۳۶۲، ص: ۱۸.

^۲ - فرهاد، احمدی. علل تاراج آثار باستانی و راه حل های آن، مجله باستانشناسی افغانستان، ناشر: اکادمی علوم افغانستان، شماره دوم دور پنجم شماره مسلسل (۳۹-۴۰)، مطبوعه همت، ۱۴۰۱، ص: ۸۲.

بخش از مواریت فرهنگی در پهلوی ارزش معنوی که دارد میتواند با اقدامات مسلکی و تخصصی به منبع اقتصادی نیز مبدل گردد. بناً بررسی چگونگی روش های تبدیل شدن ساحات و آثار باستانی به منبع در آمد مادی و همچنان نقش آن در بخش شناسایی فرهنگ افغانستان در تحقیقات باستانشناسی از مبرمیت خاص برخوردار میباشد.

شیوه تحقیق: تحقیق در مورد عنوان فوق از روش تحلیلی و توصیفی بر مبنای تحقیق کتابخانه یی و مصاحبه ها انجام یافته است.

هدف تحقیق: هدف از این تحقیق بررسی و شناسایی راهکار هائیسست که مسبب آن گردد تا ساحات و آثار باستانی منحصث بخشی مهم از مواریت فرهنگی ملموس کشور منبع خوب اقتصادی و همچنان ترویج و شناسایی هنر و تمدن دیرینه باشندگان افغانستان برای جهانیان و فرهنگیان گردد.

متن

افغانستان با داشتن بیشترین ساحات باستانی از جمله غنی ترین کشور به شمار میرود. امروز برعلاوه کشف و مطالعه آثار بدست آمده در حفاظت آن به مثابه موزیم های غیر منقول نیز تأکید دارد. غنی بودن این خطه باستانی از لحاظ مواریت فرهنگی به ویژه ساحات باستانی و بازیافته های آن که بخشی مهمی از مواریت فرهنگی ملموس میگردد و همچنان منابع طبیعی و موقعیت جغرافیایی حساسش در قلب آسیا باعث توجه جهان گردان، جهان گشایان، زاپرین و به ویژه قاچاقبران آثار تاریخی در طول چند سده اخیر شده است.^۱

ساحات باستانی و آثار آن به حیث یکی از داشته های مادی و معنوی ملت افغانستان می باشد و به نظر من طرق و راهکار های ذیل می تواند نقش آن را در تقویه اقتصاد و اشاعه فرهنگ پر بار افغانستان برجسته سازد.

^۱- فرهاد، احمدی. مجموعه مقالات سمینار علمی- تحقیقی تحقیقات باستانشناسی در کاپیسای دیروز و امروز، اکادمی علوم، مرکز تحقیقات باستانشناسی، ناشر: نشرات اکادمی علوم افغانستان، مطبعه بهیر، ۱۳۹۲، ص: ۲۱۵.

۱- تامین امنیت سر تا سری در کشور باستانی ما افغانستان.

۲- ایجاد و مهیا ساختن موزیم های ساحوی و غیر منقول.

۳- ایجاد موزیم ها در مرکز ولایات مختلف افغانستان.

۴- استاندارد سازی موزیم ملی و سایر موزیم ها.

۵- ایجاد نمایشگاه های ملی و بین المللی با همکاری و هماهنگی نهاد های مختلف علمی- فرهنگی به ویژه (یونسکو) چنانچه مطابق قانون حفظ میراث های تاریخی افغانستان که دارای نه فصل و ۸۵ ماده می باشد، مطابق ماده ۶۵ آن دولت میتواند آثار تاریخی و فرهنگی را برای به منظور نمایش در یکی از نمایشگاه های بین المللی به خارج بفرستد.^۱

به نظر معاون سر محقق محمد انور فایز رئیس مرکز تحقیقات باستانشناسی در پهلوی موارد فوق یکی از مهم ترین عامل که باعث توجه گردشگران به آثار و ساحات باستانی کشور میگردد به رسمیت شناختن افغانستان توسط کشور های جهان و عامل دوم فراهم سازی بستر گردشگری با معیار های بین المللی می باشد. و همچنان تربیه رهنما های گردشگری که به شکل درست و تخصصی بتواند برای گردشگران و علاقمندان در مورد تاریخ و فرهنگ افغانستان معلومات همه جانبه ارایه بدارند. قوانین تطبیق گردد و کسانی که به آثار باستانی آسیب می رسانند و یا آن را قاچاق مینمایند، مطابق قانون حفظ میراث های فرهنگی مجازات شوند.^۲

گاهی دهی در موارد موارث فرهنگی به ویژه در مورد ساحات و آثار باستانی مستلزم آن است که علما، متنفذین و سران اقوام از طرق شورا ها و جرگه های منطقوی فکر و ذهنیت مردم را به ارتباط موضوع روشن نموده در حفظ و حراست از آن ها تشویق و ترغیب نماید. همچنان وزارت معارف می تواند در برنامه های درسی خویش در تمام

^۱ - قانون حفظ میراث های تاریخی افغانستان، ماده ۶۵، ۱۳۸۳.

^۲ - معاون سر محقق محمد انور فایز رئیس مرکز تحقیقات باستانشناسی و کارشناس رشته باستانشناسی، موضوع مصاحبه در ارتباط طرق و راهکار های مهم در رابطه به جذب گردشگران به کشور، جهت تقویه اقتصاد و اشاعه فرهنگ افغانستان، محل مصاحبه کابل، مصاحبه گیرنده: فرهاد احمدی، تاریخ مصاحبه، ۲۸ سرطان ۱۴۰۴.

افغانستان مضمونی را تحت عنوان اهمیت، حفظ و نگهداری ساحات و آثار باستانی شامل نصاب تعلیمی خویش سازد. تجار و متشبثین خصوصی نیز می‌توانند در تولیدات و صادرات خویش تصاویر ساحات و آثار باستانی را همراه با مطالبی شعار گونه بگنجاند و نقش سازنده در بیداری اذهان مردم داشته باشند.^۱

نکات که در فوق متذکر شدیم کمک کننده و زمینه ساز آنست که ما بتوانیم ساحات و آثار باستانی خویش را در پهلوی آن که هویت فرهنگی ما را در ادوار مختلف روشن می‌سازد به یک منبع پر درآمد مادی تبدیل کنیم. چنانچه به اساس قانون حفظ میراث های تاریخی افغانستان آثار گنجینه باختر، شامل ۲۳۱ قلم اثر باستانی از پنج ساحه باستانی افغانستان (طلا تپه، آی خانم، بگرام، تپه فول، و تپه زرگران بلخ) در ۱۳ کشور های به نمایش گذاشته شد و در مجموع تقریباً چهار میلیون دالر عاید نمایشگاه گردید که همه به حساب دولت وقت انتقال گردیده است.^۲

تدویر نمایشگاه ها گنجینه های افغانستان در قسمت معرفی و شناسایی فرهنگ پر بار افغانستان از اهمیت ویژه ی برخوردار می باشد.

در بخش ارزش معنوی نمایشگاه ها باید متذکر شد که نمایش آثار افغانستان مسبب عطف و توجه مردمان جهان در قسمت شناسایی فرهنگ افغانستان می گردد و در نتیجه با نام و عظمت تاریخی افغانستان و باشنده گان شان آشنا می شوند و ملت های جهان بعضاً فکر میکنند که افغان ها فقط جنگجو و بیسواد اند. همچنان در نتیجه نمایش آثار باستانی روابط حسنه فرهنگی بین کشور ها تحکیم، زمینه بورس های تحصیلی برای کارمندان موزیم ملی و برخی از اعضای مسلکی باستانشناسی و کسانی که در پروسه ی تدویر نمایشگاه و ترتیب و تنظیم قرارداد ها شرکت دارند مساعد و زمینه بازدید از موزیم و محلات برای گروپ اعضای مسلکی این نمایشگاه فراهم گردید.^۳

^۱- فرهاد، احمدی. مجموعه مقالات سمینار علمی- تحقیقی تحقیقات باستانشناسی در کاپیاسی دیروز و امروز، اکادمی علوم، مرکز تحقیقات باستانشناسی، ناشر: نشرات اکادمی علوم افغانستان، مطبعه بهیر، ۱۳۹۲، ص: ۲۱۸.

^۲- عصمت الله، عثمانی. سیر تاریخی موزیم ملی افغانستان، انتشارات یوسفزاد، چاپ اول، ۱۳۹۴، ص: ۳۴.

^۳- فرهاد، احمدی، اهمیت و نقش آثار نمایشگاه گنجینه باختر...، کنفرانس علمی- تحقیقی، مرکز تحقیقات باستانشناسی، ۲۹ جوزای ۱۴۰۲، ص: ۶-۷.

نقش آثار باستانی در تقویه اقتصاد و شناسایی...
ولایات زیادی افغانستان از بخش گردشگری در آمد مالی داشته است مانند نورستان، پکتیا، هرات، غزنی، کابل، قندهار، مزار، ننگرهار و ... میباشد.

بدین منوال، با در نظر داشت اظهار نظر رئیس اطلاعات و فرهنگ ولایت بامیان، این ولایت توانسته است در نتیجه ورود سیاحین و علاقمندان ساحات و آثار باستانی در سال ۱۳۹۶ هجری شمسی در حدود ۵۵۵ میلیون افغانی کسب درآمد نماید.^۱

نتیجه

با در نظر داشت مقاله نگاشته شده اگر توجه جدی در قسمت حفاظت از میراث های فرهنگی، همکاری های ارگان های مختلف مانند وزارت داخله امارت اسلامی افغانستان، وزارت اطلاعات و فرهنگ، وزارت معارف و همچنان علما، متنفذین و سران اقوام که میتوانند از طریق مساجد، و جرگه های منطقوی فکر و ذهنیت مردم را به ارتباط موارث فرهنگی روشن نمایند، تا مردم در حفظ و حراست از آن ها تشویق و ترغیب گردند. این امر یکی از عوامل مهم در رسیدن به اهداف ما میباشد که بتوانیم آثار باستانی خویش را حفاظت و آن را منحصیث منبع درآمد مادی و همچنان افتخارات معنوی داشته باشیم.

افغانستان از جمله کشور های غنی جهان از لحاظ موارث فرهنگی ملموس و غیر ملموس میباشد و به واسطه راهکار های علمی و مسلکی توسط نهاد های فرهنگی ملی و بین المللی مانند یونسکو ظرفیت آن را دارد که با سعی و تلاش در دراز مدت به کشوری تبدیل گردد که بخشی قابل توجه از عایدات ملی خویش را از طریق صنعت جهان گردی به دست آورد و همچنان فرهنگ و تمدن دیرینه خویش را از طرق مختلف به جهانیان به نمایش گذارد. که این مهم مستلزم امنیت، فراهم سازی بستر گردشگری با معیار های بین المللی و به رسمیت شناختن افغانستان توسط کشور های جهان، ایجاد و مهیا ساختن موزیم های ساحوی منقول و غیر منقول، ایجاد نمایشگاه های ملی و بین المللی و استاندارد سازی موزیم ملی و سایر موزیم ها می باشد.

^۱ - darivova.com. bamyan-tourism.income

پیشنهادهات

- ۱- ساحات باستانی و آثار باستانی افغانستان توسط وزارت اطلاعات و فرهنگ به همکاری ارگان‌های امنیتی امارت اسلامی افغانستان حفاظت گردد.
- ۲- اهمیت و ارزش ساحات باستانی و آثار باستانی افغانستان توسط رسانه‌ها مختلف برای مردم ما تبلیغ و آگاهی داده شود.
- ۳- وزارت اطلاعات و فرهنگ و ریاست حفظ و ترمیم ابدات تاریخی در قسمت وقایع و ترمیم ساحات باستانی و آثار باستانی توجه هر چه بیشتر خویش را مبذول بدارند.
- ۴- امارت اسلامی افغانستان، نهاد‌های فرهنگی به ویژه یونسکو به مواریث فرهنگی کشور بایست بیشتر گردد و زمینه انتقال آثار که به طور غیر قانونی به کشور‌های مختلف انتقال یافته فراهم گردد.
- ۵- زمینه تدویر نمایشگاه‌های ملی و بین‌المللی آثار باستانی فراهم سازی بستر گردشگری با معیارهای بین‌المللی در دراز مدت جهت رسیدن به اهداف معنوی و مادی در سطح کشور و جهان توسط وزارت اطلاعات و فرهنگ به همکاری و هماهنگی نهاد‌های ذیربط فراهم گردد.

مآخذ

۱- احمدی، فرهاد.، اهمیت و نقش آثار نمایشگاه گنجینه باختر در اشاعه فرهنگ افغانستان، کنفرانس علمی- تحقیقی، مرکز تحقیقات باستانشناسی، ۲۹ جوزای ۱۴۰۲، ص: ۶-۷.

۲- احمدی، فرهاد. علل تاراج آثار باستانی و راه حل های آن، مجله باستانشناسی افغانستان، ناشر: اکادمی علوم افغانستان، شماره دوم دور پنجم شماره مسلسل (۳۹)- (۴۰)، مطبعه همت، ۱۴۰۱.

۳- احمدی، فرهاد. مجموعه مقالات سمینار علمی- تحقیقی ——— تحقیقات باستانشناسی در کاپیسای دیروز و امروز، اکادمی علوم، مرکز تحقیقات باستانشناسی، ناشر: نشرات اکادمی علوم افغانستان، مطبعه بهیر، ۱۳۹۲.

۴- ذاکر، میرعبدالروف. نتایج تحقیقات باستانشناسی در بگرام، مجله باستانشناسی، ناشر: اکادمی علوم افغانستان، شماره اول، سال ششم، سنبله. ۱۳۶۲.

۵- عثمانی. عصمت الله. سیر تاریخی موزیم ملی افغانستان، انتشارات یوسفزاد، چاپ اول، ۱۳۹۴.

۶- قانون حفظ میراث های تاریخی افغانستان، ماده ۶۵، ۱۳۸۳.

مصاحبه:

۷- معاون سر محقق محمد انور فایز رئیس مرکز تحقیقات باستانشناسی و کارشناس رشته باستانشناسی، موضوع مصاحبه در ارتباط طرق و راهکار های مهم در رابطه به جذب گردشگران به کشور، جهت تقویه اقتصاد و اشاعه فرهنگ افغانستان، محل مصاحبه کابل، مصاحبه گیرنده: فرهاد احمدی، تاریخ مصاحبه، ۲۸ سرطان ۱۴۰۴.

8- darivoa.com. bamyian-tourism.income.

خپړندوی محب الله همتیار

د آريانا د ځينو لرغونو سيمو ايتمولوژيکه څېړنه

Etymological study of some ancient sites of Ariana

By: Researcher, Muhibullah Hematyar

Abstract

Ariana is the ancient name of the land that is now Afghanistan, which has changed its name and some parts of its land with other names over time. Ariana had all sixteen cities, which only nine are located in now-day Afghanistan, but their names have changed in form. There are also many tribes living in the land of Afghanistan who have attributed their ancient regions, to prove their identity, one of is the ancient city of Stakidiya, which originally belongs to Balochistan and Bannu. However, most writers here have used this name for the Hazarajats. In the current news article, the names and cities of ancient Ariana have been etymologically known, which today have changed their names or have changed so much in their forms that they seem to have more than just the name Ariana.

لنډيز

آريانا د دې خاورې چې نن ورځ د افغانستان په نوم نومول شوې لرغونې نوم دی چې د وخت په تېرېدو سره يې خپل نوم او د خپلې خاورې ځينې برخې په نورو نومونو يادې شوې دي. آريانا ټول شپاړس ښارونه درلودل چې د هغوی له ډلې يوازې نهه ښارونه يې په اوسني افغانستان کې پراته دي خو نومونه يې په شکلي ډول بدلون موندلی دی. د افغانستان په خاوره کې زياتره داسې قومونه هم ميشت دي چې د خپل هويت د ثابولو لپاره يې ځينې لرغونې سيمې خپل ځانته منسوبې کړي دي چې يو له هغو يې د ستاکيديا لرغونې ښار دی چې اصل د بلوچستان او بنو سيمې په خپل غېږ کې رانغاړي. ولې دلته زياتره ليکوال بيا دا نوم د هزارجات لپاره کارولی دی. په روان څېړنيزه مقاله کې د لرغونې آريانا هغه نومونه او ښارونه په ايتمولوژيک ډول خپرل شوي دي چې نن ورځ يې نومونه بدل شوي او يا په شکلونو کې دومره زيات بدلون راغلی دی چې له آره نوم څخه زيات لرې ښکاري.

سريزه

آريانا د لرغونو آريايي وگړو پلرنی سيمه ده چې کلونه يې په دې سيمې استوگنه کړې او هم يې له دې سيمې نورو برخو ته مهاجرت د تاريخ په پاڼو کې خوندي دی. نن ورځ د لرغونې آريانا نوم او د دې خاورې فرهنگي او تمدني ميراثونه يوه وړه ډله خلک په خپل ځان پورې تړي. د لرغونې آريانا وارث يوازې افغانستان دی ځکه چې همدا سيمه د دوی د پلرني ټاټوبي په نوم په معتبرو څېړنو کې په اثبات رسېدلې. دا چې زموږ لرغونې هېواد له يو ډول فرهنگي يرغل او نور هيوادونه چې د لرغونې آريانا يو يا دوه ښارونه پکې پراته دي جعلي فرهنگ جوړونه کوي چې دا په خپل وار سره د نړۍ د هر قانون خلاف کار دی.

د څېړنې ارزښت

دا چې افغانستان د لرغونې آريانا وارث دی، نن ورځ په سيمه کې داسې هيوادونه هم شته چې د لرغونې آريانا ټول فرهنگي او تمدني ميراثونه په ځان پورې تړي. په دې څېړنه

کې هڅه شوې ده چې د لرغونې آريانا نښارونه په ایتمولوژیک ډول و خپرل شي تر څو دا څرگنده شي چې د آريانا اصلي وارث افغانستان دی او د نومونو ریښې یې د یو لاسوند په ډول مهم دي.

د خپرنې خپرندود او ډول

د لرغونې آريانا د ځینو نومونو په ایتمولوژیکه خپرنه کې د تشریحي، تحلیلي - انتقادي خپرندود او کتابتوني ډول څخه کار اخیستل شوی.

د خپرنې پوښتنې

- ۱- اوس مهال اریاني ژبو ته د ایراني نومونې کارول سم دي؟
- ۲- د آريانا ځینې نومونه د جعلی هویت د جوړولو لپاره کارول شوي؟
- ۳- د آريانا زیاتره نومونه د ټولو لیکوالو له خوا یو ډول مانا لري؟

آريانا

آریانو پخو د خپل اوسیدو ځای ته آریانم وائیگو (آريانا ویجو) ویل او یا یې آریانم وائیجو معرفي کاوه. د دوی وطن په کال کې یوازې دوه میاشتې اوږی درلود، پاتې میاشتې یې ټولې سپرې وې. د اریایانو آر ټاټوبی آريانا ویجه و او له هغه ځای څخه د نړۍ نورو برخو ته خپاره شوي دي.^۱

د آريانا کلمه د لومړي ځل لپاره د یوناني مورخ اراتوستن له خوا په دریمه م ز پېړۍ کې کارولې او باختر یا اوسنی بلخ یې د مرکز په توګه نومولی دی. د آريانا کلمه په اویستا کې د صفت په ډول اریایي کارول شوې چې وروسته یونانیانو ورته آريانا وویله.^۲

۱. نجیب الله، توروایانا، ژباړن شریف خدران، آريانا یا افغانستان، لومړی دویم ټوک، د افغانستان د علومو اکاډمي، ۱۴۰۲ل، ۱۴ مخ

۲. الحاج عبدالواحد سیدي. آريانا. اخیستنه: ۱۴۰۴/۲/۱۵ د اخیستو ځای: <https://www.ariaye.org>

د آريانا ويی د لرغونې اريايي ژبې څخه را زيږېدلی دی چې په اويستا کې آيريانا دی چې د آريايانو د ځای يا استوګنې په مانا دی. دا نوم د اويستا د ونديداد په لومړي فرگرد کې د ايري يانم ويجو په همدې ياده مانا ياد شوی دی. د اويستا لومړی فرگرد يې د اويستا د لومړيو مبلغانو د را ټوکېدو ځای بولي.^۱ فارسي سرچينو ليکلي دي چې د آريانا ويی د ايران ويی بله بڼه ده او ايران هم له ايری يانم ويجو له ويی څخه راوتلی دی، چې ايران هماغه آريانا ده. لومړی خو د ايران کلمه وروسته يوه جوړه شوې کلمه ده چې ار توري يې له آريانا ويی څخه اخيستل شوي او په کلمه کې وروسته وړاندې راوړي دي. دا چې د آريانا اصلي وارث افغانستان دی نو په دې اړه د دوی ادعا او ليکل تر شک لاندې دي. دوی ادعا کوي چې آريانا او اريا او نور زيات لرغوني لقبونه چې اريا د هغو يوه برخه ده، چې د اويستا اريا او د لرغوني فارسي يو له بل سره اړوند ده چې د هند او ايران د خلکو نوم دی (د عالي او لوړ نژاد معنا لري).

ليکوال په خپله ليکنه کې د ډوکټور شيرين وکيلي له قوله ويلې دي (هرات چې په لرغوني فارسي کې او په ډېر ليکونو کې ورته هريوا نوم ورکړل شوی يونانيانو په لاتيني کې لومړی اريو او وروسته آريانا ورته ويلې دي له اريايي سره کومه اړيکه نه لري).^۲ راځی لومړی خو دلته دليکوال دې خبرې ته تم شو چې په لرغوني فارسي کې هرات ته هريوا ويل شوي دي نو ايا ليکوال ولې د بلې لرغونې ژبې نوم نه دی ياد کړی چې يوازې فارسي ياده کړې؟ له بلې خوا دوی وايي چې هرات ته چې آريانا يونانيانو ويلې له اريايي سره اړيکه نه لري. ايا دا عقل مني چې يو ځای دي په کوم نوم ياد شي او د هغه سيمي يو مهم ښار هم وي او په ټولو اسنادو کې ذکر شوی وي خو بيا دې له اريايي سره اړيکه ونه لري. د فارس ټول ليکل او علمي اسناد له دروغو جوړ شوي دي، دومره سپين سترګي کوي چې د نړۍ د ټولو پوهانو په خوله برغولې اېږدي. دوی فکر کوي چې ايران به په دې خبرو د آريانا مالک شي خو ريښتيا دا ده چې ايران لومړی خپل نوم په جعلې ډول د آريانا له کلمې رغولی دی چې په هيڅ صورت د دوی حق نه ده.

۱. جامعه تاريخي خيزش داريوش. اخيستنه: ۱۴۰۴/۲/۱۵ <https://youtu.be/owtsz-h1ylk?si=ct9nfvoq8xabz>

۲. آريانا. اخيستنه: ۱۴۰۴/۲/۱۶ د اخيستو ځای: <https://youtu.be/owtsz-h1ylk?si=ct9nfvoq8xabz>

د آريانا څلور خواوې

دا چې اريانم وائيگو چيرته وه چې اريايان ترې اسيا او اروپا ته خپاره شوي دي؟ دا مسله تر اوسه په يو مخيز ډول نه ده هواره شوې او هره ډله پوهان بيلابيل نظرونه لري. ځينې ارياناويجو د بالتیک غاړې بڼي، ځينې د تورې بحرې شمالي غاړې د اريايانو ټاټوبی گڼي، يوه ډله نور بيا د اريانو ار ټاټوبی د اورال د غرو لمنې او سايبيريا گڼي. له دې سره يې يو شمير د سيحون او جيحون تر مينځ سيمه او د افغانستان شمالي برخې د اريايانو ټاټوبی گڼي.^۱ تر اوسه پورې د ټولو پوهانو تر منځ لا په دې ټکي مخالفت شته چې آريانا ويجه چيرته ده؟ ان اروپايان خو لا په دې هڅه کې دي چې د آريانا سيمه له خپلو هيوادو سره په څنگ کې په نښه کړي، خو له دې سره که په ريښتيا پسې انسان وگرځي نو له ورايه ښکاري چې د اريايانو ار ټاټوبی به د اوسنۍ روسيې د جنوب برخې وې ځکه چې هلته هوا سړه وه. له نور زياتو دلايلو وروسته بله نږدې خبره چې د اريايانو د ځای په اړه غوره ښکاري هغه د پامير د غرو لمنې او له اکسوس سيند په سرچينو کې يې د موقعيت تثبيت والی دی.

دا چې لرغونې اريانم وائيگو چيرې وه نو پورته يې به اړه څرگندون وشوې خو اوس مهال اړينه برېښي چې د اريانو له کډوالي وروسته د آريانا په حدود باندې خبرې وشي. يوناني اراتوستن څلور بريدونه په دې ډول ښودلي دي: (ختيځ ته د سند رود، سهيل ته يې د عمان درياب او د هند اقيانوس، لويديځ ته يې د کارمانيا او کاسپين دروازه او شمال ته يې د توروس غرونه پراته وو.) د استرابون په نوم ليکوال دا سيمه يو واحد جغرافيه نومولې ده. د آريانا مشهور ښارونه کارمانيا، گدروزيا، درنگيا، ارکوزيا، اريا او پاروپاميز وو. استرابون به خپل کتاب کې ماد، پارس او په شمال کې باکتريا او سغد هم د آريانا برخې نومولې دي چې ټولو په يوه ژبه خبرې کولې. باختر يا باکتريا يو بل نوم دی چې د اريايی قبایلو لپاره چې په بلخ کې اوسيده کارول شوې ده. نجيب الله توروايانا په خپل کتاب کې ليکلي دي: (د آريانا لومړۍ امپراتوري په لويديځ کې تر همدان، په ختيځ کې د پنجاب تر لمنو، په شمال کې د سيحون تر دښتو، په جنوب کې د بلوچستان تر ريگونو (شگو) او يا تر هند

^۱. نجيب الله، توروايانا، ژباړن شريف څدران، آريانا يا افغانستان، لومړی دويم ټوک، د افغانستان د علومو اکاډمي، ۱۴۰۲ل، ۱۴ مخ

د آريانا د ځينو لرغونو سيمو ايتمولوژيکه څېړنه

پورې غزېدلې وه. د دې امپراتوري مرکز او هغه ځواکونو چې دغه واکمني يې منځ ته راوړې وه، په افغانستان کې وو.^۱

په اويستا کې د آريانا له شپاړسو سيمو يادونه شوې ده چې سغد، مرو، بلخ، نسا، هرات، کابل، گندهار، هلمند او سيستان يې په افغانستان کې پراته دي. په همدې ډول د آريانا په تاريخ کې دا سې نومونه ليدل کيږي چې يا د آريانا له روستاږي نا سره يا بيا له دې روستاږي الف ورسره راغلی دی چې هر يو يې د يوسيميې او يوې واکمني ښکارندويي کوي. دا نومونه دلته په لنډ ډول را سپړو:

آريا: ختيځ پېژندونکي (وی وين درسن مارتن) د اريا کلمې په اړه وايي (دا کلمه په سانسگريت کې اشتقاق نه لري، دا يو نژادي نوم دی. دا څيړونکي وايي چې ويدي قبایلو ځان په اريا يادوه چې يوازې د ويدي قبایلو او يا د هغو قبایلو نوم دی چې په ويدي سندري ور پورې اړه لري.

اريانا ويجه: هغه ډله اريايان چې د مرکزي اسيا او يا د اکسوس رود په غاړو کې اوسيدو له ۲۵۰۰ ق م کې چې کله لومړی بلخ ته راغلل نو داسيمه يې په اريانه ويجه ونوموله. ويجه په سانسگريت کې (هگۍ) ته وايي ولې په پښتو ژبه کې د ويجه کله د ځمکې او سرزمين په مانا تر اوسه پورې ژوندی ده. آريانا د اريايي وگړو د اوسيدو ځای دی چې گوستاولبون يې ژبه لرغوني اريک بولي.

اريانا ورته: اورته کلمه په سانسگريت کې د ځای په مانا ده چې به لومړيو کې دا کلمه اورته وه چې وروسته د آريانا له کلمې سره يو ځای شوې نو الف په کې لويديلی دی. پورته ياد شوی نوم د هغه وخت يادونه کوي چې اريايان لا يو له بل سره گډ اوسيدل او کډول شوي نه وو. کله چې اريايان د هند ته لاړل نو د آريانا ورته نوم هم ورسره د هند شمال برخو او وليړدول شو او له دې سره پنجاب او سيند هم په دې نوم ونومول شول.^۲

^۱ . همدا اثر، ۳۶ مخ

^۲ . سيروس غفاريان. نگاهی به تاريخي اريانا. اخيستنه: ۱۴۰۴/۲/۱۶ د اخيستو ځای: [Htps://www.howd.org](https://www.howd.org)

هريوا: هرات لرغونی نوم دی چې په اويستا وينديداد کې په اريوه او اريوا ياد شوی دی، خو له دې سره د داريوش په ډبرليک کې هريوه ليکل شوی دی. دې نوم د وخت په تېرېدو سره هري، هريوا او هرات جوړښت غوره کړی دی. سکندر مقدوني چې کله دغه ښار ونيوه نو د اريانه په نوم سکندريه ورغوله او دا ښار يې د ارتاکان، ارتاکانا او اتاکوانا په نوم ونوماوه چې د شاهي ښار مانا لري.^۱ نگاهي به تاريخ زبان و جغرافياي هرات مقالې ليکوال ليکلي دي (چې د ضحاک د هرات په نوم يو لور وه کله چې يې د دې ښار د جوړولو امر وکړ نو همدا ښار د دې په نوم ونومول شو)^۲ د مقالې د ليکوال له ليکنې داسې ښکاري چې دا يوازې يو دوديزه ايتموژيکي هڅه شوې ده چې د هرات د نوم د نومونې وجه پيدا کړي که نوم په اصل کې هرات ويی له هغه د اريه له کلمې څخه را بېله شوې کلمه ده چې مانا يې هم له يو له بل سره توپير نه لري.

دلته په څرگند ډول ښکاري چې اريوه، هرات کلمه هغه لرغونې اريا کلمه ده چې د اصل او نجيب مانا لري.

باکتریا: د آريانا لرغونی ښار دی چې پوهاند ډاکتر عنايت الله شېراني يې د نومونې وجه بالځ چې د ترکي کلمې له بالق څخه را مينځ ته شوی دی.^۳ د بلخ نوم په باختري کې بخلو، په اويستا کې باخذي، په لرغونې دري کې باختريش، په منځۍ دري کې بيا بخل دی او په يوناني او لاتني کې ورته باکتریا او باکتريانا ويل کېږي. له دې سره په سانسکریت ژبه کې ورته بلهیکه ويل شوي دي.^۴ دا چې ليکوال وايي په سانسکریت کې ورته د بلهیکا وايي خو ريښتيا داده چې دا په سانسکریت کې نه يوازې د اتھرويدا کې دا نوم بهليکا راغلی دی چې وروسته دا نوم په مهاجرت او د سانسکریت په کلاسيکه ادب کې هم ذکر شوی دی. هغه اريايي قبيلې چې د باختر نه وليږدېدې، تر اباسين پوروتې او د پنجاب په ځمکو کې ميشت شوې نو هغه يې بهليکا بللې.^۵ ويليم ايلرز وړانديز کړی دی چې دا سيمه

^۱ پوهاند عبدالرحيم اميد. قدامت تاريخي و وجه تسميه هرات. اخيستنه: ۱۴۰۴/۲/۱۶ د اخيستو ځای: <https://www.heratps.org>

^۲ جواد، دايکندي. نگاهي به تاريخ ريان و جغرافيه هرات. اخيستنه: ۱۴۰۴/۲/۱۷ د اخيستو ځای: <https://javadi-dy.blogfa.com>

^۳ ډاکتر عنايت الله شېراني. باکتریا. اخيستنه: ۱۴۰۴/۲/۱۷ د اخيستو ځای: <https://www.kabulnath.de>

^۴ بلخ در منابع تاريخچه نسخه ها. ايران شهر. مقاله مجله: دانشنامه بلخ. شماره دوهم، ش ۳۸۱.

^۵ پوهاند رازقي نړيوال، د هيواد لرغوني ښارونه او د تاريخ پاڼې، لومړی ټوک، ميوند خپرندويه ټولنه: کابل، ۱۳۸۵ ل، ۳۹ مخ

د بلخ د سيند په نوم نومول شوې چېرته چې د باکتریا نوم خپله مانا (هغه څوک چې ویشل کيږي). دا نوم یوناني کې باکترې، په پروټو اندو اروپايي، ژبو کې يې ريښه بهوگ دی او په اوستا کې يې بگ او په زړه هندي کې يې بهاج دی. ^۱ دلته که ويليم خبره تر غور لاندې نو خبره تر ډیره ځکه سمه ښکاري چې هلته په ريښتيا هم په نورو ژبو کې دا بهوگ، بهاج او په پښتو ژبه کې بهيد کلمه هم تر همدې ريښې پورې رسيدلې ښکاريږي.

مروه: په منځنۍ اسيا کې د آريانا تمدن له مشهورو ښارونو څخه گڼل کيږي چې د ورېښمو د لار په سر پروت و. د دې ښار ويرانې د قراقرم دښتې په اخر کې په ۱۴۵ کيلومتره د سرخس شمال ختيځ ته پروت دی چې شاوخوا سيمې د مرغاب په سيند خړوبېږي. په ترکمنستان کې د ماري ښار چې د لرغونې مروه ښار په ۳۰ کيلومتري کې روغول شوی دی. دا ښار په سکندريه، انتيکو مرگيانه يا مرغیانه هم ياد شوی دی. د دې ښار اوسيدونکو ته په دري ژبه مروزي يانې د مروې زيريدلي ورته ويل کيږي، چې د ختيځ خراسان خلک يې د دوري په وزن موري د قاب په مانا اخلي. د داريوش په ډبر ليک کې يې نوم مرگوش راغلی دی. ^۲

سغديانا: سغد د ختيځې آريانا لرغونې تمدن دی چې د فرا رود په ختيځ کې پروت و، سغد له آريانا ويجه وروسته يو ځلانده وطن و، دا ښار په تاجکستان کې پروت دی چې ختيځ ته يې ازبکستان، لويديځ ته يې قرغيزستان، جنوب ته يې قزاقستان پروت دي. د اسوالد زمري په قول د سغد کلمه د هندو اريايي له سکوو د کلمې څخه را په لاس راغلې کلمه چې مانا يې (پيش راندن، شليک کردن) ده. دا ويی په سکايي ژبه کې سکوده په شکل راغلی دی چې ورسته په سکاها بدل شوی دی، چې په يوناني کې په سکوتيس اوښتی دی. ^۳

نيسا: د آريانا لرغونې ښار دی چې اوس مهال په ترکمنستان کې پروت دی، دا ښار د لومړي اشکان د واک ته د رسيدو ځای دی. نسا ويی په لرغوني دري ژبه کې د اباد او

^۱ باکتریا. ریشه باکتر. عبد الحميد فريان. مجله ناور، شماره يې دوه. ۱۳۸۷ل -

^۲ مروه. اخيستنه: ۱۴۰۴/۲/۱۷ د اخيستو ځای: <https://www.livius.org>

^۳ سغديانا. اخيستنه: ۱۴۰۴/۲/۱۸ د اخيستو ځای: <https://www.liviu.org>

ابادي مانا لري. دا ویی اوس مهال په د البرز، فارس او کرمان په ځینې کلي په دې نوم یادېږي. د لرغون پېژندنې له وروستیو څېړنو ښودلې ده چې د عشق اباد ښار د پخواني نسا ښار په ویجاړیو ودان شوی دی.^۱ دا وستا په ونډیداد کې راغلي دي (زه هورامزدا یم ښه ښارونه او ځایونه مې چې پیدا کړي دي پینځم یې نسا دی چې د بلخ او مروې په مینځ کې پروت دی) د نسا ښار د لومړي اشکاني مهرداد او مهر کړت په وخت کې یې نوم تغیر وکړ وروسته بیا خپل نوم ته را وگرځیده، ویل کېږي چې د عیسی له پیدایښت وړاندې د زلزلې په وسیله وران شو او بیرته دویم ځل له سره اباد شو.^۲ له دې پورته بیان سره بیا استاد علي احمد کهزاد همغږی نه دی ځکه هغه وایي چې نيسا د اريانا يو ښار دی چې په هغه کې د انگورو زيات تاکنونو شتون درلود او له دې انگورو څخه به یې شراب جوړول، او په یوناني داستانونو کې یې د دیونیزوس یا د انگورو او شراب د رب النوع په نوم یاد شوی دی. د کهزاد په وینا چې دا ښار د ننگرهار، کنړ او لغمان په ولایتونو کې پروت و. که چېرې د استاد کهزاد لیکنې ته وکتل شي نو له ورايه ښکاري چې هغه وخت چې دا مقاله لیکل شوې تر نن پورې یې زیات وخت وتلی دی ولې اوسمهال چې لرغون پېژندنې کومې څېړنې تر سره شوې دي هغوی یې ځای عشق اباد ښار ښوودلی دی.

کابورا: دا چې د افغانستان د سهیل د خلکو ژبه له اریایي او هند ژبو ګډه شوې دي نو له دې سره د کابل نوم هم د سانسکریت له کها (سمخه، درز، ښار) ویی څخه اخیستل شوی چې دویم جز یې پهلوي ژبې (کوی) د (ځای) مانا لري او بل یې د پهلوي ژبې (ټول) ویی (د پراخ، لوړ) مانا لري. ددې دواړو برخو له تړښت څخه د (د غره په لور) کې پروت ښار) مانا لري. په ځینې ځایونو کې نوم کابورا هم لیکل شوی دی چې د سانسکریت ژبې له کها پوره څخه اخیستل شوی چې پورته مانا ورکوي.^۳ د ونډیداد په لومړي بند کې راغلي دي (زه چې هورامزدا یم ښه ښارونه او ځایونه مې چې پیدا کړي دي اووم یې وی کرته دی) نو د کابل ویی له دوه برخو رغیدلی دی چې یوه برخه یې (وی) دی چې د خوب او ښه مانا

^۱. دیدنی های عشق اباد- ترکمنستان. اخیسته: ۱۴۰۴/۲/۱۶ د اخیستو ځای: <https://www.alaedin.travel>

^۲. نسا. اخیسته: ۱۴۰۴/۲/۱۷ د اخیستو ځای: <https://hayatmgn.ir> انتشار ۲۳ خرداد ۱۳۹۹

^۳. درباره مشخصات و معنی اسامي تاریخي و جغرافیهي، معنی نام کابل. اخیسته: ۱۴۰۴/۲/۱۵ د اخیستو ځای: <https://tarikHEMA.org>

لري او دويمه برخه يې بيا(کرته) دی چې د کړي او کرده مانا لري.^۱ له دې سره يې زياتره کسان د کابل د نومولو وجه يا لامل دا بولي چې دلته په کابل د يوه سند په سر د لومړي ځل لپاره د وېشو يا د دري ژبې په يی د کاه پل جوړ شو چې د وخت په تيريدو سره د کابل کلمه بيرته په کابل بدله شوه. البته دا يو دوديزه ريښه پيژندنه ده چې د کابل ولايت دنوم په اړه کېدای شي له دې نورې زياتې وجې هم په دوديزه ايتمولوژي کې وي. څېړنوال محمد انور فايض په خپله علمي - څېړنيزه رساله کې وايي: (د ريگويدا په سندرو کې کابل د کوبها په شکل راغلی دی چې (کو) د اوبو مانا لري او په اويستا کې د ديکاراتا په نوم ياد شوی دی. يوناني جغرافيه ليکونکي بطلموس کابل د کارورا او يا کابورا په نوم ياد کړی دی. په لنډ ډول د تاريخ په اوږدو کې کابل، په بېلابېلو نومونو لکه کوبها، کوفن، ديکاراتا، کپاتيروس، کارورا او کابورا په نومونو ياد شوی دی)^۲

اراکوزيا: د لرغونې آريانا يو سيمه ده چې دا نوم ورباندې ۳۲۳م ز کې کېښود چې له اوسني کندهار برسیره ورسره د نن ورځې کويته هم شامله وه. د اراکوزيا لومړی مرکز د کندهار معروف او ارغیستان وو او له هغه وروسته يې مرکز د ارغنداو ناوې ته وليږدول شو. د اراکوزيا نوم له يوناني ژبې اخيستل شوې چې د اغنداب سيند لپاره کارول شوی دی. په زړه پارسي کې هريوتس او په سانسکریت کې ورته سرسوتي نوم کارول شوی دی. د سرسوتي مانا (په اوبو د بډايه جهيل) چې د سرس له جهيل څخه اخيستل شوی دی.^۳

درنگيانا: د اتمي هجري پيړۍ په وروستيو کې او د غزنويانو د واکمني په اخر کې يانې په لسمه پيړۍ کې د زرنج نوم له تاريخي اسنادو لويديلی دی، ځکه چې اسلامي پوهانو دا نوم وروسته په سيستان او مدينه سجستان پيژانده. کله چې دا ښار په ۷۸۵هـ کال کې د گوډ تيمور په لاس له خاورو سره خاورې شو نو هغه وخت يې د سيستان نوم درلود.

د زرنج ښار په لومړيو کې د اسکايانو په نوم خو وروسته بيا کلاسيکو ليکوال ورته د زرنګ نوم کارولی دی، دا ښار يونانيانو د درنگ په نوم او وروسته اسلامي پوهانو بيا ورته د

^۱. محمد قوي کوشان. وجه تسميه کابل. اخيستنه: ۱۴۰۴/۲/۱۷ د اخيستو ځای: <https://kabulnath.de>

^۲. محمد انور، فايض. بر رسي برخی از ساحات باستانی تاريخي کابل، رساله علمي - تحقيقي، مرکز باستانشناسی ۱۳۷۷ل، صفحه اول

^۳. اراکوزی. اخيستنه: ۱۴۰۴/۲/۱۸ د اخيستو ځای: <https://www.iranicaonline.org>

زرنج نومونه کارولې ده.^۱ د اوسني سيستان د هامون او هيرمند د سند د غاړو سيمې ته ويل کيږي چې د هخامنشي واکمنۍ ساحه وه. درنگيانا او زرنګيانا چې په زړه دري ژبه کې مانا سيند دی.^۲

ستا گيديا: تاتګوش د سلو غوايانو هيواد د هخامنشي واکمني ختيځ سيمه ده چې د هيروديت د وينا له مخې اوومه سيمه راغلې ده، دا سيمه د نن ورځې خيبر پښتونخوا په خپله غېږ کې رانغاړي. په يو بل احتمال کې ويل کيږي چې د پنجشير او غورنبد سيمې به ستاگيديا کې شاملې دي. له دې سره دلرغون پېژندنې نويو څېړنو موندلې ده چې دا سيمه د اوسنۍ خيبر پښتونخوا ده.^۳ له دې سره په دري ژبه عباس علي حسيني په خپله مقاله کې ليکلي دي: (ستاگيديا، زابلستان، غرجستان او هزارجات و بالاخره هرازستان د هغې خاورې نومونه دي چې تاريخ ۷۰۰۰ کاله ته رسيږي. چې په دې خاوره د ترک نسل ژوند کاوه چې نن ورځ د هزاره په نوم ياديږي.^۴ د ليکوال پورته خبرې که له اړو سرچينو سره پرتله شي نو له ورايه پکې ښکاري چې دوی خپل ځان ته د جعلي هويت جوړولو په هڅه کړې ده، ځکه چې ټولې نړيوالې او رسمي سرچينې د ستاگيديا خاوره په اوسنۍ خيبر پښتونخوا پورې تړلې د بنو، کابل، پيښور او د سوات دره پکې شاملېږي.

کرمانيا: اوسني کرمان پخوا له دې نوم څخه نور نومونه درلودل چې بوتيا، کجاران، بم، کریمان، کرمانيا او گواشیر څخه عبارت وو. د کرمان نوم د داريوش په ډبرليک کې د کرمان په شکل راغلی دی چې هغه ساحې ته ويل کيده چې د هخامنشي ماڼۍ جوړېدو ته ترې لرگي د غوايانو په وسيله وړل کيدل. په يوناني ليکنو کې بيا همدا کرمان راوړل شوی دی. د کر وېی په اويستا او د کري وېی په سانسکریت کې او په دا وېی په بيلابيلو شکلونو راغلی دی نو د کرمان په اړه يې بيلابيلې فرضي رامینځ ته کړې دي.

کر او کري وېی په اويستا او سانسکریت کې د پرې کولو او وژلو په مانا راغلي دي

^۱. رازقي نړيوال، د افغانستان لرغوني ښارونه او تاريخ پاڼې، ميوند خپرندويه ټولنه: کابل، ۱۳۸۵ ل، ۹۷-۹۸ مخونه

^۲. درنگيانا. اخيستنه: ۱۴۰۴/۲/۱۹ د اخيستو ځای: r_schmitt. Article by: <https://www.iranicaonline.org>

^۳. ستاگيديا. اخيستنه: ۱۴۰۴/۲/۱۹ د اخيستو ځای: <https://en.wikipedia.org>

^۴. سليمان صميمي. هزاره ها در ويكي پيډيايي عربي. اخيستنه: ۱۴۰۴/۲/۱۹ د اخيستو ځای- <https://www.hazarainternational.com>

د آريانا د ځينو لرغونو سيمو ايتمولوژيکه څېړنه
چې د کار کلمه هم له همدې ويی را رغيدلې ده، نو له دې بریدن او پرې کولو سره د د
جگړې د وطن مانا ورکوي.

يوه بله خبره ده چې کرمان کرمينه له کار کولو څخه اخيستل شوی دی. له بلې خوا
ويل کيږي چې دا کریمان نوم د نریمان له اسطوري اخيستل شوې ده چې کریمان د
نریمان پلار دا ښار د هغې په نوم اباد کړی دی.

د لروغونو ژبو څيړونکي فريدون جيندي وايي چې د کرمان ووی له کر چې د غره مانا
لري او مان چې د ځای مانا لري ترکیب شوی ويی دی چې د غرني وطن مانا ورکوي.^۱

پارتيانا: پارت چې په پهلوي کې هم پارت او له دې سره په اوستا پړثوي يا پارتۀ راغلی
دی چې د لرغونې آريانا يو مهم ښار بلل کېږي. د هخامنشي- په دبرليک کې هخامنشي-
شاهانو ساتراپي بلل شوې. هلته يې ويلي چې شمال ته يې داه، ختيځ ته يې هريوه،
جنوب ته کارمانيا او لويديځ ته يې د ماد ايالت پروت دی. پارت له پارس سره ورته دی چې
په وروستيو وختونو کې ورته پهلوي هم ويل شوې ده.^۲ دا پارتي له اړه د ژبې نوم دی چې
وروسته په منځنۍ پارسی او سا ساني دور کې ورته د پهلۀ او وروسته ورته اسلامي عالمانو
فهلۀ ويلې ده.^۳

د پارت سيمه نږدې ټوله د ايران په شمال ختيځه برخه کې پرته ده چې يو څه برخه
د ترکمنستان په جنوب کې پرته ده، په شمال کې د کپه داغ غره او په جنوب کې د کویر
د ښتې گاوندې دی. له لويديځه سره ماد او له شمال لويديځه هيرکانی، شمال ختيځ سره
مارگيانا او په ختيځ کې له اريا سره گاوندې دی.^۴

^۱. کرمانيا. اخيستنه: ۱۴۰۴/۲/۱۸ د اخيستو ځای: <https://fa.wikipedia.org>

^۲. پارتيانا. نگا اجمال به تاريخ پارت اخيستنه: ۱۴۰۴/۲/۱۲ د اخيستو ځای: <https://mahkameh>

^۳. پارتيانا/ اخيستنه: ۱۴۰۴/۲/۲۲ د اخيستو ځای: <https://mahkameh>

^۴. پارت. اخيستنه: ۱۴۰۴/۲/۲۳ د اخيستو ځای: <https://mahkameh>

گدروسيا: د اسيا په جنوب لويديځ کې يو پخوانی ښار دی چې نږدې له اوسني مکران سره نږدې مطابقت کوي چې د ايران په جنوب ختيځ سيستان او بلوچستان کې پروت دی.^۱ ايران اوس مهال ددې برخې په ځان پورې تړلې سيمه بولې چې په ريښتيا بلوچستان دوی او نورو تر خپلو پښو لاندې کړی. د داريوش په ډبر ليک کې مکا چې همدا بلوچ دي او ورسره ماديان او ساکان غير پارسي خلک دي خو اصليت يې اريايي دی. دا مکايان چې بلوچان وه په خپله خاوره اوسيدل چې مکران يې باله. گيلبرتسن د بلوچ نوم هم له گدروسيا يوناني شگل څخه راو تلې بولي ولې په بليو بيا دا نوم له بالاياچا راوتلې بولي.^۲

پاروپاميزاد: دا نوم د زړې پارسي له پارا اپريسينا څخه اخيستل شوی دی او له هندوکش ها خوا په مانا دی او د هندوکش لپاره اپريسينا نوم کارول شوی چې له کجیر پورته په مانا دی. په يوناني لاتيني کې پاراپاميزوس د هندوکش په مانا کاورولی دی. بيطلموس د جغرافيه به نسخو کې د اسيا په قلمرو په نهمه نقشه کې راوړل شوی دی چې د وگړو او سيمې نوم يې پاروپاميز دی او ډير لږ دا پاروپاميز په نوم ليکل شوی دی. د سيند د اوبو لپاره هم دا نو کارولی او د سپين غر لړۍ ته هم پاروپاميسوس کارول شوی دی.^۳ اوس مهال غور، هزاره جات په دې سيمه پورې تړل کيدای شي.

پايله

تر اوسه چې د نړۍ د پوهانو له خوا کومې څېړنې تر سره شوې دي چې په ټولو کې د آريانا لرغونی هويت خوندي او بله پایله به ونه لري. دا چې نن ورځ په سيمه کې داسې هيوادونه شته چې ځان د آريانا د لرغوني ميراث وارث بولي يو جعلي فرهنگ جوړونه ده او له دې ايخوا ته پکې هيڅ نه شي ويل کېدای. له دې ټولو دا سې پایله راوځي چې د اوسني

^۱. ابادايس انلاين ډيکشنري. گيدروسيا. اخيستنه: ۱۴۰۴/۲/۲۵ د اخيستو ځای: <https://abadis.ir>

^۲. گدروسيا. اخيستنه: ۱۴۰۴/۲/۲۵ د اخيستو ځای: <https://mehrestanonline.blogfa.com>

^۳. پارو پاميزاد. اخيستنه ۱۴۰۴/۲/۲۷ د اخيستو ځای: <https://www.farda.org>

د آريانا د ځينو لرغونو سيمو ايتمولوژيکه څېړنه

ايران نوم چې پخوانی نوم فارس وه او له پارتيانا له ویی رغېدلی نوم دی د آريانا اوبستې بڼه ده او په متونو کې يې کارول ناسم دي.

له بلې خوا د فارس اوسيدونکي نن ورځ ايراني ژبې هغو لرغونو ژبو ته وايي چې د لرغوني اريايانو په خپل منځ کې پرې خبرې کولې. دا سيمه ده چې يو وخت ژبپوهانو د ارياني ژبو لپاره د ايراني نومونه کارولې خو کله چېس فارس د ايران په نوم را څرگند شو نو پوهان اړ شول چې د التباس د مخنيوي لپاره په دې نومونه له سره غور وکړي او په ځای ورته د ارياني ژبو نومونه وکاروله. ايراني ليکوال اوس هم هڅه کوي چې ارياني ژبې د ايراني ژبو په نوم ونوموي او خپل ځان د آريانا وارث ثابت کړي.

په سيمه او زموږ په گران هيواد کې يو شمېر خلک په دې هڅه کې دي چې د خلکو سيمو لپاره يو لرغونی سند پيدا کړي او خپل خلک پرې وغولوي نو هڅه کوي چې ځينې لرغوني سيمې په ځان پسې وليکي. د پورته ادعا د بڼه سپيناوی لپاره د اوسني هزاره جات د سيمې نومونه په ستا کيديا دی چې له سره په يوه تاريخي سند کې هم دا سيمه د ستاکيديا په نوم نه ده ياده شوې بلکې ستاکيديا په خيبر پښتونخوا پورې تړلی نوم دی.

د لرغونې آريانا د نومونو آړپوهنه د دې بڼه ثبوت دی چې د آريانا زياتره ښارونه په اوسنۍ افغانستان کې پراته دي نو له دې پورته ثبوت کوم کېدای شي چې نن ورځ يې موږ د پوهانو مخې ته کېږدو؟! دا خپله د ژبې په وسيله د آريانا او اوسني افغانستان د پېژندنې يو لار ده.

مأخذونه

۱. نړیوال، رازقي. د افغانستان لرغوني ښارونه او تاریخ پانې، میوند خپرندویه ټولنه: کابل، ۱۳۸۵ل.
۲. توروايانا، نجيب الله، ژباړن شريف خُدران، آريانايا افغانستان، لومړی دویم ټوک، د افغانستان د علو اکاډمي، ۱۴۰۲ل.
۳. پوهاند يمین، محمد حسن، تاريخي افغانستان، سعيد خپرندويه ټولنه: کابل، ۱۳۸۸ کال
۴. محمد انور، فايز. بر رسی برخی از ساحات باستانی تاريخي کابل، رساله علمي - تحقيقي، مرکز باستانشناسی ۱۳۷۷ل، صفحه اول.
۵. الحاج عبدالواحد سیدی. آريانا. اخیسته: ۱۴۰۴/۲/۱۵
د اخیستو ځای <https://www.ariaye.org>
۶. جامعه تاريخي خيزش داریوش. اخیسته: ۱۴۰۴/۲/۱۵
<https://youtu.be/owtsz-h1ylk?si=ct9nfvvoq8xabz>
۷. آريانا. اخیسته: ۱۴۰۴/۲/۱۶ د اخیستو ځای:
<https://youtu.be/owtsz-h1ylk?si=ct9nfvvoq8xabz>
۸. سیروس غفاریان. نگاهی به تاريخي اريانا. اخیسته: ۱۴۰۴/۲/۱۶
د اخیستو ځای: <Hppts://www.howd.org>
۹. پوهاند عبدالرحیم امید. قدامت تاريخي و وجه تسمیه هرات.
اخیسته: ۱۴۰۴/۲/۱۶ د اخیستو ځای: <https://www.heratps.org>
۱۰. جواد، دایکندی. نگاهی بتاریخ ربان و جغرافیه هرات. اخیسته: ۱۴۰۴/۲/۱۷
د اخیستو ځای: <https://javadi-dy.blogfa.com>
۱۱. داکتر عنایت الله شهراني. باکتریا. اخیسته: ۱۴۰۴/۲/۱۷
د اخیستو ځای: <https://www.kabulnath.de>
۱۲. بلخ در منابع تاریخچه نسخه ها ایران شهر مقاله مجله: دانشنامه بلخ شماره دوه، ش ۳۸۱ل.
۱۳. باکتریا. ریشه باکتر. عبد الحمید فریان. مجله ناور، شماره یې دوه. ۱۳۸۷ل-

-
- د آريانا د ځينو لرغونو سيمو ايتمولوژيکه څېړنه
۱۴. مروه. اخيستنه: ۱۴۰۴/۲/۱۷ د اخيستو ځای:
<https://www.livius.org>
۱۵. سغديانا. اخيستنه: ۱۴۰۴/۲/۱۸ د اخيستو ځای:
<https://www.liviu.org>
۱۶. ديدنی های عشق اباد- ترکمينستان. اخيستنه: ۱۴۰۴/۲/۱۶
د اخيستو ځای: <https://www.alaedin.travel>
۱۷. درباره مشخصات و معنی اسامي تاريخي و جغرافيوې، معنی نام کابل. اخيستنه:
۱۴۰۴/۲/۱۵
- د اخيستو ځای <https://tarikhema.org>
۱۸. محمد قوي کوشان. وجه تسميه کابل. اخيستنه: ۱۴۰۴/۲/۱۷
د اخيستو ځای: <https://kabulnath.de>
۱۹. اراکوزی. اخيستنه: ۱۴۰۴/۲/۱۸
د اخيستو ځای: <https://www.iranicaonline.org>
۲۰. درنگيانا. اخيستنه: ۱۴۰۴/۲/۱۹ د اخيستو ځای:
<https://www.iranicaonline.org>. Article by: r_Schmitt
۲۱. سليمان صميمي. هزاره ها در ويکي پيدايي عربي. اخيستنه: ۱۴۰۴/۲/۱۹
د اخيستو ځای <https://www.hazarainternational.com>
۲۲. سليمان صميمي. هزاره ها در ويکي پيدايي عربي. اخيستنه: ۱۴۰۴/۲/۱۹
د اخيستو ځای <https://www.hazarainternational.com>

محقق بی بی ماه محمدی

بازتاب اوضاع اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دوره تیموریان
از نظر سکه شناسی

Reflection of the economic, cultural, and social conditions of the Timurid period from the perspective of numismatics

By: Researcher, Bibi Mah Mohammadi

Abstract

Numismatics is an important part of archeology that is a living witness of civilization and the ancient world and different nations, and illuminate the dark and obscure corners. Numismatics, like other branches of archeology is not limited to the identification of a specific field, but the coin of each period represents the habits, customs, script, language, art, religion, civilization, advancement, decline, social statue, wealth, bankruptcy and the commercial communication of nations or we can say, the source of correct and accurate information from the ancient world that is from the era when coins were created until now, from the ancient world. In the meantime, the coins of the Islamic period especially the coins

of the Timurid period are of special importance in archeology and tell the evolution of this historical period.

چکیده

سکه شناسی بخشی مهمی از باستان‌شناسی است که شاهد زنده از تمدن و دنیای قدیم و ملل مختلف می باشد، علم سکه شناسی توانسته است بزرگترین خدمت را برای روشن شدن تاریخ گذشته نماید و گوشه های تاریک و مبهم را روشن کند، سکه شناسی مانند سایر شعبه های باستان‌شناسی منحصر به شناسایی رشته مشخص نیست بلکه سکه هر دوره نماینده عادات، آداب، خط، زبان، هنر، مذهب، تمدن، ارتقا، انحطاط، وضع اجتماعی، ثروت، ورشکستگی و ارتباطات تجارتي ملت ها است و یا گفته می توانیم منبع اطلاعات درست و دقیق از دنیای قدیم یعنی از دوران که سکه ایجاد گردید تا به حال می باشد. در این میان سکه های دوره اسلامی به خصوص سکه های دوره تیموری از اهمیت خاصی در باستان‌شناسی برخوردار است و باز گو کننده تحولات این دوره تاریخی می باشد.

مقدمه

سکه ها یکی از اسناد مهم و با ارزش باستان‌شناسی می باشند که نشان دهنده وضعیت تاریخی، اقتصادی و مذهبی زمان خود هستند. سکه سندی مکتوب و معتبر، کتاب کوچک و پر محتوا است که ضرورت شناخت و اهمیت آن از جهات مختلف حایز اهمیت است. سکه شناسی بخش مهمی از علم باستان‌شناسی است که از اهمیت ویژه برخوردار می باشد زیرا روشنگر رویداد های مهم و تاریک گذشته است در عین حال سند و مدرکی است که از آغاز پیدایش تغییر و تصرفی در آن راه نیافته است، سکه در شناخت ادیان، مذاهب و اساطیر باستان نقش بسزایی دارد و تاریخ بسیاری از وقایع مهم مذهبی را روشن و آشکار می سازد. با مطالعه سکه ها می توان با نام و لقب شاهان، مدت سلطنت آنها تاریخ ضرب سکه و ضراب خانه، آرایش و لباس شاهان، علایم و نماد ها آشنا شد (۵: ص ۱۰۹).

سکه عبارت است از یک قطعه فلز به وزن معین که روی آن علامت رسمی دولت یا حکومتی که عیار و وزن آن را تأیید می کرد منقوش شده است. روایات قدیمی و تاریخی در قسمت اختراع سکه یا کهن ترین مملکتی که در آن برای اولین بار سکه ضرب شده است مختلف است. هرودت به این نظر بوده است «به طوری که مشهور است لیدی ها اولین مردمی هستند که سکه نقره و طلا ضرب زده اند». دانشمندان سکه شناسی بیشتر نظر هرودت را قبول کرده اند، به دلیل این که ثروت بی حساب و زیادی نقره و طلای پادشاهان لیدی ممکن است عامل مهم اختراع سکه توسط آنان بوده باشد (۱: ص ۱۸).

مسکوکات برای روشن کردن وقایع گذشته تاریخی از مهمترین منابع مؤثق به شمار می رود و هر جایی که زبان تاریخ خاموش و از کتیبه های سنگی و دیگر منابع اثری نیست سکه برای روشن نمودن این وقایع از اهمیت بی بدیل برخوردار می باشد. در مسکوکات تمام عوامل دینی، زبانی، رسم الخط، طرز لباس، اسم و صورت شاهان، سنه، محل ضرب، حیوانات، نباتات و غیره به ضرب رسیده است بنابر این سکه ها با زبان فصیح معلومات جامع از گذشته ارایه می دارد (۷: ص ۲۱۹).

مبرمیت موضوع: سکه های دوره تیموری از جمله مهم ترین و گرانبها ترین آثار مادی می باشد که باز گو کننده هنر و فرهنگ همان دوره است و از گذشته های دور تا به امروز منحیث آثار منقول نقش و اهمیت خود را حفظ نموده است و از ویژه گی های بخصوص برخوردار می باشد، بنابر این تحقیق روی این موضوع از مبرمیت خاص در باستان شناسی برخوردار می باشد.

هدف تحقیق: هدف از این تحقیق بر ملا ساختن نقش سکه های دوره تیموری در باز تاب اوضاع اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی آن دوره می باشد.

روش تحقیق: در مقاله حاضر روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی انجام پذیرفته است و جهت گرد آوری اطلاعات از منابع کتابخانه یی، مقالات و سایت های معتبر استفاده شده است.

متن

طوری‌که که در بالا ذکر گردید سکه‌ها از جمله مدارک مهم تاریخی و باستان‌شناسی به شمار می‌روند که به سبب ساخته شدن از فلزات مانند طلا و الیاف‌هایی با ماندگاری بالا از ویژه‌گی مقاومت در برابر تغییرات محیط بر خوردارند و به این ترتیب گذشت زمان تأثیرات زیادی در تخریب آن نداشته است. ضرب سکه‌ها در حجم زیاد در قرون گذشته نیز ویژگی دیگری است که دسترسی به آنها را آسان ساخته است از این رو در مقایسه با دیگر مستندات تاریخی مجموعه در خور توجهی از سکه‌ها در دست است که به واسطه کیفیت مناسب شان اطلاعات دقیق و با ارزش را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهند، اطلاعاتی در خصوص وزن، ارزش و قدرت مالی سکه‌ها نظام پولی گسترده استفاده و گردش سکه‌ها از نخستین مطالبی است که می‌توان از سکه کسب کرد، پراکندگی جغرافیایی سکه و اسامی ضراب خانه‌های آنها که بر روی سکه‌ها نقش بسته است اطلاعات ارزشمندی از حوزه اقتدار سیاسی و اقتصادی حکومت‌های عامل ضرب سکه را در بر دارد. سکه‌ها تنها منابع دست‌اولی به شمار می‌روند که از حضور سیاسی یا نفوذ اقتصادی حکومتی در منطقه یا زمان خاص حکایت می‌کند (۶: ص ۴). به همین ترتیب سکه‌های دوره اسلامی نیز در باستان‌شناسی از اهمیت بی‌بدیل برخوردار می‌باشد و معلومات جامع و کامل را در مورد تاریخ اسلام و هم‌چنان رشد و شکوفایی تمدن اسلام ارائه می‌دارد.

تحقیق و بررسی در باره سکه‌های اسلامی و چگونگی پیدایش آن در جهان اسلام به نوبه خود یکی از مباحث شناخته شده در فرهنگ و تمدن اسلامی می‌باشد، مسلمانان از همان آغاز سال‌های ظهور اسلام به فکر ضرب سکه بودند و سکه‌هایی را نیز ضرب کردند اما تا دوره عبدالملک مروان این سکه‌ها رسمیت نداشت برای اولین بار او به ضرب سکه در جهان اسلام اقدام کرد. در گذشته ضرب سکه به عنوان یکی از نشانه‌های خلافت و سلطنت به شمار می‌رفت، در دوره اسلامی نیز بیشتر سکه‌ها از جنس طلا، نقره و مس ضرب می‌شد اما عیار آن در سرزمین‌های مختلف متغیر بود. یکی از سرزمین‌های که در آن سکه‌های دوره اسلامی در چلند بود افغانستان امروزی می‌باشد، قدیمی‌ترین سکه‌های فلزی از جغرافیای که امروز به نام افغانستان یاد می‌شود به دست آمده است، تاریخچه پول فلزی

در این سرزمین به گذشته های دور از امروز تعلق می گیرد یعنی که در این سرزمین هزاران سال قبل اقتصاد پولی به گونه حاکم و مروج بوده و در این خطه مسکوکات فلزی ضرب زده می شد. تمدن های قدیم و مقتدری در این سرزمین حاکم بوده و از آنجای که هیچ نظام حکومتی بدون منابع مالی و یک نظام مالی منظم نمی تواند به اهدافش برسد، بنابر این گفته می توانیم که سرزمین که امروز به نام افغانستان یاد می شود از زمانه های خیلی دور از موجودیت نظام مالی، اقتصادی و سیستم مالی برخوردار بوده است، چون این سرزمین در معبر بزرگ راه شرق و غرب قرار داشت بنابر این موقعیت اقتصادی آن باعث شده بود تجارت و ترانزیت و تبادل کالا در آن رونق داشته باشد، در علم باستان شناسی برای تشخیص و تثبیت هویت دوره های تاریخی، حکومت ها، نحوه حکومت داری، وضعیت اقتصادی، میزان رشد و انکشاف جامعه و در کل نحوه زندگی و سطح رفاه جامعه کشف و شناخت مسکوکات که به عنوان پول مروج در آن زمان بوده از اهمیت زیادی برخوردار است (۱۰: صص ۳۴-۳۶).

هجرت حضرت محمد(ص) و اصحابش از مکه به مدینه آغاز بزرگترین جنبش فکری و فرهنگی جهان بود که در طی چندین قرن توانست از چین تا اقیانوس اطلس گسترش یابد. اسلام هویتی را به وجود آورد که تأثیر بسیار عمیق در شیوه زندگی مردم، هنر و صنایع به وجود آورد که از شاهکار های دیگر سنین متمایز بود. این صنعت اسلامی در هنر ها و صنایع بر سنین قومی یا جغرافیایی استیلا یافته و آنها را دگرگون کرد، هنر اسلامی برخی از نیروها و سنت های محلی را گاه به طور موقت و گاه برای ابد تغییر شکل داد. اما این همه عظمت، شکوه و جلال و دگرگونی که اسلام با خود آورد زیاد در مطالعات باستان شناسی جای نگرفته و مطالعه فرهنگ مادی برگرفته از اسلام در رشد و بالندگی آن نادیده گرفته شده است. یکی از راه های که می توان این شکوه و جلال که اسلام به وجود آورد برملا ساخت مطالعه آثار مادی است که از جمله این آثار می توان به سکه های دوره اسلامی اشاره نمود که معلومات جامع و همه جانبه را در مورد فرهنگ اسلامی ارایه می کند زیرا سکه های دوره اسلامی بازتابی این دوره با شکوه می باشد و بازگو کننده همه تغییرات که در ادوار مختلف دوره اسلامی رخ داده است می باشد. با پیدایش دین مبین اسلام و شکل گیری امپراطوری مسلمانان در آسیای میانه و سرزمین پارس مرحله جدیدی از تاریخ شکل گرفت

در این هنگام سرزمین‌های مذکور دچار تغییراتی در ساختار سیاسی، دینی، فرهنگی و اقتصادی شدند به طور مثال در مسایل اقتصادی می‌توان به نوع ضرب سکه و معاملات تجاری اشاره نمود (۴: ص ۱۲۶).

سکه‌های دوره اسلامی منبع مهم استخراج آگاهی‌ها در زمینه‌های مختلف هستند و از هر سکه می‌توان در شاخه‌های گوناگون دانش تاریخ بهره‌برد مانند تاریخ سیاسی، اقتصادی، مذهبی، فرهنگی و هنری، جغرافیای تاریخی، سکه‌های دوره اسلامی سال شماری دقیقی از حکام، تعداد و سال‌های حکومت و توالی آن‌ها به دست می‌دهند هم‌چنان از نسب آنها، پیدایش دودمان‌ها، شورش و فتوحات خبر می‌دهند علاوه بر این سکه‌های دوره اسلامی با وزن و عیار خود توان اقتصادی دولت‌ها و با پراکندگی خود رواج تجارت را نشان می‌دهد مثلاً پیدا شدن سکه یک کشور در سرزمین‌های دیگر نشانه ارتباطات متقابل بین آنها است افزون بر این سکه‌ها نشانگر گرایش‌های دینی دولت‌های ضرب‌کننده آن نیز است، خط، زبان و هنر هر قومی بر سکه‌های آن نقش بسته است، با مطالعه آن می‌توان از هنر و تحول، تفسیر و تأثیر پذیری آن قوم از هنر اقوام دیگر پی برد. هم‌چنان به کمک سکه‌ها می‌توان نام دقیق شهر و محل ضرب آن را شناسایی کرد، پس گفته می‌توانیم سکه‌های به دست آمده از دوره اسلامی از ارزش و اهمیت زیادی در باستان‌شناسی برخوردار می‌باشد. از جمله ادوار اسلامی می‌توان از دوره تیموری یادآوری کرد که به نوبه خود در عرصه‌های مختلف دست‌آورد‌های زیادی داشته است که به طور نمونه از سکه‌های آن دوره یادآور می‌شویم (۱۲).

بعد از آنکه تیمور حکمران مطلق ماوراءالنهر شد صلح پایدار و آرامی که از مدت‌ها قبل آرزوی مردمان ساکن این منطقه بود به وجود آمد، امیر تیمور بعد از این که به قدرت رسید سمرقند را به حیث پایتخت خود برگزید و به ساختن قلعه‌ها و بازسازی بناهای خراب شده پرداخت. قبل از رسیدن امیر تیمور به تخت سلطنت ماوراءالنهر چون اراضی و مرزهای تحت حکمرانی خان و چغتای دقیقاً تعیین نشده بود، با روی کار آمدن تیمور گرچه علیه وی مدعی‌های مخفی و علنی به تخت سلطنت پیدا شد مگر امیر تیمور به طور قاطع حل و فصل نمود. امیر تیمور در سال ۱۳۸۰ میلادی مطابق سال ۷۵۹ ه.ش پنج بار به ترکستان

باز تاب اوضاع اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دوره تیموریان...
شرقی و چهار بار به خوارزم لشکر کشید و مسایل را که مربوط به این قسمت های آسیای مرکزی بود تا حد حل نمود، در آن زمان فقط خراسان و ایران بدون تسخیر باقی مانده بود (۳): ص ۲۶).

امیر تیمور کشور های زیادی را مرحله به مرحله جز حکومت خود نمود و آنها را مانند دولت یگانه متحد ساخت و سیستم اقتصادی و دارایی این سرزمین ها را تکمیل نمود، وی زمانی درباره شیوه های اداره کردن از لحاظ اقتصادی این سرزمین ها می اندیشید، در مورد مسایل به وجود آمدن درآمد عمومی سالانه و پرداخت مالیه به خزانه دولت و مطالب دیگر فکر می کرد و آنها را با نصایح و توصیه های شرعی با تجارب پادشاهان پیشین مقایسه و به نتیجه گیری های دقیق می رسید، امیر تیمور در تزوک خود درباره اهمیت مهم و پایدار اقتصادی برای هر مملکت تأکید نموده و نوشته است که به طور نمونه به ذکر یکی از آنها می پردازیم: «دولت و سلطنت به ملک و خزانه و لشکر قایم باشد».

امیر تیمور به هدف تکمیل سیاست مالی مستقل دولت، امور مالی تمام کشور های تحت تسلط خود را در یک سیستم متحد ساخت و شیوه های اداره کردن آنها را بر اساس تقاضای رهبری اداری به کار بست. سیاست اقتصادی که امیر تیمور در سلطنت خود به کار انداخته بود به ویژه گسترش سیستم پولی-مالی آن تأثیر بسیار زیادی در جریان رشد اقتصادی مملکت داشت و در رشد و توسعه نیروه مولده در گسترش تجارت در بازار داخلی و خارجی نیز تأثیر زیادی داشت، با وجود آن که نقش پول در اقتصاد جامعه روز به روز افزایش می یافت جمع آوری خراج موافق حاصل زراعت به گونه نقدی مهم ترین دلیل نشان دهنده گسترش نطفه های مناسبات سرمایه داری در این کشور به شمار می رفت. در آن دوران به طور عمده از دو نوع مالیه مربوط به زراعت یعنی (خراج) و (عشر) استفاده می کردند غیر از آن بازرگانان و اهل کسبه باج و خراج و زکات پرداخته اند، از حساب اموال انتقال شده از مرز نیز باج گرفته می شد همه این ها منبع اساسی خزانه دولت به شمار می رفت. بدون مالیاتی که در بالا از آن ذکر کردیم، در آمد های عاری از مالیات نیز موجود بود مانند استخراج فلزات نادر مانند طلا، نقره و فروش آنها، ضرب سکه ها، اموال بدون وارث باقی مانده از اشخاص فاقد الاثر، جرایم مختلف و سوغات نیز وارد خزانه دولت می شد. در

دوران تیمور در بودجه نه تنها عواید و مصارف ثبت می شد بلکه مقدار مداخل و مخارج در نظر گرفته شده، برای سال مالی آینده نیز طرح ریزی می شد. مصارف عمومی حکومت و دربار، مخارج نظامی، برای امور لشکر کشی، آبادانی، علم، فن و فرهنگ و غیره کار های مهم دیگر. در پرداخت حقوق برای کارمندان دولت از بودجه کل کشور، از پول و یا از سیستم پرداخت جنس به جای پول استفاده می شد. مهم ترین تدابیر که امیر تیمور در سیاست پولی-مالی انجام داد، سیاست پولی واحد بود که از طرف تیمور در تمام حدود به نام خودش خطبه خوانده می شد و هم چنان سکه ضرب می گردید، در ضمن سیاست پولی مظهر آن است که تمام سلطنت از لحاظ سیاسی و اقتصادی یک دولت واحد و یک پارچه نیز می باشد، چون تمام سکه های ضرب شده در دوران تیمور به مثابه اساسی ترین مسأله پرداخت یعنی واحد پول در تحکیم، بالا بردن و قدرت سیاسی و اقتصادی دولت امیر تیمور به کار برده شده اند. به دلیل این که به سکه های دولت امیر تیمور تقاضا و نیاز خیلی زیاد بود این پول ها نه تنها در شهر های مرکزی ماوراءالنهر بلکه در خراسان، ایران، عراق و شهر های استرآباد، بصره، بغداد، بامیان، سمرقند، هرات، شیراز، تبریز تقریباً به طور تخمینی در چهل شهر ضرب شده است.

امیر تیمور خوب می دانست که در سلطنت خیلی بزرگی که از سوی خودش بنیان گذاری شده است، اداره نمودن امور پولی و مالی از یک مرکز دشوار می باشد بنابر همین دلیل به حکومت های محلی زیر نظر حکومت مرکزی برای ضرب پول نام تیمور اجازه داده بود. ضرب این سکه ها با توجه خاص به وزن و خالص بودن طلا و نقره مطابق استاندارد تعیین شده دولتی از طرف حکومت مورد نظارت دقیق قرار داده می شد (صص ۲۷-۳۲).

شهر های آسیای میانه در دوران امیر تیمور از لحاظ اقتصادی و فرهنگی رشد و گسترش یافت، اگرچه تیمور در تصرف سرزمین های مرکزی، خراسان، عراق و ایران لشکر کشی نمود و شمشیر زده است ولی در اداره امور مملکت و در رشد و گسترش اقتصاد، علم و فرهنگ آن از تدابیر های مختلف استفاده نموده و وجود خود را به مثابه صاحب ستراتیژی و تاکتیک ویژه دیپلمات، اصلاح طلب، رجل دولتی، انسان دوست و سخاوتمند به اثبات رساند. امیر تیمور چهار پسر داشت، جهانگیر میرزا پسر بزرگ وی در سال ۱۳۵۶ ه.ق تولد

شد و در سال ۱۳۷۶ ه.ق به سن ۲۰ سالگی وفات کرد و دو پسر از خود به جا گذاشت به نام محمد سلطان و پیر محمد میرزا عمر شیخ میرزا پسر دوم تیمور بود که در سال ۱۳۹۳ ه.ق به عنوان حاکم ولایت فارس تعیین شد، میرانشاه میرزا پسر سوم امیر تیمور بود، شاهرخ میرزا پسر چهارم امیر تیمور بود که در سال ۱۳۷۷ ه.ق تولد شد و در سال ۱۳۹۶ ه.ق به حیث حاکم خراسان تعیین شد اگر چه پیش از مرگ تیمور شاهرخ میرزا زنده بود ولی امیر تخت سلطنت را به او نسپرد بلکه به سلطان محمد پسر جهانگیر سپرد اما مدت سلطنت وی زیاد دوام نکرد امیر تیمور به علت جدایی نا به هنگام از این نواسه خود بسیار غمگین شد و به خاطر یاد بود او سکه هایی را به نام محمد سلطان ضرب کرد بر روی این سکه ها کلمه طیبه و در چهار گوشه آن نام چهار خلیفه و در کنج های دیگر نام شهر ها و تاریخ ضرب آن نوشته شده است.

با به قدرت رسیدن خلیل سلطان مبارزه به خاطر اشغال حکومت بین شاهرخ پسر کوچک تیمور و نواسه هایش قطع شد، حکمرانی خلیل سلطان میرزا خارج از ماوراءالنهر را هیچ کس به رسمیت نشناخت، شاهرخ میرزا از این گونه وضعیت استفاده کرده و تدابیر مختلف را جامعه عمل پوشانید بدین ترتیب شاهرخ میرزا حکمرانی ماوراءالنهر و تخت سمرقند را به الغ بیک میرزا پسر بزرگ خود هدیه داد. شاهرخ میرزا آهسته آهسته اخلاف برادران خویش جهانگیر و عمر شیخ میرزا را زیر دست خود متحد ساخت و زمام امور یک دولت بزرگ را که متشکل از ماوراءالنهر، خراسان و شمال افغانستان بود به دست گرفت. شاهرخ میرزا به عنوان حاکم کل ماوراءالنهر و خراسان در تمام شهر های بزرگ این مناطق سکه های نقره خود را ضرب کرد بر روی این سکه ها کلمه طیبه و بر چهار کنج آن نام های چهار خلیفه نوشته شده است و در پشت آن عبارت «سلطان الاعظم شاهرخ بهادر خلدالله ملکه و سلطانه» تاریخ و نام شهر های ضرب این سکه های نقره ثبت شده است. بعد از شاهرخ الغ بیک به قدرت رسید الغ بیک چهل سال در سلطنت سمرقند حکمرانی نمود در عالم مسلمانی پادشاهی به جز الغ بیک در عرصه علم و فن به این اندازه شهرت پیدا نکرده بود. الغ بیک سمرقند را به مسکن علم و فن مبدل ساخت و در رشد و تکامل علم نجوم سهم بزرگی داشت، علم، فن، فرهنگ و بازرگانی در ماوراءالنهر در دوره الغ بیک رونق و گسترش یافت. میرزا الغ بیک به قصد گسترش امور تجارتی در ماوراءالنهر و تنظیم سکه های مسی

در جریان معامله بازرگانی بازار در سال‌های ۱۴۲۸-۱۴۲۹ میلادی اصلاحات پولی را به راه انداخت و سکه‌های مسی را به شکل جدید ضرب کرد. الغ بیک در سال ۱۴۲۰ میلادی اولین بار اصلاحات پولی را انجام داد و در وسط تصویر ستاره به شکل پنج گوشه روی سکه‌های مسی ضرب کرد

در نتیجه کشته شدن ابوسعید در سال ۱۴۶۹ میلادی سلطان حسین بایقرا بر تخت خراسان نشست هنگام به قدرت رسیدن سلطان حسین بایقرا در هرات، امیر علی شیرنوی از سمرقند به هرات آمد، سلطان حسین به کمک وی نزاع‌های داخلی دولت را حل و فصل نمود و علاوه بر آن کشور را از لحاظ اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به اوج پیشرفت آن رساند و هم‌چنان در دوران سلطان حسین بایقرا در شهرهای بزرگ خراسان سکه‌های طلائی، نقره و مسی ضرب شد (۳: صص ۳۸-۵۱).

از آنچه که در مورد سکه‌های دوره تیموری گفته شد به این نتیجه میرسیم که سکه‌های دوره تیموریان از جنس طلا، نقره و مس در اوزن مختلف بین ۱/۱۶ تا ۱۱ گرام در شهرهای سمرقند، هرات، سبزوار، نیمروز، سمنان، بلخ، بخارا مرو و غیره جاها ضرب می‌گردید. نظر به افزایش تقاضا برای سکه در دوره تیمور ضرب آنها در شهرهای مختلف و با توجه به وزن و عیار تعیین شده دولتی از طرف حکومت مورد نظارت دقیق قرار می‌گرفت این سیاست پولی اگر چه سبب یکسان سازی پول نشد اما توانست مظهر ایجاد دولت یک پارچه و واحد باشد.

عوامل مؤثر که در عدم ضرب سکه‌ها با وزن یکسان و کاهش وزن سکه در دوره تیموریان گردید عبارت بود از:

-تلاش تیمور در جهت گسترش حوزه نفوذ خود و بر پا کردن حکومت‌های تحت الحمایه در ایران و تسلیم پادشاهان و حاکمان شرق ایران مانند آل کرت، سربداران و جئون قربان که این‌ها حکومت‌های محلی بود که در زمان تیمور در شرق ایران قدرت داشتند به طور یقین حملات تیمور سبب نابودی و ویرانی اقتصادی شده و تا حدی در کاهش وزن سکه‌ها نقش داشت.

- جنگ های طولانی شاهرخ با آل جلاير و ترکمانان

- منازعات و سرکشی مدعیان بر سر جانشینی الغ بیگ، نابسامانی های ایجاد شده در خراسان و دست اندازی های ترکمانان در غرب و ازبکان در شرق (۸: صص ۳۲۶-۳۲۷).

رسم الخط های که در سکه های دوره تیموری به کابر برده شده است عبارت است از ترکی، اویغوری، عربی در اشکال ثلث، نسخ، کوفی و خط فارسی می باشد. بر اساس روایت ابن عربشاه (تاریخ نگار دوره تیموری) تیمور در سخنان روزمره و رسمی خود از لغات عربی استفاده نمی کرد بلکه بیشتر واژه های فارسی، ترکی و مغولی را به کار می برد از این رو همین گرایش زبانی او سبب شد که در سکه های دوره تیموری نیز برای نوشتن نام و لقب تیمور به جای زبان و خط عربی بیشتر از خط و زبان های رایج غیر عربی (فارسی، ترکی و مغولی) استفاده شود. پس از تیمور در دوره الغ بیگ بر رسم سنت مغولی با واژه های ترکی، مغولی «گورگان و سوزوم» نیز مرسوم بوده است. اما اکثر القاب و عبارات عهد تیموری با رسم الخط عربی و مغولی است اما در این راستا نفوذ فرهنگ و زبان فارسی را نیز نمی توان نادیده گرفت.

بر سکه های دوره تیموری نام و القاب سلطان، سال و محل ضرب، طرح ها و نقوش هندسی، نقوش گیاهی و حیوانی حک شده است، در ضرب سکه این دوران نقوش هندسی کاربرد بیشتری داشت، سکه ها از نظر شکل و فرم ظاهری عموماً مدور استند اما تعداد آنها برش منظمی نداشتند و در هنگام چکش کاری اندکی به یک طرف دراز شده است که در این نوع سکه ها به علت طولانی بودن متن سکه ها تا لبه ها کشیده شده است.

با روی کار آمدن حکومت تیموریان به هدف کسب مشروعیت مغولی از خانان جغتای، مسکوکات خود را در فاصله سال های (۷۹۰-۸۰۵ ه.ق) با نام و القاب محمود و پسرش سیور غتمش خان ضرب کرد که این امر نشان از وفاداری وی به میراث مغولی بوده است، تیمور پیش از نام محمود الاعظم و العادل و پس از نام خود لقب امیر و امیر معظم را حک می کرد، اما پس از آن که سلطان محمود در گذشت، تیمور سکه ها را با نام خود ضرب کرد.

طرح سه دایره کوچک، مهر خاص تیمور از دیگر ویژه گی های خاص روی سکه های دوره تیموری به شمار می رود، به نظر کلاویخو این نشان به این معنی است که او حاکم سه اقلیم بوده است. پس از تیمور القاب بهادر خان و العادل و مالک الرقاب الامم جلال الدنيا و الدین بر روی سکه های شاهرخ به چشم می خورد. در دوره الغ بیگ فرهنگ ترکی نفوذ بیشتری بر متن و القاب سکه داشت و تمغای دولت تیمور نیز بر روی سکه های این دوره حک گردیده است. بعد از الغ بیگ در سکه های عبدالطیف استفاده از القاب مغولی ابولغازی و الخاقان العادل رایج شد، در سکه های ابوسعید اغلب لقب الاعظم در روی سکه ها به کابر برده شده است وی مانند تیمور و الغ بیگ واژه گورگان را بعد از نام خود حک کرده است که استفاده از واژه گورگان می تواند نشان از احیای قدرت تیمور باشد، در زمان سلطان حسین بایقرا القاب بهادر، معزالسلطنه و الخلافه و هم چنان ابوالغازی به پیروی از فرهنگ مغولی ادامه پیدا کرد، در دوره جانشینی بدیع الزمان و مظفر حسین لقب بهادر خان روی سکه ها باقی ماند، آخرین حاکم تیموری محمد زمان میرزا بود که سکه خود را به نام شاه اسماعیل و با لقب الهادی الکامل و بهادر خان ضرب کرد، لقب های عهد تیموری عموماً با پسوند اسلامی خلدالله ملکه و سلطانه درج شده است.

پشت سکه های دوره تیموری با الگو گرفتن از دوره ایلخانی و بنابر بینش سیاسی مذهبی شاهان عموماً بر نفر شهادتین و نام چهار خلیفه به عنوان شعائر اهل سنت تأکید شده بود، پشت اکثر سکه های شاهرخ، الغ بیگ، عبدالطیف، علاالدوله، ابوسعید، ابولقاسم بابر و سلطان حسین بایقرا توأم با نام چهار خلیفه عبارت علی المرتضی و علی ولی الله و سلطان بایسنقر نفر شده است.

یکی از ویژه سکه های دوره تیموری ضرب دوباره سکه های دوره قبل است، ضرب این سکه ها با حاکمیت پادشاه جدید به علت کمبود فلز یا محدودیت زمانی در حال گردش بود، ضرب این نوع سکه ها دال بر اهمیت آنها به لحاظ فراوانی و عیار بالا و قدرت سیاسی شاهان گذشته بوده است. اکثر سکه های دوباره ضرب شده زمان تیموری مربوط به دوره ابوسعید و سلطان حسین بایقرا و سلطان احمد است، به اساس تحقیقات که روی سکه های دوره تیموری صورت گرفته است اکثر آنها سکه های نقره بوده است، ضرب سکه طلا در دوره

باز تاب اوضاع اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دوره تیموریان...
تیموری کم است و تنها از دوره شاهرخ با نام «تنگه طلا» و با وزن یک مثقال گزارش شده است بر علاوه سکه های طلا و نقره اغلب سکه های مسی با نام تیمور و شاهرخ نیز ضرب می گردید.

مهم ترین مشخصه سکه های نقره فراوانی سکه ها و اغلب با عیار بالا و به لحاظ وزنی با اختلاف کم به خصوص در دوره ابوسعید، شاهرخ و سلطان حسین بایقرا ضرب شده است، فراوانی سکه های نقره می تواند بیانگر رونق نسبی مبادلات پولی در میان مردم و بازار های بین المللی باشد (۹:صص ۱۵۶-۱۶۱).

سکه های امیر تیمور با نقش های هندسی مختلف تزئین شده است از جمله تمغای تیموری است این تمغا عبارت از سه حلقه کوچک چنبرک مانند است که به معنای تیمور حاکم سه اقلیم است) می باشد بعضی به این نظر اند که تمغای مذکور شانه و سر گاو نر است یعنی که فقط دو چشم و دهان سر گاو نر ترسیم شده است، چیزی دیگری که در سکه های تیموری دیده می شود واژه های عربی، فارسی، ترکی و مغولی است (۳: ص ۳۷). علاوه بر شعایر که مربوط به اهل سنت بود در سکه های دوره تیموری به کار برده می شد در زمان سلطان حسین بایقرا شعار تشیع نیز برای زینت بخشیدن مسکوکات کاربرد داشت چون شیعیان در پیروی از عقاید و اشاعه افکار خویش آزادی داشتند و هم چنان از حمایت سلطان حسین بایقرا و وزیر دانشمند و هنر دوست وی امیر علی شیر نوایی برخوردار بودند روی این دلیل شعار آنها برای تزئین سکه های آن دوره به کار برده شد. محترم شمردن اولاد پیامبر موضوعی بود که از دوره سلطنت تیمور به بعد همیشه در بین سلاطین تیموری رعایت می شد. سکه های که با تراز و شعار اهل تشیع ضرب شده است از لحاظ سبک تزئین به دو دسته تقسیم بندی شده است.

سکه با نام ائمه اطهار علی مرتضی / جعفر موسی / حسن محمد / حسین محمد:

که می توان به طور نمونه از یک سکه که تقریباً دایره شکل است که بر روی سکه داخل یک نقش شبیه نارنج می باشد حاشیه سکه قرار ذیل است: السلطان الاعظم ابوالغازی سلطان حسین بهادر خلدالله ملکه تعاله و سلطانه. پشت سکه: داخل یک چهار چوب مربع شکل در وسط نام مبارک حضرت علی چهار بار به صورت تزئین و اطراف آن رسامی ائمه

اطهار بدون القاب/موسی جعفر/حسن محمد/حسین محمد/، حاشیه: (لاله الاالله محمد رسول الله علی و لی الله).

سکه با شعار ائمه اطهار و علی ولی الله:

این گروه از سکه ها تقریباً دایره شکل با قطر ۲۴ ملی متر بوده و به دلیل سورشارژ(روی یک سکه موجود که قبلاً ضرب شده دوباره نوشته، عدد یا علامتی اضافه می کنند) های مکرر محل ضرب آن قابل خواندن نیست. متن سکه فوق به شکل ذیل است، روی سکه: (به بود سورشارژ، سه تنگه به بود مشهد)

حاشیه سکه: السلطان الاعظم ابوالغازی سلطان حسین بهادر خلدالله ملکه تعاله و سلطانه)، پشت سکه: داخل یک چهارچوب مربع لاله الاالله محمد رسول الله/ علی ولی الله(۲: صص ۹۸-۱۰۵).

سکه های دوره تیموری را حاکمان محلی در شهر های مختلف از جمله سمرقند و هرات ضرب می کردند، اولین سکه ها مطابق اندازه سکه های خانان جغتای ضرب شده است، تعدادی زیادی از سکه های وی بدون تاریخ است بنابر این نمی توان شرایط سیاسی و اقتصادی حاکم بر ضرب سکه ها را دقیق بررسی کرد. طبق تحقیقات که انجام شده است وزن سکه های نقره دوره تیمور حدوداً بین ۱۱۶ تا ۷ گرام، سکه های مس بین ۳ تا ۴ گرام و اکثراً بین سال های(۷۸۵-۸۰۳ ه.ق) ضرب شده است. با توجه به این که تیمور در سال های(۷۸۶-۷۸۷ و ۷۸۲-۷۸۵ ه.ق) به شهر های خراسان از جمله هرات، نیشاپور، سیستان و قندهار لشکر کشی کرد و در صدد گسترش حوزه نفوذ خود بود بر اساس داده ها در سال های(۷۸۵-۸۰۷ ه.ق) سکه ها با وزن ۴ الی ۶ گرام ضرب شده است زیرا ثروت و پول به دست آمده از فتوحات تیمور می توانست تأثیر در خور توجهی در قدرت اقتصادی و بالابردن عیار سکه داشته باشد.

بعد از مرگ تیمور در دوره جانشینان وی تغییرات زیادی در ضرب سکه و وزن آنها به وجود آمد، خلیل سلطان فرزند میران شاه در سمرقند بر تخت سلطنت نشست وی که صاحب ثروت و خزاین تیمور شده بود با انعام نقود به امرا و لشکریان خزاین و اموال سمرقند

را حیف و میل کرد که این مسئله در کاهش داد و ستد زمان وی مؤثر بود، سکه های خلیل سلطان با وزن ۱ و ۲ گرام در سمرقند ضرب شد. به روایت میرخواند شاهرخ در سال ۸۰۷ ه. ق. امور خراسان را به دست گرفت و بعد از آن خطبه به نام او خوانده شد و هم چنان سکه نیز به نام وی ضرب زده شد، سکه های طلا، نقره و مس زمان شاهرخ در ضراب خانه های سبزوار، دامغان، هرات شیروان و سمرقند ضرب شده است، سکه های نقره اغلب با وزن بین حدود ۴ تا ۱۰ گرام، سکه های مس ۲ تا ۱۱ گرام هم چنان یک نمونه سکه برنجی با وزن ۱۱/۷۵ و طلا با وزن ۰/۹۵ گرام ضرب شد، سکه ها با وزن ۵ گرام نشان از ثبات و نظم اقتصادی در این دوره است. سکه نقره در بازار داخلی و بین المللی دوره شاهرخ نقش به سزایی داشت وزن بیشتر سکه های نقره شاهرخ بین ۴ تا ۶ گرام و تقریباً دارای وزن یکسان هستند. وزن سکه های الغ بیگ نیز بین ۴/۷۷ تا ۵/۵۶ گرام می باشد، سکه های عبدالطیف در سمرقند با وزن ۴/۸ گرام، سکه های دوره علاءالدوله در هرات و سبزوار با وزن ۴ و ۵ گرام و سکه های متعلق به ابوالقاسم بابر با همان وزن در هرات، نیمروز و سمرقند تداوم یافت (۹: صص ۱۶۱-۱۶۵).

در یک نگاه کلی از آنچه که در مورد سکه های دوره تیموری گفته شده به این نتیجه می رسیم که سکه های دوره تیموری از جهت های مختلف حایز اهمیت است متون روی سکه ها می تواند معلومات دقیق در مورد اوضاع اقتصادی، سیاسی، جغرافیایی و غیره ارایه کند. مثلاً از لحاظ جغرافیایی می تواند منبع مهم در مورد نام شهر و مکان باشد که سکه در آن ضرب گردیده است، از دیدگاه سیاسی در جایی که سکه ها حاکی از حاکمان ایالات و سلاطین ولیعهد سلطنتی آنها است وسعت ایالت و قلمرو های تحت کنترل آنها را بر ملا می سازد. از لحاظ دینی و عقیدتی نشان دهنده اعتقاد اسلامی می باشد، از منظر اقتصادی نشان دهنده بهبود اقتصادی حاکمیت ها می باشد. از نظر اجتماعی سکه های دوره تیموری گواه جنبه های زندگی زمان خود به شمار می رود (۱۲: ص ۲۲).



(تصویر ۱) نمونه از سکه تیمور

جنس: نقره، وزن ۶/۱ گرم، قطر ۲۷ ملی متر
روی سکه: نوشته دواير محاط پنج گانه به ترتيب السلطان الاعظم محمود خان الاميرالاعظم
پشت سکه: با خط کوفی بنایی متن لا اله الا الله، محمد رسول الله، در حاشیه: علی، ابوبکر،
عمر، عثمان، گرفته شده از مقاله نظام ضرب سکه و مبادلات پولی دوره تیموریان (با تکیه بر
قلمرو شرق ایران)، ص ۱۵۸



(تصویر ۲) نمونه از سکه شاهرخ

ضرب سبزوآر، بدون تاریخ، جنس نقره، وزن ۵/۲ گرم، قطر ۲۶ ملی متر
روی سکه: السلطان العادل شاهرخ بهادر خلدالله ملکه
پشت سکه: داخل چوکات مربع کونه شعار لا اله الا الله، محمد رسول الله با شیوه کوفی
بنایی، گرفته شده از مقاله نظام ضرب سکه و مبادلات پولی دوره تیموریان، ص ۱۵۹



(تصویر ۳) نمونه از سکه الغ بیگ

وزن ۵/۵۶، قطر ۲۵ ملی متر، جنس نقره

پشت سکه: متن لا اله الا الله

روی سکه: سال ۸۵۲، محمد رسول الله، حاشیه: ابوبکر، عمر، عثمان، علی، گرفته شده از مقاله نظام ضرب سکه و مبادلات پولی دوره تیموریان، ص ۱۵۹.



1

تصویر (۴) میری (سکه های نقره ۱/۵ گرام برابر یک چهاردهم تنگه با نام امیر تیمور

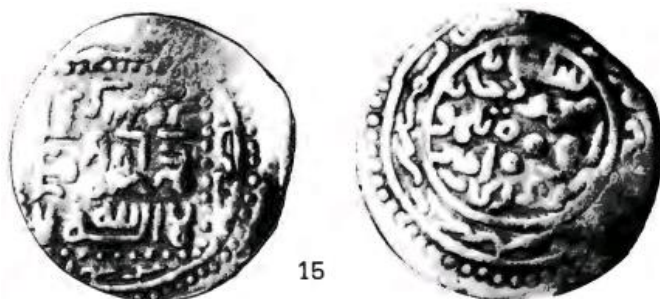
به نام میری یاد می شود، تیمور، محل ضرب سمرقند، سال ۷۸۳ هجری وزن ۱/۵۵

گرام، قطر ۱۷ میلی متر، جنس نقره، شکل سکه سالم. گرفته شده از کتاب:

سیاست پولی-مالی تیمور و خاندان او و سکه های آنها، ص ۸۱.



تصویر (۵) فلوس امیر تیمور، محل ضرب سمرقند، سال ۷۸۵ هجری، وزن ۴/۱۳ گرم، قطر ۲۵ ملی متر شکل سکه سالم، گرفته شده از کتاب: سیاست پولی-مالی تیمور و خاندان او و سکه های آنها، ص ۸۳.



تصویر (۶) تنگه تیمور، محل ضرب شیراز، سال ۸۰۰ هجری، وزن ۶/۲۴ گرم، قطر ۲۴ میلی متر، جنس سکه نقره، شکل سکه سالم، گرفته شده از کتاب: سیاست پولی-مالی تیمور و خاندان او و سکه های آنها، ص ۸۵.

نتیجه گیری

در نتیجه گفته می توانیم که تیمور زمانی به قدرت رسید که دنیای اسلام به ویژه سرزمین های شرقی میدان گرایش های صوفیانه بود و از روی ارادت و یا هم سیاست خود را از پیروان طریقت می دانست و از سویی دیگر با اهل تسنن و تشیع تساهل داشت. پشت اکثر سکه های دوره تیموریان با الگو گرفتن از دوره ایلخانان و بنابر بینش سیاسی- مذهبی

شاهان عموماً بر نقر شهادتین و نام چهار خلیفه به عنوان شعار های اهل سنت تأکید شده است. در زمان شاهرخ عبارت شهادتین را در وسط سکه و نام چهار خلیفه و یا سه خلیفه عمر، عثمان و علی در حاشیه با لقب آن ها به صورت ابی بکر صدیق، عمر فاروق، عثمان عفان و علی المرتضی علی ولی الله ضرب می کردند. نقر واژه علی المرتضی و علی ولی الله از ویژه گی قابل توجه بر سکه های وی است که نشان دهنده گرایش شاهرخ به مذهب سنی و شیعه می باشد و نشان دهنده تسامح و تساهل مذهبی در دوران وی می باشد، هم چنان عبارت مذهبی «حماله و الامان بعزه» بر روی سکه در یکی از لشکرگاه های شاهرخ به نام اردوی همایون ضرب شده است که نشان از گرایش شیعی وی دارد، علاوه بر آن دیگر فعالیت های شاهرخ افزون بر بنای مسجد، مدرسه و کمک به اماکن متبرکه بیانگر گرایش شاهرخ به هر دو مذهب شیعه و سنی است. بعد از شاهرخ در دوره عبدالطیف پشت سکه ها با نام چهار خلیفه همراه با لقب آن ها حک شده است، تداوم واژه علی المرتضی در حاشیه سکه های عبدالطیف، الغ بیک، علاءالدوله ابوسعید مشاهده می شود، افزون بر آن عبارت علی ولی الله نیز در پشت سکه های ابوالقاسم بابر، سلطان حسین بایقرا و سلطان بایسنقر نقر شده است. سکه های دوره تیموری در قلمرو شرق اکثراً به سبک سنی و سکه های به سبک شیعی بیشتر در مناطق شیعه نشین مانند استرآباد و مازندران توسط سلاطینی مانند الغ بیک، شاه محمود و سلطان حسین بایقرا ضرب شده است به طور مثال عبارت مذهبی «فمن يعمل مثقال ذره خیرايره» عموماً بر پشت سکه های شاهرخ دوم فریدون حسین در شهر استرآباد دیده می شود. یکی دیگر از ویژه گی های سکه های دوره تیموری اقدام بعضی از حاکمان تیموری در زمینه ضرب سکه های سورشارژ شده است که سبب تغییر در نوع ضرب سکه عهد تیموری شده است. نمونه از این نوع سکه متعلق به ابوسعید است. در این روش با انتخاب پادشاه جدید به علت کمبود فلز یا محدودیت زمانی علامت سورشارژ (روی یک سکه موجود که قبلاً ضرب شده دوباره نوشته، عدد یا علامتی اضافه می کنند) دو یا چند بار بر روی سکه های در حال گردش نقش بسته است از نمونه سکه سورشارژ شده سکه دوره سلطان احمد سال ۸۹۰ ه.ق است که پشت سکه عبارت «به بود هرات» بر سکه متعلق به سلطان حسین بایقرا است. روی بیشتر سکه های تیموریان، شهادتین با نامها و القاب خلفای راشدین حک شده است اما سه امیر مسالمت جو

(ابوسعید، حسین بایقرا و ابوالقاسم بابر) هرگاه ضرابخانه هایشان در نواحی شیعی مذهب قرار داشت، شهادتین و شهادت بر ولایت حضرت علی یا اسامی دوازده امام (ع) را بر سکه ها نقش می کردند. معمولاً نام ضرابخانه در قابی در وسط روی سکه نقش می شد. پشت سکه نام یا القاب امیران و به دنبال آن جمله ای دعایی و اغلب اسامی ضرابخانه ها و تاریخ انتشار سکه نوشته می شد. عنوان معمول "السلطان الاعظم" بود، ولی تیمور بر روی سکه هایش هرگز عنوانی بالاتر از امیر یا امیرالمعظم ننوشت. تیمور بیشتر سکه هایش را به نام اربابان ظاهری جغتایی خویش ضرب کرده است. به نام سیورغتمش که بین سالهای ۷۷۱-۷۹۰ ه.ق ضرب می شد، محمود که از ۷۹۰ تا ۸۰۶ ه.ق ضرب می گردید و بالاخره فقط به نام خود که در آخرین سال حیاتش یعنی ۸۰۷ ه.ق ضرب شد. هیچ یک از دیگر امرای تیموری سکه ای به نام خانهای جغتای ضرب نکرده اند، مگر الغ بیگ و ابوسعید و احمد که روش تیمور را در نامگذاری خویش به گورکان "به معنی داماد" ادامه دادند. این کلمه نشان می دهد که امیر با شاهدختی از خاندان شاهی جغتایی ازدواج کرده و نسب چنگیزخان از طریق فرزندان آنها تداوم یافته است. افزون بر این تیمور، الغ بیگ و ابوسعید، تمغایی متشکل از سه دایره که به صورت مثلثی قرار می گرفتند، به عنوان نشان خانواده گی خویش در سکه هایشان قرار داده اند. دیگر امرای تیموری بیشتر به خود عنوان بهادر خان داده اند.

مآخذ

- ۱- بیانی، ملک زاده. تاریخ سکه از قدیم ترین ازمه تا دوره ساسانیان، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هفتم، ۱۳۸۵.
- ۲- تقوی، عابد، نیک گفتار، احمد. «سکه شناسی در دوران شاه سلطان حسین بایقرا در محدوده تاریخی خراسان بزرگ»، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه خراسان بزرگ، سال ششم، شماره ۲۰، دانشگاه مازندران، سال (...).
- ۳- توختی، عرفان. سیاست پولی مالی تیمور و خاندان او سکه های آنها، ناشر: کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعش نجفی (ره) قم، چاپ اول، مطبعه حافظ، ۱۳۷۷.
- ۴- خالدیان، ستار، صدیقیان، حسین. «باستان شناسی دوران اسلامی، تاریخچه و مفاهیم»، مجله پیام باستان شناسی، سال دهم، شماره ۱۹، ۱۳۹۲.
- ۵- درخشی، حسن، موحد، عبدالعزیز. «تحلیل سیاسی، مذهبی نقوش و نماد های سکه های ساسانی»، فصلنامه علمی-تخصصی باستان شناسی ایران، واحد شوشتر، ۱۳۹۱.
- ۶- سلیمانی، سعید. «اهمیت سکه شناسی ایران دوران اسلامی (دوران خلافت عباسی)»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۴۰۰.
- ۷- کهزاد، احمد علی. مجموعه مقالات علامه احمد علی کهزاد، منتخب از آریانا دایره المعارف دوره اول (۱۳۲۸-۱۳۴۸)، ناشر: اکادمی علوم افغانستان، مطبعه شمشاد هاشمی، ۱۳۹۷ ه. ش.
- ۸- میر آخور لو، نسرين، شرفی، محبوبه. «تداوم و دگرگونی در نظام ضرب سکه از فروپاشی ایلخانان تا پایان حکومت تیموریان در قلمرو شرق ایران»، پژوهش نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، پژوهشگاه مطالعات علوم انسانی و فرهنگی، دو فصلنامه علمی، سال ۱۱، شماره ۱، ۱۴۰۱.

۹- میرآخور لو، نسرین، شرفی، محبوبه. «نظام ضرب سکه و مبادلات پولی دوره تیموریان (با تکیه با قلمرو شرق ایران)»، فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران، دانشگاه الزهراء، سال ۳۲، شماره ۵۳، ۱۴۰۱.

۱۰- یوسفی، انور شاه. «پول و بانک در افغانستان»، چاپ اول، شرکت چاپ و نشر مریخ، ۱۴۰۱.

11- Dr. Dina Samir Mohamed El Ozery. The word, shape and image in early Islamic numismatics within cultural heritage context, Egypt. No 3, Fayoum university, 2020.

۱۲- طاهری، داریوش. «چگونگی ساخت سکه در گذشته و حال»، سایت آینده نگاران مغز، <http://brainyscholar.com>. تاریخ مراجعه {۱۴۰۲/۱۲/۱۶}.

معاون محقق حکمت الرحمن امیری

رابطه علم جامعه شناسی و باستان شناسی در شناخت
جامعه تاریخی افغانستان

The relationship between sociology and Archaeology in understanding the historical society of Afghanistan

By: Asst. Reseacher, Hekmat Rahman Amiri

Abstract

Archaeology and sociology, as two complementary disciplines within the humanities, play a vital role in reconstructing and analyzing human societies. While archaeology offers a tangible image of past life and cultural structures through the excavation and study of material remains, sociology, by employing theoretical frameworks, explains the social, economic, and power dimensions within historical contexts. This article adopts an interdisciplinary approach to examine the conceptual and practical relationship between these two fields and demonstrates how sociological theories such as functionalism, conflict theory, symbolic interactionism, and discourse analysis can contribute to interpreting archaeological findings. Moreover, by referring to the archaeological sites as a case study, the article presents

analyses that highlight the role of religious institutions, culture order, economic interactions, and cultural identity in the social structure of these historical sites. The findings suggest that the integration of these disciplines deepens our understanding of past societies and paves the way for broader interdisciplinary research.

Keywords: Archaeology, Sociology, Social Structure, Social Theory, Interdisciplinarity.

چکیده

باستان‌شناسی و جامعه‌شناسی به‌عنوان دو رشته مکمل در علوم اجتماعی، نقش مهمی در بازسازی و تحلیل جوامع بشری دارند. باستان‌شناسی از طریق کاوش و مطالعه اطلاعات مادی، تصویری از زندگی و ساختار فرهنگی گذشته ارائه می‌دهد، در حالی که جامعه‌شناسی با بهره‌گیری از چارچوب‌های نظری، ابعاد اجتماعی، اقتصادی و قدرت را در بستر تاریخی تبیین می‌کند. این مقاله با رویکردی میان‌رشته‌ای، به بررسی رابطه مفهومی و کاربردی میان این دو علم پرداخته و نشان می‌دهد که چگونه نظریه‌های جامعه‌شناسی مانند کارکردگرایی، نظریه تضاد، تعامل‌گرایی نمادین و تحلیل گفتمان می‌توانند در تفسیر یافته‌های باستان‌شناسی مؤثر باشند. همچنین، با اشاره به ساحات باستانی به‌عنوان یک نمونه موردی، تحلیل‌هایی ارائه شده بیانگر نقش نهادهای مذهبی، نظم فرهنگی، تعاملات اقتصادی و هویت فرهنگی در ساختار اجتماعی ساحات تاریخی است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که پیوند میان این دو علم، درک ما را از جوامع گذشته تعمیق بخشیده و زمینه را برای تحقیقات میان‌رشته‌ای گسترده‌تر فراهم می‌سازد.

باستان‌شناسی و جامعه‌شناسی به عنوان دو شاخه مهم از علوم اجتماعی، هرچند از نظر روش‌شناسی و موضوعی مطالعه تفاوت‌هایی دارند. اما، در هدف نهایی خود یعنی شناخت جامع‌تر انسان و جامعه، با یکدیگر برابر و مکمل‌اند. باستان‌شناسی با تحلیل آثار مادی به‌جا مانده از گذشته، به بازسازی زندگی فرهنگی، اقتصادی، دینی و زیستی جوامع بشری در طول تاریخ می‌پردازد. در مقابل، جامعه‌شناسی با تکیه بر نظریه‌ها و روش‌های تحلیلی، در پی فهم ساختارهای اجتماعی، نهادها، روابط قدرت، نقش‌ها و تحولات اجتماعی در بستر تاریخی است. تعامل این دو علم به محقق این امکان را می‌دهد که با نگاهی چندبُعدی و ترکیبی، به درک عمیق‌تر از جوامع بشری دست یابد.

در دهه‌های اخیر، پیوند میان این دو رشته به‌ویژه در قالب مطالعات میان‌رشته‌ای، مورد توجه روزافزون محققان قرار گرفته است. تحلیل‌های جامعه‌شناسانه در حوزه باستان‌شناسی، به‌ویژه در زمینه فهم نابرابری‌های اجتماعی، جنسیت، ساختار طبقاتی، اقتصاد، و قدرت، باعث غنا بخشیدن به تفاسیر باستان‌شناسی شده‌اند. این رویکردها کمک می‌کنند تا یافته‌های مادی صرفاً به‌عنوان اشیایی بی‌جان تلقی نشوند، بلکه به‌مثابه نشانه‌هایی از روابط اجتماعی، کنش‌های انسانی و ساختارهای معنایی مورد تحلیل قرار گیرند.

در این مقاله، تلاش شده است رابطه میان علم باستان‌شناسی و جامعه‌شناسی به شکلی نظری و کاربردی مورد بررسی قرار گیرد. در این مسیر، از نظریه‌های برجسته جامعه‌شناسی همچون کارکردگرایی، تضاد طبقاتی، تعامل‌گرایی نمادین و تحلیل قدرت فوکویی* استفاده شده تا نشان داده شود چگونه این چارچوب‌ها می‌توانند به تفسیر بهتر داده‌های باستان‌شناسی یاری رسانند. در کنار بحث نظری، مطالعه موردی ساحات باستانی نیز به‌عنوان نمونه عملی از پیوند میان این دو علم معرفی شده تا نشان دهد

* فوکویی منسوب به فوکو است یعنی هر چیزی که مربوط به اندیشه‌ها، روش‌ها یا تحلیل‌های میشل فوکو (Michel Foucault) دانشمند و نظریه پرداز فرانسوی در رشته‌های جامعه‌شناسی و تاریخ می‌باشد.

رابطه علم جامعه‌شناسی و باستان‌شناسی... —————

این تعامل چگونه می‌تواند در میدان عمل به شناخت عمیق‌تر از جوامع گذشته کمک کند.

اهمیت تحقیق:- درک رابطه میان باستان‌شناسی و جامعه‌شناسی، از منظر نظری و کاربردی، اهمیتی فزاینده در مطالعات میان‌رشته‌ای معاصر یافته است. با گسترش دامنه تحقیقات در علوم انسانی، روشن شده که صرف مطالعه اطلاعات مادی بدون بهره‌گیری از تحلیل‌های اجتماعی نمی‌تواند تصویری کامل از جوامع گذشته ارائه دهد. این تحقیق با تأکید بر ضرورت بهره‌گیری هم‌زمان از هر دو علم، تلاش می‌کند شکاف موجود میان تفسیر مادیات باستانی و درک مفاهیم اجتماعی را کاهش داده و الگویی علمی برای مطالعه جوامع تاریخی ارائه دهد. اهمیت موضوع به‌ویژه در کشورهای دارای میراث فرهنگی غنی مانند افغانستان که بسیاری از آثار باستانی در معرض تخریب هستند، دو چندان می‌شود. زیرا؛ تحلیل‌های عمیق اجتماعی می‌توانند به ارزش‌گذاری و حفاظت مؤثر این میراث کمک نمایند.

هدف تحقیق:- هدف اصلی این تحقیق، بررسی و تبیین رابطه نظری و کاربردی میان علم باستان‌شناسی و جامعه‌شناسی است؛ به‌گونه‌ای که نشان داده شود چگونه تلفیق این دو حوزه می‌تواند به فهم دقیق‌تر از ساختارها و مناسبات اجتماعی جوامع تاریخی بی‌انجامد. در این راستا، تحقیق حاضر تلاش دارد با بهره‌گیری از نظریه‌های کلیدی جامعه‌شناسی، همچون کارکردگرایی، نظریه تضاد، تعامل‌گرایی نمادین و تحلیل قدرت، چارچوبی تحلیلی برای خوانش اجتماعی یافته‌های باستان‌شناسی فراهم سازد. این هدف در راستای توسعه نگرش‌های میان‌رشته‌ای در علوم اجتماعی و یافتن زبان مشترک میان متخصصان باستان‌شناس و جامعه‌شناس تعریف شده است.

روش تحقیق:- این تحقیق از روش کیفی و توصیفی-تحلیلی بهره می‌برد که در آن اطلاعات تحقیق از طریق مطالعه منابع کتابخانه‌ای، بررسی اسناد باستان‌شناسی و مرور نظریه‌های جامعه‌شناسی گردآوری شده‌اند.

۱- تعریف علم باستان‌شناسی

باستان‌شناسی یکی از شاخه‌های بنیادین علوم انسانی است که هدف اصلی آن مطالعه و بازسازی زندگی انسان‌ها در گذشته از طریق شواهد مادی به‌جا مانده از آنان است. این شواهد شامل آثار معماری، ابزارهای سنگی و فلزی، ظروف سفالی، بقایای انسانی و جانوری، و سایر اطلاعاتی است که در محیط‌های باستانی باقی مانده‌اند. باستان‌شناسان از این اطلاعات برای تحلیل و تفسیر نحوهٔ زیست، ساختارهای اقتصادی، الگوهای سکونت، باورهای دینی و روابط اجتماعی جوامع گذشته استفاده می‌کنند. این علم در سیر تحول تاریخی خود از مرحله توصیف‌گرایی صرف به مرحله تحلیلی و نظری گسترش یافته است. در دوره کلاسیک، تمرکز اصلی باستان‌شناسی بر کشف آثار و طبقه‌بندی آن‌ها بود، اما از نیمه دوم قرن بیستم به بعد، با ظهور رویکردهای نوین باستان‌شناسی تحلیل اطلاعات بر اساس نظریه‌های جامعه‌شناسی و بشرشناسی اهمیت بیشتری یافت. این تحول موجب شد که باستان‌شناسی نه تنها به‌عنوان علم تجربی، بلکه به‌عنوان یک علم تفسیری نیز که به دنبال فهم معنا و ساختارهای اجتماعی نهفته در اشیاء مکشوفه است، شناخته شود (Trigger, 2006, pp. 6-13).

بدین منوال، برخی از شاخه‌های نو ظهور در رشته باستان‌شناسی مانند «باستان‌شناسی اجتماعی»، بر آن است که با استفاده از مفاهیم جامعه‌شناسی نظیر ساختار قدرت، نابرابری، نهادهای اجتماعی و هویت‌های جمعی، اطلاعات باستانی را در چارچوب نظری وسیع‌تری تحلیل کنند. این طرزالعمل‌ها نشان می‌دهند که آثار مادی تنها در صورتی معنا پیدا می‌کنند که در بستر روابط اجتماعی و فرهنگی زمانه خود بررسی شوند. به تعبیر ایان هادر (A. Hodder) بریتانیایی یکی از نظریه پردازان باستان‌شناسی اجتماعی، «اشیاء نه تنها بازتابی از کنش انسانی هستند، بلکه بخشی فعال از نظام‌های اجتماعی‌اند که میتوانند خود در باز تولید یا تغییر آن نظام‌ها نقش داشته باشند» (Hodder, 1995, p. 12).

۲- تعریف علم جامعه‌شناسی

جامعه‌شناسی علمی است که به مطالعه نظام‌مند ساختارها، نهادها، فرایندها و روابط اجتماعی در جوامع انسانی می‌پردازد. این علم، رفتار جمعی انسان‌ها، کنش‌های اجتماعی، نظام‌های ارزشی، باورها، طبقات اجتماعی و تغییرات اجتماعی را در بسترهای تاریخی، فرهنگی و اقتصادی مختلف بررسی می‌کند. جامعه‌شناسی برخلاف روان‌شناسی که تمرکز آن بر فرد است، بر کنش‌های جمعی و الگوهای رفتاری گروهی تأکید دارد و سعی می‌کند با کشف قوانین اجتماعی، به تبیین عملکرد جامعه بپردازد (Giddens, 2009, p10).

جامعه‌شناسی در قرن نوزدهم و در واکنش به تحولات عظیم ناشی از انقلاب صنعتی و تغییرات بنیادین در ساختارهای اجتماعی اروپا شکل گرفت. آگوست کنت، که از او به عنوان پدر جامعه‌شناسی یاد می‌شود، این علم را راهی برای شناخت علمی جامعه و سامان‌بخشی به آن می‌دانست. پس از او، دانشمندانی چون کارل مارکس، ماکس وبر، امیل دورکیم و جورج زیمل، پایه‌های نظری جامعه‌شناسی مدرن را بنیان نهادند. هر یک از این متفکران، بر جنبه‌هایی مانند اقتصاد، آیین، قدرت، هنجارها و روابط میان‌فردی تمرکز کرده‌اند که بعدها به حوزه‌های گوناگون جامعه‌شناسی بدل شد (Ritzer, 2011, p 21).

امروزه جامعه‌شناسی به شاخه‌ها و حوزه‌های تخصصی مختلفی تقسیم می‌شود؛ از جمله جامعه‌شناسی دین، جامعه‌شناسی خانواده، جامعه‌شناسی آموزش، جامعه‌شناسی شهری، جامعه‌شناسی توسعه و جامعه‌شناسی فرهنگی. این تنوع خود نشان‌دهنده آن است که جامعه‌شناسی می‌تواند با سایر رشته‌ها، از جمله باستان‌شناسی، در تعامل باشد و در تحلیل ساختارهای اجتماعی گذشته نیز نقشی مؤثر ایفا کند. مفاهیمی چون نظم اجتماعی، ساختار طبقاتی، مناسبات جنسیتی و ایدئولوژی در صورت به‌کارگیری در تحلیل اطلاعات باستان‌شناسی، می‌توانند تصویری کامل‌تر و پویاتر از جوامع گذشته به دست دهند.

۳- نقاط تماس و تقاطع جامعه‌شناسی و باستان‌شناسی

باستان‌شناسی و جامعه‌شناسی در نگاه اول به‌عنوان دو رشته مستقل از یکدیگر به نظر می‌رسند؛ یکی تمرکز بر گذشته‌های دور با تکیه بر شواهد مادی دارد و دیگری تحلیل نظام‌مند جامعه‌های معاصر با استفاده از ابزارهای نظری و روش‌های میدانی. با این حال، با تأمل در اهداف، مفاهیم و روش‌شناسی این دو علم، می‌توان به نقاط تماس مهمی میان آن‌ها پی برد که نشان از امکان تعامل و هم‌گرایی میان این دو رشته وجود دارد.

نخستین و بنیادی‌ترین نقطه تماس، تمرکز مشترک بر جامعه است. هر دو رشته، در پی درک ساختارها، نهادها، الگوهای رفتاری و روابط قدرت در جامعه هستند، با این تفاوت که باستان‌شناسی به جوامع گذشته و جامعه‌شناسی عمدتاً به جوامع معاصر می‌پردازد. اما این تفاوت، مانع از استفاده نظریات جامعه‌شناسی در تحلیل باستان‌شناسی نمی‌شود؛ بلکه برعکس، نظریات جامعه‌شناسی در دهه‌های اخیر به ابزارهای تحلیلی مهم در رشته باستان‌شناسی تبدیل شده‌اند (Trigger, 2006, p218).

برای نمونه، نظریه‌های ساختارگرایی، کارکردگرایی و نظریه کنش که در چارچوب جامعه‌شناسی توسعه یافته‌اند، در تحلیل اطلاعات باستان‌شناسی نیز به کار رفته‌اند. امیل دورکیم با تأکید بر نقش نهادهای اجتماعی در ایجاد انسجام اجتماعی، الهام‌بخش مطالعاتی در باستان‌شناسی شده است که به نقش آیین، تدفین و معماری مذهبی در جوامع ماقبل‌التاریخ می‌پردازند. از سوی دیگر، نظریه‌های دیگر جامعه‌شناسی در تحلیل ساختارهای اقتصادی جوامع باستانی و نابرابری‌های طبقاتی در تحلیل گورستان‌ها، نوع مصالح ساختمانی و نحوه مالکیت زمین بسیار کارآمد بوده‌اند (Tilley & Shanks, 1987, p59).

نقطه تماس دیگر، در روش تحقیق آنها است. گرچه روش‌های باستان‌شناسی عمدتاً میدانی و مبتنی بر کاوش و تحلیل مواد است. اما، در سال‌های اخیر باستان‌شناسان نیز به بهره‌گیری از تحلیل گفتمان، مردم‌نگاری تاریخی و روش‌های مقایسه‌ای جامعه‌شناسی روی آورده‌اند. همچنین، باستان‌شناسی اجتماعی به‌عنوان یکی از شاخه‌های نوپای

رابطه علم جامعه‌شناسی و باستان‌شناسی...
میان‌رشته‌ای، با هدف بررسی نهادها، ساختار قدرت، جنسیت و هویت اجتماعی در جوامع گذشته، مستقیماً بر مفاهیم جامعه‌شناختی تکیه می‌کند (Johnson, 2010, p113).

از این منظر، می‌توان گفت که رابطه میان باستان‌شناسی و جامعه‌شناسی نه تنها مکمل یکدیگرند، بلکه در بسیاری از موارد، تحلیل اطلاعات یکی بدون دیگری ناقص می‌شود؛ چرا که بازسازی جامع از گذشته بدون درک اجتماعی و تحلیل کامل جامعه بدون در نظر گرفتن بنیان‌های تاریخی آن، ناممکن است.

۴- باستان‌شناسی اجتماعی

چنانچه گفته آمدیم، باستان‌شناسی اجتماعی (Social Archaeology) یکی از شاخه‌های نو ظهور و میان رشته‌ای در مطالعات باستان‌شناسی است که تمرکز خود را بر تحلیل ساختارها و روابط اجتماعی جوامع گذشته، با بهره‌گیری از مفاهیم جامعه‌شناسی قرار داده است. برخلاف رویکردهای کلاسیک که عمدتاً بر توصیف اشیاء و تعیین سلسله زمانی ساحات باستانی تمرکز داشتند، باستان‌شناسی اجتماعی تلاش می‌کند تا معنا، کارکرد و جایگاه اجتماعی یافته‌های باستانی را در بستر تاریخی، فرهنگی و اجتماعی شان تحلیل کند (Hodder, 1991, p. 4).

این شاخه از باستان‌شناسی، به‌ویژه از دهه ۱۹۸۰ میلادی به بعد، تحت تأثیر نظریه‌های ساختارگرایانه، تضاد و جامعه‌شناسی تفسیری رشد یافت. محققان این حوزه معتقدند که اشیاء مادی صرفاً ابزاری برای نیازهای زیستی نبوده‌اند، بلکه حامل معنا، نشانگر موقعیت اجتماعی و عامل باز تولید قدرت و نابرابری در جامعه بوده‌اند. از این منظر، یک خانه، یک گور، یا حتی یک کوزه سفالی می‌تواند نمادی از روابط طبقاتی، جنسیتی، یا ایدئولوژیک در جامعه مورد نظر باشد.

برای مثال، تحلیل گورستان‌های باستانی در مناطق مختلف نشان داده است که نحوه دفن، وسایل همراه متوفی، و حتی موقعیت مکانی قبرها بازتابی از پایگاه اجتماعی، جنسیت و نقش فرد در ساختار قدرت جامعه بوده است. این نوع مطالعات، که در باستان‌شناسی

کلاسیک کمتر مورد توجه بود، اکنون با بهره‌گیری از مفاهیم جامعه‌شناسی مانند طبقه، هویت و قدرت انجام می‌شود (Parker Pearson, 1999, pp. 36-41).

همچنین باستان‌شناسی اجتماعی با تأکید بر نقش عاملیت انسانی از دیدگاه‌های ساخت‌گرایی صرف فاصله گرفته و به بررسی چگونگی کنش فعال افراد و گروه‌ها در خلق، حفظ یا تغییر نظام‌های اجتماعی پرداخته است. در این رویکرد، تعامل میان انسان و محیط مادی به عنوان یک رابطه دو سویه و معنادار تلقی می‌شود؛ به گونه‌ای که اشیاء نه تنها بازتابی از نظم اجتماعی‌اند، بلکه خود در شکل‌دهی به آن نقش دارند (Hodder, 1995, p. 12).

در نهایت، باستان‌شناسی اجتماعی با اتکا به روش‌های تحلیلی چند رشته‌ای از جمله تحلیل انسان‌شناسی نمادین و نشانه‌شناسی سعی دارد تاریخ خاموش گروه‌هایی چون زنان، کودکان، اقلیت‌ها و طبقات پایین را نیز بازیابی کند؛ کسانی که معمولاً در متون رسمی تاریخی نادیده گرفته شده‌اند.

۵- کاربرد نظریه‌های جامعه‌شناسی در تحلیل اطلاعات باستان‌شناسی

رابطه میان نظریه‌های جامعه‌شناسی و اطلاعات باستان‌شناسی، امروزه به مثابه پلی میان دو حوزه علوم انسانی و اجتماعی تلقی می‌شود که از رهگذر آن می‌توان نهادها، ارزش‌ها، ساختارهای اجتماعی و تغییرات فرهنگی جوامع گذشته را بهتر درک کرد. نظریه‌های جامعه‌شناختی در باستان‌شناسی نه تنها چارچوب تحلیلی فراهم می‌آورند، بلکه به تولید معنا، بازخوانی قدرت و فهم عاملیت انسان‌ها در تاریخ کمک می‌کنند.

نظریه کارکردگرایی و انسجام اجتماعی در جوامع باستانی: بر اساس نظریه کارکردگرایی دورکیم، هر عنصر از فرهنگ مادی (مانند معابد، تدفین، ابزارها، یا نظام‌های معماری) کارکرد خاصی در تداوم نظم اجتماعی دارد. در این راستا، تحقیقاتی که بر ساختارهای مذهبی همچون ستوپه‌های بودایی در جنوب آسیا متمرکز اند، نشان می‌دهد که این سازه‌ها علاوه بر نقش عبادی، در مشروعیت‌بخشی به ساختار سلطنت و انسجام فرهنگی جوامع آن دوران نقش داشته‌اند (Bahn & Renfrew, 2016, p. 145). چنین کارکردهایی

رابطه علم جامعه‌شناسی و باستانشناسی...
شباهت بسیاری به نقش نهادهای اجتماعی در نظریه دورکیم دارد که در پی ایجاد همبستگی طبیعی میان گروه‌های متفاوت است.

نظریه تضاد و بازنمایی نابرابری‌های اجتماعی: نظریه تضاد اجتماعی به عنوان یکی از پایه‌های تحلیل نابرابری، از دیدگاه باستان‌شناسی نیز کاربرد زیادی دارد. در بررسی برخی گورستان‌های شاهی مانند گورستان اور در سومر یا آرامگاه‌های سلطنتی در مصر باستان، تفاوت آشکار در وسایل تدفین و میزان تزئینات قبرها نشان‌دهنده سطوح متفاوت اقتصادی و طبقاتی است. تحقیقات نورمان یافی باستان‌شناس و انسان‌شناس آمریکایی نشان داده‌است که این تمایزات نه تنها در اشیاء، بلکه در ساختار شهرسازی و کنترل منابع طبیعی نیز انعکاس یافته و می‌تواند به مثابه شواهدی از تضاد طبقاتی مورد تفسیر قرار گیرد (Yoffee, 2005, p81).

تعامل‌گرایی نمادین و معنایی اشیاء: بر اساس نظریه تعامل‌گرایی نمادین، اشیاء مادی در فرهنگ‌های انسانی دارای معانی اجتماعی هستند که در جریان تعامل و تفسیر شکل می‌گیرند. این دیدگاه در باستان‌شناسی برای درک معنا و هویت فرهنگی بسیار سودمند واقع شده است. برای مثال، در بررسی الگوهای پوشاک و زیور آلات در تمدن دره سند، مشخص شده است که این عناصر نه تنها کارکرد زیبایی‌شناختی، بلکه نشان‌گر هویت قومی، و حتی پایگاه اجتماعی افراد بوده، اند. و این اشیاء از خلال تعاملات اجتماعی معنا می‌یافته‌اند و همچون زبان، بخشی از فرایند ارتباط اجتماعی محسوب می‌شده‌اند. (Tilley, 1999, p47).

نظریه فوکو و تحلیل قدرت: میشل فوکو (Michel Foucault) فیلسوف، تاریخ‌دان و نظریه پرداز اجتماعی فرانسوی با ارایه نظریه قدرت، دانش و تحلیل گفتمان ابزار قدرتمندی برای تفسیر معماری و مناسبات مکان‌ها و فعالیت‌ها را در باستان‌شناسی فراهم آورد. طبق این نظریه، فضاها، معماری (مانند قصرها، حصارها و عبادتگاه‌ها) تنها ساختارهای فیزیکی نیستند، بلکه ابزاری برای نظم‌بخشی، نظارت و تولید قدرت بوده‌اند. تحقیقات انجام شده در بابل، مصر و آی‌خانم نشان داده است که مکان‌ها و فعالیت‌های مختلف این شهرها به گونه طراحی شده که سلسله‌مراتب اجتماعی را بازتاب دهد و

حاکمیت را تثبیت کند. و همچنان فوکولت به تحلیل "بدن در جامعه" می‌پردازد که می‌تواند به تفسیر تصویر سازی‌های بدنی در هنر و پیکر تراشی‌های باستانی کمک کند. (Foucault, 1977, p170).

۶- تحلیل ساحات باستانی و تلفیق نظریه‌های جامعه‌شناسی و باستان‌شناسی

افغانستان به عنوان یکی از کهن‌ترین کانون‌های تمدنی در آسیا دارای طیف گسترده‌ای از ساحات باستانی است که از دوره‌های ماقبل‌التاریخ تا دوره اسلامی را در بر می‌گیرد. اما تحلیل این ساحات تنها از دید باستان‌شناسی کلاسیک کافی نیست. با تلفیق نظریه‌های جامعه‌شناسی می‌توان به درک عمیق‌تری از ساختارهای اجتماعی، روابط قدرت و نظام‌های فرهنگی نهفته در لایه مادی رسید.

بدین ترتیب، باستان‌شناسی افغانستان به‌ویژه در ساحاتی چون آی‌خانم، بگرام، مندیگک، بامیان، غزنی و بلخ نه تنها ثبت فیزیکی تاریخ مادی است، بلکه بازتاب نظام‌های اجتماعی، اقتصادی و نمادین جوامع گذشته این کشور نیز به‌شمار می‌رود. بررسی این ساحات باستانی با تلفیق نظریه‌های جامعه‌شناسی تحلیل چندلایه‌یی از ساختار، کنش و معنا را فراهم می‌سازد. بنابراین، لازم است تا چندی از ساحات را طور نمونه با تلفیق دیدگاه‌های این رشته بررسی کنیم:

مندیگک را که زمانی دستان هنرمند مردمی با فرهنگ در هزاره سوم پیش از میلاد مسیح، یعنی قبل از مهاجرت آریایی‌ها در بلخ در این جا، اعمار نموده بود، هزاران سال قبل از امروز یکی از کانون‌های بزرگ نظامی شهری محسوب می‌گردید، ولی امروز جز خرابه بیش نبوده، با وصف آن عظمت تاریخی خویش را حفظ نموده است. این ساحه باستانی در بهار ۱۳۲۹ هجری شمسی مطابق ۱۹۵۰ میلادی کار حفريات تپه مندیگک از طرف دافا (DAFA) زیر نظر آقای جان ماری کزل (Jean-Marie Casal) فرانسوی متخصص مطالعات دوره‌های قبل‌التاریخ آغاز گردید و بعد از آن بعضی سال‌ها دو مرتبه در بهار و خزان و بعضی سال‌ها فقط یک مرتبه در مجموع طی ده دوره ماموریت کاوش‌های علمی در این محل ادامه یافت و بعد از یازده مرحله کاوش در اول عقرب ۱۳۳۷ ه.ش مطابق به ۱۹۵۸ میلادی

به پایان رسید. و اولین ساحه دوره بُرنز که به طور جامع حفاری گردید دوره سوم و چهارم مندیگک قندهار است. (رستاقی، ۱۳۹۸، ص. ۱۰)

و نتیجه این کاوش‌ها ساختارهای متقارن کاخ، معابد و دیوارهای دفاعی، نماد تمرکز قدرت سیاسی و دینی است. و از دید نظریه کارکردگرایی دورکیم، این نظم کالبدی بازتابی از همبستگی اجتماعی و ایفای نقش دین در انسجام جامعه است. همچنین نهادگرایی نوین می‌تواند شکل‌گیری تمرکز قدرت را نتیجه تعامل نهادهای اقتصادی - مذهبی و کنترل منابع بداند.

آی خانم شهرست که در تقاطع دریا کوکچه و آمو در عرض البلد ۵°، ۹'، ۳۷° شمالی و ۲۵'، ۶۶° طول البلد شرقی واقع گردیده است. که این محل تقریباً ۵۰۰ متر از سطح بحر ارتفاع دارد. آی خانم در صد کیلومتری شمال شرق کندز موقعیت داشته از طرف غرب به دریای کوکچه، بطرف شمال دریای آمو (Oxos)، بطرف شرق به قریه دشت قلعه و به طرف جنوب به زمین‌های زراعتی محاط بوده و یکی از قرای ولسوالی خواجه غار به شمار می‌رود. (فیضی، ۱۳۹۲، ص. ۴۸)

این شهر باستانی در سال ۱۹۶۴ میلادی توسط مؤسسه دافا مورد سروی و حفاریات قرار گرفت و در نتیجه دریافت شد که این شهر باستانی یکی از شهرک‌های یونانی یا هم به سبک یونانی اعمار گردیده است. در شهر باستانی یونانی بلندترین نقطه را برای ساخت معبد انتخاب می‌نمودند که این خود نشان دهنده تضاد و جوامع طبقاتی است پس برای تحلیل آن می‌توان از نظریه طبقاتی یا هم تضاد در جامعه‌شناسی استفاده کرد چون وقتی با بقایای شهر مکشوفه آی خانم نظر بیندازیم پس دریافت می‌نمایم که شهرک محوطه‌های داشته که نظر به افراد و جایگاه اجتماعی که داشتند ساخته می‌شد. و همچنان این ساختارها را می‌توان از منظر ساختارگرایی کلودی لوی استروس (Claude Levi- Strauss) فیلسوف فرانسوی به مثابه تمایز فضایی مقدس/نامقدس و از دیدگاه بوردیو (Pierre Bourdieu) جامعه‌شناس فرانسوی به عنوان میدان فرهنگی رقابت بین ارزش‌های یونانی و بومی تعبیر کرد. رابطه میان هابیتوس یونانی (تمرین‌های ورزشی، تفکر عقلانی)

و ساختار محیط شهری، نشان‌دهنده انتقال قدرت نمادین از طریق فضا است. (<https://doi.org/10.3366/edinburgh/9780748699179.001.0001>)
، تاریخ مراجعه : ۱۴۰۴/۲/۳.

ساحه باستانی بگرام در دوره کوشانی، با مجموعه اشیای هنری از مصر، چین، یونان و هند زمانیکه تحلیل شده‌اند. نمونه‌ای بی‌نظیر از تبادل فرهنگی جهانی است. از دیدگاه نظریه وابستگی (Dependency Theory)، افغانستان در آن زمان در جایگاه "چهار راه" سیستم مبادلاتی جهانی قرار داشته و نقش تأمین‌کننده کالاهای خام یا مسیر ترانزیت را به مثابه مرکزی ایفا کرده است. این ساختار را می‌توان با نظریه تضاد مارکس نیز خوانش کرد؛ تمرکز اشیای قیمتی در یک مرکز، بیانگر تمرکز قدرت و ثروت در طبقه حاکم است.

بدین ترتیب، شهر باستانی بامیان نیز با داشتن پیکره‌های بودا و نقاشی‌های دیواری مغاره‌ها، از سده سوم تا هفتم میلادی، محل تجلی یک مرکز مذهبی بودایی بوده است. که می‌توان از نظر بوردیو (Pierre Bourdieu)، جامعه‌شناس فرانسوی که در چارچوب نظری خود تأکید می‌کند، هنر و آیین، ابزار بازتولید نظم اجتماعی‌اند. تداوم نقاشی و ساخت مجسمه‌ها نمایانگر سرمایه نمادین حاکمان محلی و تلاش آنان برای مشروع‌سازی قدرت‌شان در قالب آیین بودایی است.

ساحه باستانی مس عینک در ۳۸ کیلومتری جنوب ولایت کابل و ۱۸ کیلومتری شرق شاهراه کابل لوگر، در ولسوالی محمد آغه ولایت لوگر موقعیت دارد و ارتفاع آن از سطح بحر ۲۴۰۰-۲۶۰۰ متر می‌باشد. سروی ابتدایی در این ساحه برای بار اول در سال ۱۹۶۳ میلادی توسط باستان‌شناسان فرانسوی صورت گرفت. اما متأسفانه در اثر جنگ‌های داخلی تا سال ۲۰۰۵ میلادی این ساحه توسط باستان‌شناسان گاه‌گاهی سروی می‌گردید. (فیضی، ۱۳۹۰، ص. ۹) شروع کار مقدماتی آن از سال ۲۰۰۵ میلادی به این طرف آغاز یافت وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان تصمیم اتخاذ نمود تا با کمک انستیتوت باستان‌شناسی ساحه مورد نظر را مورد حفريات قرار دهد. و حفريات در ساحه مذکور در سال ۲۰۰۹ میلادی آغاز گردید.

این ساحه باستانی نظر به موقعیت توپوگرافی که دارد مانند هر شهر دیگر دارای استحکامات نظامی، رهایشی، مذهبی، قلعه‌ها، برج‌ها و بالاحصار بوده و استحکامات نظامی در قسمت‌های بالای خانه‌های رهایشی در ارتفاعات کمتر و ساختمان‌های مذهبی در سطوح پایینتر از ساختمان‌ها و قلعه‌ها اعمار گردیده است (فیضی، ۱۳۹۰، ص. ۵۹).

بدین منوال می‌توان افزود که تلفیق این دو رشته نشان می‌دهد که مس عینک یک مرکز پویای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بوده است. از یک سو، یافته‌های باستان‌شناختی مانند سکه‌ها و معابد بودایی حاکی از نقش این ساحه به‌عنوان یک گره تجاری و مذهبی در جاده ابریشم است که گروه‌های قومی مختلف را به هم متصل می‌کرد. این تعاملات با نظریه رقابت قومی همخوانی دارد، زیرا گروه‌ها برای کسب قدرت اقتصادی و مذهبی با یکدیگر همکاری یا رقابت می‌کردند. از سوی دیگر، ساختارهای دفاعی و شواهد کارگاه‌های معدنی نشان‌دهنده وجود نابرابری‌های اجتماعی است که با نظریه محرومیت اجتماعی قابل تحلیل است. این تلفیق نشان می‌دهد که مس عینک نه تنها یک سایت معدنی، بلکه فضایی برای تبادلات فرهنگی و شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی پیچیده بوده است.

مس عینک نمونه‌ای برجسته از چگونگی تعامل جوامع باستانی در یک مرکز معدنی و مذهبی است. تلفیق باستان‌شناسی و جامعه‌شناسی نشان می‌دهد که این سایت بستری برای رقابت‌های قومی، نابرابری‌های اجتماعی و تبادلات فرهنگی بوده است. حفاظت از این سایت نیازمند توجه به ارزش‌های تاریخی و اجتماعی آن است.

نتیجه

مطالعه حاضر نشان داد که باستان‌شناسی و جامعه‌شناسی نه تنها دو حوزه مستقل در علوم اجتماعی نیستند، بلکه در سطح نظری و کاربردی، رابطه‌ای تنگاتنگ و هم‌افزا با یکدیگر دارند. باستان‌شناسی با تکیه بر آثار مادی از گذشته، امکان بازسازی ساختارهای فرهنگی، اقتصادی و مذهبی را فراهم می‌سازد؛ در حالی که جامعه‌شناسی با بهره‌گیری از نظریه‌هایی چون کارکردگرایی، تضاد، تعامل‌گرایی

نمادین و تحلیل گفتمان، لایه‌های پنهان روابط اجتماعی، قدرت، نابرابری و هویت را تفسیر و بازنمایی می‌کند. این هم‌گرایی به‌ویژه در دیدگاه‌های نوینی چون باستان‌شناسی اجتماعی (Social Archaeology) به اوج خود می‌رسد؛ جایی که تحلیل اطلاعات باستانی بدون چارچوب‌های جامعه‌شناسی، ناقص تلقی می‌شود.

مطالعه‌ی موردی در ساحات باستانی افغانستان به‌عنوان نمونه عینی، نشان دادند که چگونه یک ساحه باستانی می‌تواند بازتابی از نظام‌های اجتماعی، اقتصادی، قومی و قدرت باشند. شواهد معماری، آیینی و غیر ... در این ساحات باستانی در پیوند با نظریه‌های جامعه‌شناسی، نشان می‌دهد که این ساحات نه‌تنها یک مرکز تولیدی و مذهبی در دوران‌های مختلف تاریخی بوده، بلکه ساختارهای طبقاتی، روابط قومی و رقابت‌های نخبگان نیز در آن نقش ایفا می‌کرده است. افزون بر آن، این تحقیق نشان داد که مفاهیمی چون هویت فرهنگی که در گذشته نادیده گرفته می‌شدند، اکنون با کمک نظریه‌های جامعه‌شناسی در تحلیل اطلاعات باستانی جایگاهی جدی یافته‌اند. همچنین رویکردهایی مانند تحلیل گفتمان فوکویی، به باستان‌شناس اجازه می‌دهد ساختارهای قدرت پنهان را در متون و فضاهای باستانی بازخوانی کند.

در نهایت، مقاله تأکید دارد که آینده باستان‌شناسی به‌ویژه در بسترهایی چون سرزمین افغانستان در گرو پذیرش دیدگاه‌های میان‌رشته‌ای و تلفیق فعالانه مفاهیم جامعه‌شناسی است. چنین تلفیقی نه‌تنها موجب افزایش دقت علمی در تحلیل ساحات تاریخی می‌شود، بلکه ابزاری برای سیاست‌گذاری فرهنگی و حفاظت از میراث‌های در معرض تهدید فراهم می‌آورد. این تحقیق، الگویی ارایه می‌دهد که چگونه علوم اجتماعی می‌توانند در تعامل با یکدیگر، بازسازی واقع‌بینانه‌تری از گذشته‌های خاموش داشته باشند.

مآخذ

۱. بشیر احمد رستاقی. «عصر برنز در افغانستان»، ریاست ارتباط و عامه اکادمی علوم افغانستان، دوره چهارم، شماره مسلسل ۳۸، مطبعه الهام نبی زاده، کابل، ۱۳۹۸.
۲. فیضی، کتاب خان. مس عینک لوگر در پرتو کاوشهای باستان شناسی، مطبعه بهیر، کابل، ۱۳۹۰.
۳. فیضی، کتاب خان. خصوصیات معماری باختر و مقایسه آن با حوزه گندهارا از دوره یونانو-باختری الی کوشانی، اکادمی علوم افغانستان، مطبعه همایون، کابل، ۱۳۹۴ هجری شمسی.
۴. خُدران، الف شاه. روش ها، اصول و مبادی باستان شناسی، انتشارات یوسف زاد، مطبعه کاروان، کابل، ۱۳۹۲.
5. Foucault, M. Discipline and punish: The birth of the prison, Vintage Books, (1977).
6. Giddens, A. Sociology (6th ed.), Polity Press, (2009).
7. Hodder, I. Reading the past: Current approaches to interpretation in archaeology (2nd Ed.). Cambridge University Press, (1991).
8. Hodder, I. Interpreting archaeology: Finding meaning in the past, Routledge, (1995).
9. Johnson, M. Archaeological theory: An introduction, (2nd ed.), Wiley-Blackwell. (2010).
10. Renfrew, C., & Bahn, P. Archaeology: Theories, methods and practice (7th Ed.). Thames & Hudson, (2016).
11. Ritzer, G. Sociological theory (8th Ed.). McGraw-Hill, (2011).

12. Shanks, M., & Tilley, C. Social theory and archaeology, Polity Press, (1987).
13. Tilley, C. Metaphor, and material culture, Blackwell, (1999).
14. Trigger, B. G. A history of archaeological thought (2nd ed.), Cambridge University Press, (2006).
15. Yoffee, N. Myths of the archaic state, Cambridge University Press, (2005).
16. ball, W., & Hammond, N. (Eds.). The Archaeology of Afghanistan: from earliest times to the Timurid period.
(<https://doi.org/10.3366/edinburgh/9780748699179.001.0001>)

تاریخ مراجعه : ۱۴۰۴/۲/۳.

نویسنده: سرور هدایت

مطالعه‌ای ویژگی‌های مهم ساحه باستانی مس عینک و

نقش آن در توسعه صنعت گردشگری افغانستان

Study Importance Features of Mes Aynak Archaeological Site and Its Role In the Development of Afghanistan's Tourism Industry

By: Sarwar Hedayat

Abstract

Mes Aynak archaeological site is one of the most important and valuable archaeological sites in Afghanistan. Recognized as a rich cultural heritage, it not only reflects the deep history and culture of Afghanistan but also possesses significant potential for the development of tourism industry. This article analysis the key features of this archaeological site and its impact on Afghanistan's tourism sector. Initially, the archaeological characteristics of Mes Aynak, including both movable and immovable artifacts, will be analyzed. Then, the cultural and historical significance of this site in terms of

national identity and attracting domestic and foreign tourists will be discussed. Furthermore, the potential revenue from Mes Aynak in the future will be compared to Bamiyan and other countries archaeological sites. Study indicates that, considering the unique features of Mes Aynak, this site can serve as a milestone for development of Afghanistan's tourism industry while simultaneously contributing to the preservation of the country's cultural heritage.

Keywords: Tourism, Global Value, Culture, Economy, and History.

چکیده

ساحه باستانی مس عینک، یکی از مهم‌ترین و با ارزش‌ترین محوطه‌های باستان‌شناسی افغانستان می‌باشد. که به عنوان یک میراث فرهنگی غنی شناخته می‌شود، نه تنها نمایانگر تاریخ و فرهنگ عمیق افغانستان است، بلکه دارای پتانسیل‌های بالایی برای توسعه صنعت گردشگری نیز می‌باشد. مقاله حاضر به بررسی ویژگی‌های مهم این محوطه باستانی و تأثیر آن بر صنعت گردشگری افغانستان می‌پردازد. در ابتدا، ویژگی‌های باستان‌شناسی مس عینک شامل آثار باستانی و مکشوفه منقول و غیر منقول، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. سپس، اهمیت فرهنگی و تاریخی این محوطه در زمینه هویت ملی و جذب گردشگران داخلی و خارجی بررسی می‌شود. علاوه بر این، درآمد احتمالی مس عینک در آینده در مقایسه به ساحات باستانی بامیان و سایر کشورها مقایسه گردیده اند، مطالعه نشان می‌دهد که با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد مس عینک، می‌توان از این محوطه به عنوان یک نقطه عطف برای توسعه صنعت گردشگری افغانستان بهره برد و در عین حال به حفاظت از میراث فرهنگی کشور کمک کرد.

کلید واژه‌ها: گردشگری، ارزش جهانی، فرهنگ، اقتصادی و تاریخ.

مقدمه

افغانستان در سال ۱۳۵۸ ه.ش عضو سازمان جهانی توریسم شد به صورت چشمگیر فعالیت داشت، اما پس از آن به خاطر جنگ ها از فعالیت رسمی بازماند طی چند دهه جنگ آسیب شدیدی به بناهای تاریخی و آثار باستانی افغانستان وارد شد، با وجود این، افغانستان از جمله کشورهایی است که آثار تاریخی فراوانی را در خود جای داده است و از پیشینه تاریخی غنی برخوردار می باشد که می تواند سالانه هزاران جهانگرد را به طرف خود بکشد. بر مبنای پیشبینی های انجام شده اگر به موضوع جهانگردی در افغانستان توجه بیشتری صورت گیرد، این کشور میتواند سالانه چهار تا هفت میلیارد دالر درآمد داشته باشد. با توجه به این که افغانستان به خاطر موقعیت جغرافیایی، داشتن طبیعت زیبا، ابنیه تاریخی و ارزش های فرهنگی از کشورهای مهم منطقه به شمار می رود، گردشگری نیز در آن، رشد قابل توجهی خواهد یافت. افغانستان بطور محدودی با مفهوم نوین جهانگردی آشنایی دارد. بیش از دو دوره کوتاه اشغال نظامی این کشور توسط بریتانیا در قرن نوزدهم، سرحدات افغانستان عموماً تا سال های ۱۹۵۰ به روی خارجی ها مسدود باقی ماند طی سال های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی زمانیکه جوانان بیقرار اروپایی و امریکایی از طریق راه های خشکی از استانبول به کاتمندو عبور کردند، گشایش مختصری صورت گرفت اما بعدها در سال ۱۹۷۸ میلادی کودتای ثور توسط جناح چپ بوقوع پیوست و به دنبال آن سال بعد تهاجم اتحاد شوروی صورت گرفت و دو دهه سپری شد تا افغان ها بتوانند برای تأمین صلح در کشور مجدداً شان امیدوار گردند (ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۱۰)

افغانستان، کشوری با تاریخ و فرهنگ غنی، همواره به عنوان یک مرکز تمدن های باستانی شناخته شده است. در این سرزمین، آثار باستانی و محوطه های تاریخی به وفور یافت می شوند که هر کدام داستانی از دوران های مختلف تاریخ را روایت می کنند. یکی از این ساحات با ارزش، «مس عینک» است که در ولسوالی محمد آغه ولایت لوگر واقع شده و به عنوان یکی از مهم ترین سایت های باستان شناسی در افغانستان شناخته می شود. این محل باستانی و تاریخی جزء قلمرو امپراطوری مختلفی بوده که بقایای از ساختمان ها آثار ناب را از خویش بجا گذاشته اند. از لحاظ تاریخی این شواهد دوره کوشانی به آئین بودایی

و [ساسانی به آئین زردشتی] می‌باشد. آثار باستانی که در مس عینک بجامانده از لحاظ فرهنگی به سبک هنر گندهارا و هلینستیک از طریق راه ابریشم بالای آثار تاثیرگذار بوده که این ساختمان و معبد نمایندگی از فرهنگ مردم این محل می‌نماید (فیضی، ۱۳۹۰: ۲۱۷)

بعد از امضاء قرارداد در سال ۲۰۰۸ میلادی، وزارت معدن پترولیم دولت جمهوری اسلامی افغانستان و کمپنی MCC کشور چین به امضاء رسید. حفريات باستان‌شناسی از سال ۲۰۰۹ الی ۲۰۲۴ میلادی راه اندازی گردید در نتیجه حفريات آثار منقول و غیر منقول مربوط دوره های یونان باختری، کوشانی، ساسانی، ساسانو- کوشانی، کوشانو- ساسانی و یفتلی در مس عینک کشف گردید این مجموعه آثار شامل: مسکوکات، ظروف سفالی، ابزار سنگی، استخوانی، چوبی، مهرها، پاره های فلزی (مس، آهن و سرب)، نسخ خطی، پاره‌ها منسوجات (تکه) و غیره می باشد (هدایت، ۱۴۰۲: ۳۴۱).

مس عینک، به عنوان یک مرکز تجاری و فرهنگی در دوران باستان، نشان‌دهنده تبادلات اقتصادی و فرهنگی بین اقوام مختلف بوده است. کشف آثار باستانی غیر منقول پنج معبد بودایی، آتشکده‌های زردشتی، ساختمان‌های رهایشی، کانال‌ها و سیستم‌های منظم آبرسانی، کارگاه‌های استخراج و کوره‌های ذوب مس، ضراب خانه‌های مسکوکات، تیراکوتاها و مجسمه‌ها، نقاشی‌های دیواری، ستوپه‌ها و ساختارهای معماری و غیره می‌باشد که، نه تنها اطلاعات جدیدی درباره زندگی اجتماعی، اقتصادی و مذهبی ساکنان آن زمان ارائه می‌دهد، بلکه اهمیت تاریخی این مکان را نیز دو برابر می‌کند (هدایت، ۱۴۰۴: ۳)

با توجه به موقعیت جغرافیایی و میراث فرهنگی غنی مس عینک، این محوطه پتانسیل بالایی برای توسعه صنعت گردشگری در افغانستان دارد. گردشگری می‌تواند به عنوان یک ابزار مؤثر برای بازسازی اقتصاد محلی و ایجاد فرصت‌های شغلی عمل کند. اما برای تحقق این هدف، نیاز به برنامه‌ریزی دقیق و مدیریت پایدار منابع فرهنگی و طبیعی وجود دارد. در این مقاله، تلاش خواهیم کرد تا ویژگی‌های منحصر به فرد مس عینک را مورد بررسی قرار دهیم و تأثیر آن را بر صنعت گردشگری افغانستان تحلیل کنیم. همچنین عواید احتمالی که در آینده مس عینک خواهد داشت نیز اشاره داشته باشیم.

مبرمیت تحقیق

اساسی ترین اهمیت تحقیق مطالعه ای ویژگی های مهم ساحه باستانی مس عینک و نقش آن در توسعه صنعت گردشگری افغانستان اند مس عینک، به عنوان یک مرکز تجاری و فرهنگی در دوران باستان، نشان دهنده تبادلات اقتصادی و فرهنگی بین اقوام مختلف بوده است. کشف آثار باستانی در این منطقه، شامل آثار فلزی، سنگی، چوبی، صدفی سفالی و ساختارهای معماری و غیره، می تواند بهترین زمینه را برای گردشگری افغانستان فراهم نماید. مس عینک با داشتن دو ذخیره بزرگ فرهنگی (آثار باستانی) و اقتصادی (معدن مس) در صنعت گردشگری افغانستان نقش به سزای دارد. لذا به اساس چنین اهمیت هایی بود که ضرورت دانستیم در این رابطه تحقیق نمایم.

هدف تحقیق

در این مقاله هدف ما این است که با بررسی دقیق وضعیت فعلی مس عینک، به درک بهتری از نقش آن در توسعه اقتصادی و فرهنگی افغانستان دست یابیم و اهمیت حفاظت از میراث فرهنگی را مورد تأکید قرار دهیم.

روش تحقیق

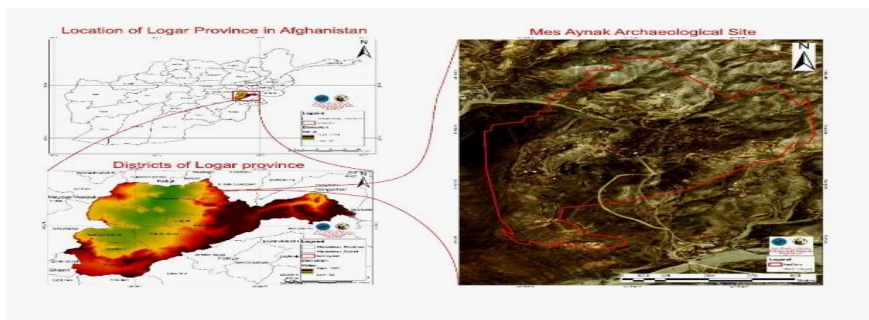
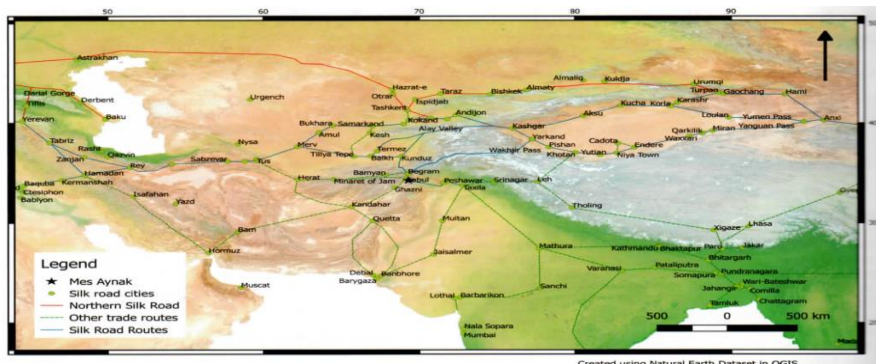
میتود در نظر گرفته شده جهت مطالعه ای ویژگی های مهم ساحه باستانی مس عینک و نقش آن در توسعه صنعت گردشگری افغانستان، در این مقاله با استفاده از روش های مشاهده ای، میدانی، به اساس اشتراک در حفاظت و مدیریت ساحات باستانی مس عینک صورت گرفته است. در رابطه چگونگی حفاظت و پیشنه آثار منقول و غیر منقول مس عینک از روش مطالعه ای کتابخانه ای نیز استفاده به عمل آماده است.

موقعیت جغرافیای ساحه باستانی مس عینک

مس عینک از مشهور ترین ساحات باستانی و معدنی این ولایت لوگر می- باشد (عثمانی، ۱۳۹۳: ۱۳۴)، که در ارتفاع تقریبی ۲۵۰۰ متر از سطح بحر واقع شده است.^۱ (Eley, Marquis & Noori, 2016: p 1). ولایت باستانی لوگر از طرف شمال به ولایت

1. Eley Thomas, Marquis Philippe an Noori nor Agha. (2016).
(Archeometallurgical Evidence at Mes Aynak, Logar Provence, Afghanistan.
Birlin.

کابل از غرب به ولایت میدان وردک از جانب شرق به ولایت ننگرهار و پکتیا و از سمت جنوب به ولایت پکتیا و غزنی محدود است. (برهانی، ۲۰۱۸: ص ۳). مس عینک یکی از ساحات باستانی این ولایت است، که در ۱۸ کیلومتری شرق ولسوالی محمد آغه (عثمانی، ۱۳۹۳: ص ۱۳۵) در ۴۰ کیلومتری جنوب شرق کابل احراز موقعیت نموده است (برهانی، ۲۰۱۸: ص ۳). ولایت لوگر در یک محل کوهستانی بین تپه‌ها قرار داشته معدن مس موجود در این ساحه بهترین معدن مس در جهان است، که در جوار معدن مس ساحات باستانی در حدود ۱۲ کیلو متر گسترده شده است (بندیزو-سرمنتو و رسولی، ۱۳۹۶: ۱۶۲)



شکل ۰۱: نقشه مس عینک در مسیر راه ابریشم (برگرفته از مقاله^۱ ص ۲۶۶)

شکل ۰۲: نقشه موقعیت جغرافیایی مس عینک ولایت لوگر (ترتیب کننده: حسین علی حیدری، ۲۰۲۴ میلادی)

1. Eley Thomas, Marquis Philippe an Noori nor Agha.(2016).
(Archeometallurgical Evidence at Mes Aynak, Logar Provence, Afghanistan.
Birlin.

گردشگری چیست؟

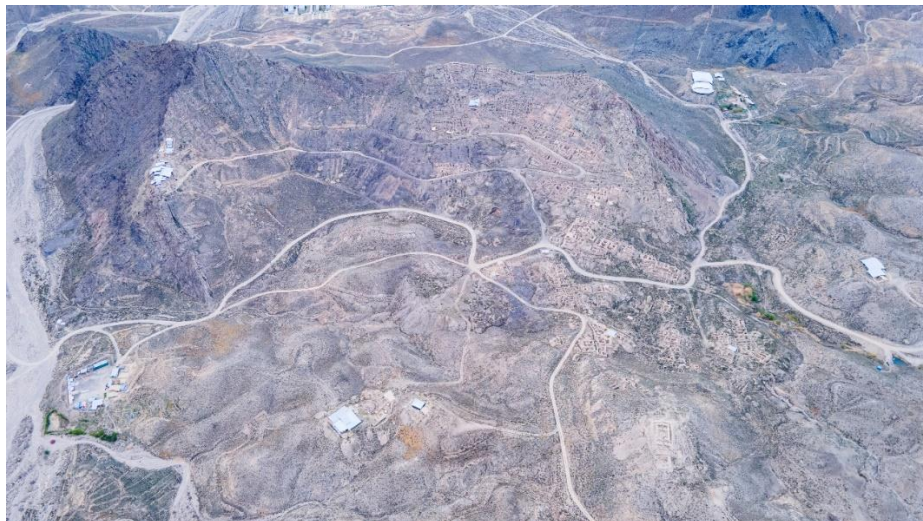
تور واژه است که از ریشه گردشگری یا گردشگری گرفته شده است و در زبان فرانسه دارای معانی مختلف از قبیل حرکت دورانی، طی کردن پیرامون و گردش نمودن آمده است (محمدی، ۱۴۰۳: ۱۹۱). گردشگری در دنیای قدیم منحصر- به امور بازرگانی، زیارت، پیام رسانی، مسافرت های استثنایی جاسوسان و ماجرا جویان و همچنین جویندگان علم بود امروزه یکی از مسائل مهم و موثر اقتصادی و یکی از عوامل برجسته ارتباطی اجتماعی و فرهنگی در حد یک مسئله مهم و جهانی قابل توجه و بررسی است (فاضلی، ۱۴۰۳: ۱۷). در جهان متمدن و آمیخته با مدیریت مدرن امروزی، گردشگری نقش بس مهم و ارزشمندی در رشد و توسعه اقتصادی کشورها دارد. در دنیای امروزی، گردشگری به عنوان منبعی درآمدزا و صنعتی شغل آفرین، از اهمیت و جایگاه ویژه ای در سطح جهان برخوردار شده است. به بیان دیگر، توسعه گردشگری، رشد اقتصادی، افزایش منابع عایداتی و توسعه تعامل انسانی را به دنبال خواهد داشت.

(<http://oralmagazine.org/post?subcat=reports&id=00317>)

اهمیت حفاظت و نگهداری آثار باستانی مس عینک

شناسنامه هر کشوری آثار باستانی و میراث فرهنگی آن است. آثار باستانی است که قدمت، تاریخچه و تمدن هر سرزمینی را مشخص می کند؛ پس حفاظت و حراست از آنها امری ضروری است و نسل های مختلف نیز چون پیشینیان باید از این میراث اجدادی پاسداری کنند. (جهرمی، ۱۴۰۱: ۱). این ساحه یکی از دومین بزرگترین ذخیره معدن مس در جهان می باشد (Filigenzi, 2013: p 42). شواهد باستان شناسی و سکه شناسی نشان می دهد که حدود هزار سال این شهر آباد بوده و یکی از مراکز فرهنگی، صنعتی، اقتصادی و دینی و مذهبی به شمار میرفت. این شهر در زمان آبادی خویش نیز شهره دوران بوده و از نظر زائری و سفر نامه نگاران بدور نمانده است زیرا که زایرین معروف چینیایی چون؛ فاهیان

(۴۰۰) میلادی سونگ یون (۵۱۸) میلادی و شوان زانگ (۶۲۹) میلادی از این شهر دیدن نموده و در یادداشت خویش از آن بنام ناکی-لوهو (Nakie-lo-ho) نام برده‌اند. (برهانی، ۲۰۱۸: ص ۳).



تصویر ۱: نمایی هوایی ساحه باستانی مس عینک (عکاس: عبدالخالق محمدی: سال ۲۰۲۴ میلادی)

عوامل اساسی نگهداری ساحه باستانی

یکی از عوامل سابقه تمدن و هنر می‌باشد که در دنیا مورد علاقه و توجه بسیاری از مردم است، خصوصاً ملت‌هایی که از حیث تمدن و صنعت جلوتر هستند، بیشتر به این نکته دلبستگی دارند، که بدانند و بفهمند که ریشه هر یک از مظاهر زندگی از چه زمان بوده، و در کدام محل نشو و نما یافته است.

عامل دوم، اهمیت آثار باستانی از نظر جنبه معنوی و وارستگی است. که روح بشر- بر اثر گرفتاری‌های مادی تشنه آن است، و روز به روز هم بیشتر نیازمندی خود را به تسکین التهاب و هیجان روحی که بر اثر زندگی سراسر مادی و ماشینی کنونی برای او فراهم گردیده است، احساس می‌کند، و ذوق زیبا شناسی و هم بیشتر به این احساس دامن می‌زند. و از طرف دیگر بناهای تاریخی که در شهرهای مختلف حفظ گردیده‌اند بهترین عامل زینت و زیبایی همان شهر بوده و در حکم قباله و سند تاریخ آنجا محسوب می‌شود هر منطقه و

مطالعه ای ویژگی های مهم ساحه باستانی مس عینک...
کشوری باید پدیده های اجتماعی خاص خود را که در آنها رسوم گذشته باقی مانده است، حفظ نمایند. متأسفانه در خیلی از کشورها رسوم ملی کنار گذاشته شده اند (جهرمی، ۲۰۱۵: ۶).

ویژگی های فرهنگی مس عینک

در مورد ویژگی های فرهنگی مس عینک باید یاد آور شد که دو پوتانسیل مهم اقتصادی و فرهنگی می تواند باعث جذب گردشگری در ساحه مس عینک گردد. به طور نونه به معرفی برخی از آن ها می پردازیم:

مس عینک برای نخستین بار در سال ۱۳۴۲ هـ ش توسط تیم باستان شناسی افغان و فرانسه و سپس در سال ۱۳۸۳ هـ ش از طرف باستان شناسان داخلی مورد سروی قرار گرفته و در فهرست ساحات باستانی افغانستان ثبت گردیده است؛ ریاست باستان شناسی در همکاری با نهادهای ملی و بین المللی؛ از جمله اکادمی علوم افغانستان و هیأت باستان شناسی فرانسه (دافا) کاوش های باستان شناسی را راه اندازی نمود. به ادامه کاوش های باستان شناسی و گسترش دامنه شهر، باستان شناسان از کشورهای مختلف جهان فرا خوانده شد و به حمایت مالی بانک جهانی کاوش های نجات بخش تا سال ۱۳۹۹ ادامه پیدا کرد، که منجر به کشف تعداد زیادی آثار منقول و غیر منقول گردید. کاوش های باستان شناسی در ساحات باستانی مس عینک، طی ۱۱ سال باعث کشف یکی از کانون های بزرگ فرهنگی و مذهبی عهد باستان گردیده است. کشف پنج معبد بودایی، آتشکده های زردشتی، ساختمان های رهاشی، کانال ها و سیستم های منظم آبرسانی، کارگاه های استخراج و کوره های ذوب مس، ضراب خانه های مسکوکات، تیراکوتاها و مجسمه ها، نقاشی های دیواری و ستوپه ها، هنر به تکامل رسیده کلال گری، کشف هزاران ضرب سکه مسی، نقره ای، ضرب طلایی، ظروف نقره ای بی نظیر و نادر زر اندود و صدها اثر به جا مانده ارزشمند دیگر مؤید این مدعا اند. بنابراین، مس عینک یکی از بزرگترین شهرهای صنعتی عهد باستان بوده از نظر باستان شناسی و فرهنگی یکی از ارزشمند ترین کانون های فرهنگی در منطقه و جهان به شمار می رود. (برهانی، ۱۳۹۸: ۲۵۲).



تصاویر ۲-۳: نویسنده در جریان مستند سازی معابد ساحه مس عینک (۰۴۹ و ۰۰۶)

(عکاس: عبداخالق محمدی، سال ۲۰۲۴ میلادی)

اهمیت ثبت میراث جهانی

قبل از اینکه روی معیار های جهانی بپردازیم لازم پنداشته می شود ثبت نمودن میراث فرهنگی در یونسکو چه اهمیتی دارد؟ باید در جواب این سوال گفت: قرار گرفتن یک اثر در فهرست جهانی یونسکو می تواند پیامدهای مطلوبی را داشته باشد. ثبت آثار موجب توجه حفاظت بیشتر آن ها و همچنین جذب گردشگر از داخل و خارج از کشور و تقویت اقتصادی منطقه می شود (مقمیان، ۱۳۹۸: سایت Eghamat).

معیار های جهانی یونسکو

میراث به معنای چیزی است که از گذشته به ارث رسیده است و می تواند به نسل آینده انتقال پیدا کند. در این میان، میراث فرهنگی (ملموس یا ناملموس) بیان مهارت موجودیت انسان ها در گذشته دور، گذشته نزدیک و حال است که از نسل های قبل به نسل کنونی رسیده است. میراث فرهنگی، گویای سنت ها، باروها و دستاوردهای یک کشور و مردمان آن است. همچنین، میراث طبیعی نیز ترکیبی از ویژگی های زمین شناختی و جغرافیایی - فیزیکی است که از نظر زیستگاهی، علمی، حفاظتی و طبیعی دارای ارزش منحصر به فرد جهانی است. البته باید گفت برخی میراث ها، واجد هر دو ویژگی (فرهنگی و طبیعی) هستند. شایان ذکر است اصطلاح «مناظر فرهنگی» یا «چشم اندازهای فرهنگی» نیز در اسناد بین المللی مورد استفاده قرار می گیرد که در واقع اشاره به آثار ترکیبی طبیعت و انسان دارد؛ مانند برخی سکونتگاه ها.

حال باید گفت، «سایت میراث» ناحیه خاصی است که می تواند به اندازه یک منطقه یا چشم انداز، بزرگ یا به اندازه یک بنا، کوچک باشد. در سراسر جهان، سایت های میراث فرهنگی و طبیعی وجود دارند که برای بشریت ارزش منحصر به فرد داشته و در صورت طی فرایند ثبت به آنها «سایت میراث جهانی یونسکو» گفته می شود. قرار گرفتن یک سایت میراثی در این فهرست به ویژه از آن جهت حایز اهمیت است که موجب توجه هر چه بیشتر به اهمیت فوق العاده آن سایت شده و می تواند بسترساز حفاظت بهتر از آن شود. ضمن آنکه با تبلیغ مناسب و رعایت استانداردهای حفاظتی، به جذب گردشگر و تقویت بنیه اقتصادی جوامع محلی و ملی کمک شایان توجهی می کند.

برای آنکه یک میراث دارای چنین موقعیتی شود، باید واجد یک یا چند معیار زیر باشد:

۱. نشان دهنده یک شاهکار از نبوغ و مهارت انسانی باشد.

۲. نشان دهنده تبادل ارزش های بشری در یک بازه زمانی در یک منطقه فرهنگی از لحاظ پیشرفت در معماری یا فناوری، برنامه ریزی شهری یا طراحی چشم انداز باشد.

۳. گواهی بی‌همتا یا دست‌کم استثنایی بر یک سنت فرهنگی یا تمدن زنده یا از میان رفته باشد.

۴. نمونه‌ای برجسته در معماری یا تکنولوژی که مرحله مهمی از تاریخ بشر را نشان دهد.

۵. نمونه برجسته‌ای از تعامل بین انسان و محیط زیست یا نماینده یک فرهنگ باشد.

۶. به‌طور مستقیم یا ملموس مرتبط با رویدادها یا سنت‌های زندگی، افکار و عقاید یا آثار هنری یا ادبی دارای اهمیت عالی جهانی باشد.

۷. پدیده بی‌نظیر طبیعی با زمینه‌های استثنایی و زیباشناسی باشد.

۸. نمونه برجسته از مراحل و تغییرات تاریخ زمین‌شناسی باشد.

۹. نمونه برجسته از فرایندهای زیست‌محیطی و بیولوژیکی در تکامل و توسعه زمینی، اکوسیستم‌های ساحلی و دریایی و جوامع از گیاهان و حیوانات باشد.

۱۰. شامل زیستگاه‌های طبیعی مهم از نظر تنوع زیستی و حاوی گونه‌های در خطر باشد (سایت کمیسیون ملی یونسکو ایران: ۱۳۹۸).

ویژگی‌های ارزش جهانی ساحه مس عینک

ساحه باستانی مس عینک برای اولین بار در دهه ۶۰ قرن ۱۹ میلادی سروی و شناسایی گردید. ولی در سال ۲۰۰۹ حفاریات باستان‌شناسی قانونی در ساحه باستانی مس عینک توسط ریاست باستان‌شناسی افغانستان آغاز گردید. این کاوش‌های باستان‌شناسی بلافاصله وسعت و اهمیت این محل را که توسط بسیاری از محققان داخلی و خارجی اعلام شده واضح کرد. اهمیت و قدامت ساحه باستانی مذکور را در داخل و خارج از افغانستان به عنوان یکی از مهمترین اکتشافات باستان‌شناسی در آسیای میانه در طی چهل دهه اخیر به همگان هویدا ساخت. در حقیقت همانطور که در پاراگراف قبلی بیان شد، این محل تنها شهر معدنی تولید معدن صنعتی در (آسیا و اروپا) و خصوصیات منحصر به فرد

مطالعه ای ویژگی های مهم ساحه باستانی مس عینک...
که می تواند منطقه باستانی مذکور را واجد شرایط برای نامزد شدن به عنوان میراث جهانی میسر ساخته و بسیاری از محققان ملی و بین المللی در گذشته از زمان کشف مجدد مس عینک این احتمال را ذکر کرده اند، اما پیشرفت کاوش ها و میزان معلومات جمع آوری شده (خصوصاً از سال {۲۰۱۶-۲۰۱۹ میلادی} امکان خیلی زیادی را برای قرار گرفتن محل مذکور در فهرست میراث جهانی مهیا میسازد. برای اینکه یک محل در لست میراث های جهانی قرار بگیرد باید محل مذکور دارای ارزش جهانی برجسته داشته باشد و حداقل یکی از ده معیار انتخاب به میراث های جهان را داشته باشد.
محل باستانی مس عینک حد اقل ۳ معیار ذیل را در بر دارد.

۱. حضور و شواهد منحصر به فرد و یا حداقل استثنایی یک سنت فرهنگی یا تمدنی که فعلاً زندگی می کند و یا ناپدید شده است.

۲. باید محل مذکور یک نمونه برجسته ای از نوع ساختمان معماری یا ساحه طبیعی را داشته باشد که نشان دهنده یک یا چندین مرحله مهم در تاریخ بشر باشد.

۳. محل مذکور باید به عنوان نمونه بارز شهرک سنتی مسکونه انسان ها، استفاده از منابع طبیعی، استفاده از دریا، که نمایانگر یک فرهنگ می باشد و یا نمایانگر تعامل انسان با محیط بوده، شناخته باشد، بالخصوص وقتی این خصوصیات و یا فرهنگ بعد از یک تحول غیر قابل برگشت بوجود آمده باشد.
(نوری، ۲۰۱۹:)

علاوه بر این محل باستانی مذکور علیرغم موقعیت مکانی و غارت های که در آن صورت گرفته خصوصاً قبل از فعالیت های دولتی برای تفحص های قانونی باستان شناسی است هنوز هم تمامیت و اصالت خود را حفظ کرده و نجابت آن از روی مواد اولیه، ساختمان ها، تزئینات معماری، و یادگار های ساختمانی آن هنوز بجا مانده است. سرانجام، این محل به لست ملی ساحات باستانی که به سطح ملی نگهداری گردند ثبت گردید (مطابق قانون ۲۰۰۴، حفظ آثار تاریخی و فرهنگی افغانستان) و یک تیم مدیریتی مشترک میراث فرهنگی در تفاهم به وزارت معادن و پترولیم و سایر ادارات ذیربط ساخته شد. کلیه عوامل یاد شده

از قبیل (حفظ و نگهداری عالی، نجات، وضعیت پاک و قانونی، تمامیت وجود تیم مشترک مدیریتی) از عوامل اند که به راهیابی محل مذکور به لیست میراث‌های جهانی می‌افزاید. ثبت در لست میراث جهانی صرف در حالی ممکن است اگر ساحه مذکور در جای اصلی خود حفاظت گردد^۱. (این حالت در استفاده از UNDER/GROUND روش استخراج زیر زمینی ممکن است) و این طریقه در تغیر وضعیت محل مفید خواهد بود.

در حقیقت، نامگذاری به عنوان میراث جهانی به این معنی است که :

۱. قابل دسترسی و بازدید در سطح جهانی هم برای ساحه و هم برای دولت‌های که چنین نامزدی را توصیه می‌کنند، به ویژه هنگامی که این اتفاق در کشوری رخ دهد که تحت تأثیر شرایط ناپایدار درگیری جنگ باشد. در مورد قضیه مس عینک، علت زیاد بازدیدها و مشاهدات مربوط به حالت است که جنجال‌ها و دعوای زیادی بر سر معدنکاری و حفاظت فرهنگی محل مذکور تا فی الحال جریان داشته است. نامگذاری به عنوان میراث جهانی، همراه با یک روش مناسب استخراج معدن برای استخراج مس (زیر زمین) (UNDER / GROUND) باعث می‌شود دیدگاه، تعهد و پیام مثبت کشور افغانستان در قبال محل مذکور و سایر آثار باستانی به جامع بین المللی به شدت افزایش یابد. در واقع، ترکیب نامگذاری حفظ و استخراج نشان دهنده این خواهد بود که چگونه افغانستان توانست تاریخ باستانی خود را حفظ کرده و در پروسه استخراج آن نیز فایز گردید؛ ضمن اینکه از حفاظت محل در آن مرعی گردید.

۲. دید کامل و یا هم دسترسی همه جانبه به معنی علاقه بیشتر از جانب سازمان‌های مربوطه است؛ خصوصاً سازمان‌های بین المللی - منیث یک سهمگیری - این علاقه از طرف نهادهای فوق الذکر به کشور افغانستان به منظور این است که

^۱. نظر به تفاهم که میان وزارت اطلاعات و فرهنگ و کمیته MCC صورت گرفته است استخراج معدن مس به اساس زیر زمینی به توافق گردیده است که نحو استخراج به صورت زیر زمینی زمینه را بر ثبت میراث جهانی مس عینک فراهم می‌نماید با حفظ ساحات باستانی مس عینک در بستر اصلی آن اصالت تاریخی و فرهنگی آن حفظ شده زمینه را برای توسعه و حفاظت پایدار فراهم می‌نماید.

مطالعه ای ویژگی های مهم ساحه باستانی مس عینک...
امارت اسلامی بتواند حفاظت طولانی و انجام تمام امور که در نگهداری محل مذکور موثر باشد را به صورت بهتر انجام دهد.

۳. دسترسی همه جانبه به معنی دستیابی به کمک های مالی جهانی است (نظر به بخش سوم حق دسترسی به معاونت های مالی جهانی که توسط یونسکو برای تمام محل های که در لست میراث های جهانی افزوده شده اند؛ تحریر گردیده است به طور مثال تعدادی زیادی از کارهای صورت گرفته در ترمیم و حفاظت منار جام نظر به همین مسوده از طریق کمک مالی یونسکو تأمین شده اند).

۴. دسترسی به صندوق های بین المللی ad-hoc که برای میراث های در معرض خطر ایجاد شده اند، جایی که وضعیت محل میراث جهانی معیار اولویت برای انتخاب شدن را دارد.

بطور مثال در این اواخر صندوق اضطراری میراث یونسکو (HEF)، که از نظر مالی از تکمیل سروی و مستند سه بعدی برای منار جام حمایت کرده است. اتحاد بین المللی برای حفاظت از میراث در مناطق درگیری (ALIPH)، که اخیراً بودجه تهیه برنامه جامع و با ثبات را به طور مستحکم سازی منار جام تأمین کرده است.

۵. گسترش شبکه اهداکننده گان و یا دونه های بین المللی، نظر به دسترسی همه جانبه در مورد وضعیت میراث جهانی.

به عنوان مثال؛ از ساحات شامل میراث جهانی در افغانستان - مناظر فرهنگی و بقایایی باستانی بامیان - را میتوان نامبرد که تمام فعالیت ها از زمان شامل نمودن آن به عنوان ساحه میراث جهانی در سال ۲۰۰۳ الی اکنون با کمک های مالی اهداکنندگان بین المللی (به ویژه جاپان و ایتالیا) این پروسه جریان دارد.

در نتیجه ساحات باستانی مس عینک در اولویت قرار داده تا در لست میراث های جهانی جا داده شود و ثبت در لست میراث جهانی فقط می تواند با حفاظت ساحات مذکور و با استفاده از تخنیک UNDER/GROUND معدنکاری در ذخیره گاه

های مس می‌توان این زمینه را مساعد ساخت تا محل مذکور در لست جهانی میراث-های فرهنگی قرار بگیرد. در این حالت انتصاب در لست میراث‌های جهانی با توجه به شرایط موجود در افغانستان می‌تواند مؤثریت داشته باشد. چون می‌تواند هم از نگاه قوای بشری و هم از نگاه مالیاتی زمینه‌های خوبی را در افغانستان مهیا سازد (نوری، ۲۰۱۹: ۱۱).

طرح استخراج زیر زمینی مس عینک

نظر به ماده ۱۱ قانون حفظ آثار تاریخی و فرهنگی افغانستان وضاحت داده است که هر گاه ادامه کار پروژه ساختمانی، آثار باستانی یا ساحه آنرا به خطر مواجه سازد الی اتخاذ تدابیر اساسی برای حفاظت آن، کار پروژه معطل می‌گردد (قانون حفظ آثار تاریخی و فرهنگی افغانستان ۱۳۸۳: ماده ۱۱، ۵). بنابراین وزارت اطلاعات و فرهنگ خاطر نشان ساخته است ساحه باستانی مس عینک یادگار مهم از تمدن مردمان گذشته می باشد بناءً حفاظت از آثار باستانی یک امر ضروری پنداشته می‌شود تأکید می نماید.

بعد از نشت های مکرر بین وزارت اطلاعات و فرهنگ و نماینده‌های وزارت معادن و پترولیوم کشور چین کمپنی MCC پلان استخراج خویش از روش Open pit به روش Under ground تغییر شکل داده است. بعد از مدتی کمپنی گزارش را تحت عنوان "گزارش در مورد طرح استخراج زیر زمینی و نتایج تحقیق بر اساس حفظ آثار فرهنگی در مرکز معدن

مس عینک"^۱ به تاریخ اپریل ۲۰۲۴ به نشر رساند. موضوعات مهم این گزارش در مورد استخراج زیر زمینی فشرده آن قرار ذیل می باشد:

در این طرح در مورد حفاظت آثار باستانی که فعلاً در مرکز کوه عینک روی سطح قرار دارد" استخراج زیر زمینی و نتایج تحقیق بر اساس حفظ آثار فرهنگی در مرکز عینک، معدن مس عینک، تدابیر فنی برای تأثیر فعالیت‌های استخراج زیر زمینی بر آثار فرهنگی را توضیح می‌دهد. در عین حال، برای توضیح بیشتر منطقی بودن طرح استخراج مرکز عینک، به

1. MCC_JCL Minerals Company Ltd. Report on under ground Mining Scheme and Research Results Based on Cultural Relics Preservation in Aynak Central of Aynak Copper.

مطالعه ای ویژگی های مهم ساحه باستانی مس عینک...
"گزارش مطالعه چانگشا" چینی (چینائی و طرح استخراج زیرزمینی مرکز مس عینک اشاره می شود تا تحلیل و نمایش طرح استخراج کنونی انجام شود".

بخش اول طرح: برای کاهش تأثیر نشست سطحی و انفجار بر آثار فرهنگی به حداقل ممکن، روش استخراج با برش و پر کردن با ستون های پس مانده که بار انفجاری نسبتاً پایینی دارد عمده تماً مورد استفاده قرار می گیرد، با ستون های ریب، ستون های نوک دار و ستون های آثار فرهنگی؛ توالی استخراج از پایین به بالا است که برای کاهش اختلال و حرکت ساختار توده سنگی بالایی طراحی شده است؛ در مرحله بعدی استخراج، روش انفجار کوچک + روش استخراج غیرانفجاری برای سطح ۲۲۴۵ متر که نزدیک به آثار فرهنگی بالایی است، توصیه می شود.

بخش دوم: نتیجه گیری های گزارش مطالعه چانگشا و طرح استخراج زیرزمینی مرکز آینک، منطقی بودن پارامترهای فنی شامل انتخاب منطقه استخراج اولیه، توالی استخراج، دامنه استخراج، روش استخراج و غیره را نشان می دهد که پایه ای قابل اعتماد برای حفاظت از آثار فرهنگی سطحی و استخراج زیرزمینی ایمن و مؤثر در مرکز عینک فراهم می کند.

بخش سوم: پس از اتمام استخراج بدنه معدنی، مقادیر تغییر شکل سطح شامل منطقه (گروه های) آثار فرهنگی همگی کمتر از مقدار مجاز هستند زمانی که درجه حفاظت ساختمان ها و سازه ها در سطح I در " کد طراحی استخراج فلزات غیرآهنی-GB 50771" (2012) تعیین شده است. ساختمان ها و سازه های اصلی با درجه حفاظت I در کد طراحی برای جلوگیری از استخراج فلزات غیرآهنی شامل آثار فرهنگی و ساختمان های تاریخی است که تحت حفاظت صریح شورای دولتی قرار دارند؛ ایستگاه راه آهن درجه یک، نیروگاه اصلی می باشد (MCC_JCL Minerals Company Ltd, 2024: 39). موضوع طرح استخراج زیر زمینی توسط کشور چین به مرحله نهایی گردیده، این موضوع می تواند زمینه را برای توسعه پایدار فراهم نماید از یک طرف آثار باستانی حفاظت می گردد و از طرف دیگر استخراج مس، مس عینک را از دو زاویه می تواند محراق توجه جهانیان قرار گیرد به مرور زمان در بخش گردشگری افغانستان نقش بسیار زیاد خواهد داشت.

گردشگری فرهنگی مس عینک

مس عینک از لحاظ فرهنگی بسیار غنی می‌باشد، شواهد و مدارک تاریخی نشان می‌دهد؛ این سرزمین همواره مورد توجه بازرگانان، زائرین و کاشفین قرار داشته است. در نخستین قرن‌های هزاره‌ی اول بعد از میلاد، [افغانستان] بخشی از قلمروی امپراتوری کوشانی‌ها با کیش بودایی بوده، مناطق تحت حاکمیت کوشانی‌ها شامل افغانستان امروزی، قسمت‌های زیادی از هندوستان و آسیای مرکزی می‌گردید (لعلی، ۱۳۹۹: ۱۰).^۱ از جای که معلوم است مس عینک نیز یکی از ساحات مهم دوران کوشانی با آئین بودایی در مسیر راه ابریشم از جایگاه ویژه برخوردار بوده اند. طوریکه قدیمترین منابع این ساحه به قرن ششم میلادی بر می‌گردد. زایر چینایی به نام شوان زانگ در حدود ۶۳۰ میلادی از این منطقه به منظور بازدید از مکان‌های مقدس بودایی در هندوستان عبور کرده بود از پنج معبد بزرگ یاد آوری می‌نماید که بعداً به اساس تحقیقات باستان‌شناسی کشف گردید.

ساحات باستانی مس عینک از لحاظ تاریخی ارزش بسیار بالا دارد تحقیقات باستان‌شناسی نشان می‌دهند که این ساحه از دوره‌های بسیار دور اهمیت خاص داشته است. نظر به شواهد سکه‌شناسی از دوره‌های یونانی - باختری^۲، دوم پارتی - هندی، سوم کوشانی^۳، چهارم تقلیدی کوشانی، پنجم ساسانی - کوشانی و کوشانی - ساسانی، ششم ساسانی، هفتم یفتلی. قدیم‌ترین سکه‌ها مربوط شاهان متأخر یونانی - باختری ایوکرآتید، هرمایوس (آخر قرن II قبل از میلاد) و آخرین آن مربوط شاهی یفتلی تگین شاه (۵۹۰ - ۶۲۸ میلادی) می‌باشند (فیضی، ۱۴۰۲: ۴-۱۵).

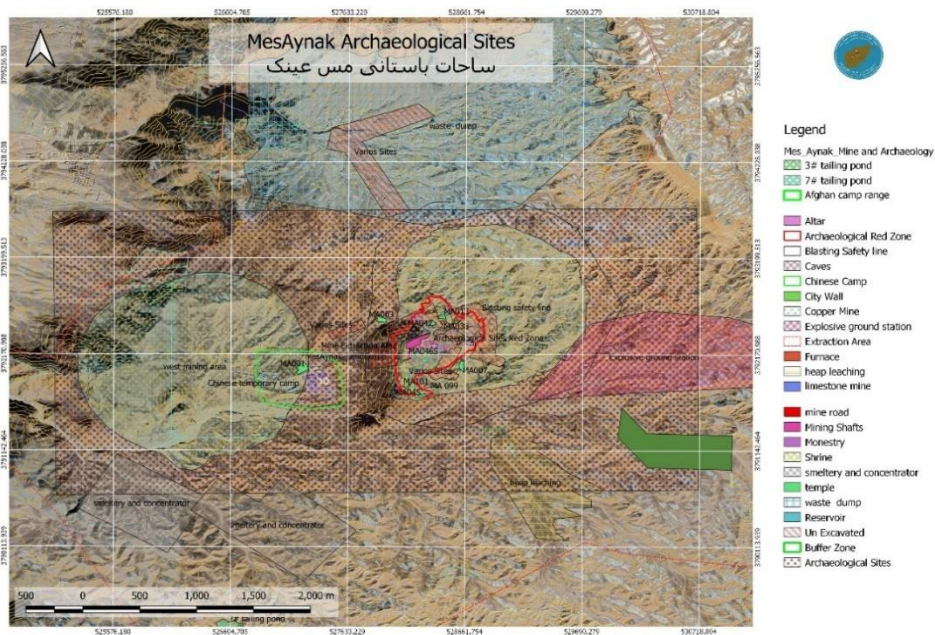
^۱. لعلی، موسی. معروفترین ساحات باستانی بامیان. مجله: جاده ابریشم: ۲۴ عقر ۱۳۹۹. ص ۱۰.

^۲. سکه‌های دوره یونانو-باختری از هرمایوس بین سال‌های ۵۰-۹۰ قبل از میلاد را مربوط می‌شود.

^۳. سکه‌های کوشانی: از جمله شاهان مقتدر کوشانی، کجولاکدیزس بین ۴۰-۷۸ میلادی، ویماتکتویا سوتر میگاس بین سال‌های ۱۱۳-۱۲۷ میلادی، ویم کدیزیس بین سال‌های ۱۱۳-۱۲۷ میلادی، کنشکا بین سال‌های ۱۲۷-۱۵۳ میلادی، واسشکا بین سال‌های ۱۵۳-۱۹۱ میلادی، هویشکا اول بین سال‌های ۱۶۰-۱۹۰ میلادی، هویشکا دوم بین سال‌های ۲۴۱-۲۶۷ میلادی، واسودیوا بین سال‌های ۱۹۱-۲۲۷ میلادی را در بر می‌گیرد (فیضی، مسکوکت مکشوفه مس عینک ۱۴۰۲: ص ۴-۱۵).

مطالعه ای ویژگی های مهم ساحه باستانی مس عینک...

ساحات باستانی مس عینک می توانند به عنوان مقاصد گردشگری آموزشی مورد توجه قرار گیرند. با جذب گردشگران داخلی و خارجی، این ساحات می توانند به منبع درآمد برای جامعه محلی تبدیل شوند و فرصت های شغلی جدیدی ایجاد کنند. همچنین، این نوع گردشگری می تواند آگاهی عمومی را درباره اهمیت حفاظت از میراث فرهنگی افزایش دهد.



شکل ۳: نقشه ساحات باستانی و معادن مس عینک لوگر (تهیه کننده: حسین علی حیدری، ۲۰۱۹ میلادی)

اهمیت فرهنگی (از نظر گردشگری)

ساحه باستانی مس عینک در ولایت لوگر، یکی از مهم ترین و ارزشمندترین میراث های فرهنگی افغانستان به شمار می رود. این سایت تاریخی نه تنها به عنوان یک منبع غنی از تاریخ و فرهنگ کشور شناخته می شود، بلکه به عنوان یک مقصد گردشگری با پتانسیل های فراوان اقتصادی نیز اهمیت دارد. در ادامه به بررسی اهمیت گردشگری این ساحه از لحاظ فرهنگی و اقتصادی می پردازیم.

حفظ هویت ملی: ساحه باستانی مس عینک نمایانگر تاریخ غنی و تمدن‌های گذشته افغانستان است. گردشگری در این منطقه می‌تواند به ترویج آگاهی عمومی درباره تاریخ و فرهنگ کشور کمک کند و حس تعلق به هویت ملی را در میان مردم تقویت نماید.

آموزش و تحقیق: بازدید از این سایت تاریخی فرصتی برای یادگیری در باره هنر، معماری و زندگی اجتماعی مردم گذشته فراهم می‌آورد. محققان، دانشجویان و علاقه‌مندان به تاریخ می‌توانند با مطالعه و بررسی آثار موجود، به درک بهتری از فرهنگ‌های مختلف دست یابند. این امر می‌تواند به توسعه پژوهش‌های علمی و آموزشی در کشور منجر شود.

ترویج فرهنگ گردشگری: گردشگری در ساحه باستانی مس عینک می‌تواند به ترویج فرهنگ گردشگری در افغانستان کمک کند. با معرفی این منطقه به عنوان یک مقصد گردشگری، مردم به بازدید از آثار تاریخی و فرهنگی تشویق می‌شوند و این امر می‌تواند به افزایش آگاهی عمومی درباره اهمیت حفظ میراث فرهنگی منجر شود.

اهمیت اقتصادی

ایجاد فرصت‌های شغلی: گردشگری در ساحه باستانی مس عینک می‌تواند به ایجاد فرصت‌های شغلی برای ساکنان محلی منجر شود. مشاغل مرتبط با صنعت گردشگری مانند راهنمایان گردشگری، فروشندگان سوغاتی و خدمات اقامتی می‌توانند به افزایش درآمد خانوادها کمک کنند.

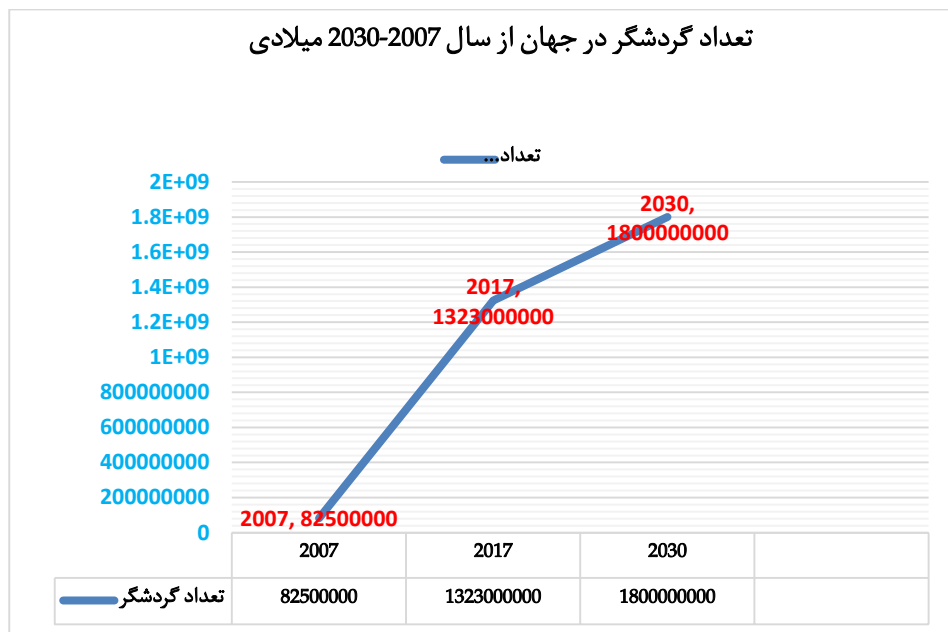
جذب سرمایه‌گذاری: با توسعه گردشگری در این منطقه، احتمال جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی افزایش می‌یابد. سرمایه‌گذاران ممکن است به تأسیس هتل‌ها، رستوران‌ها و مراکز تفریحی در نزدیکی ساحه باستانی علاقه‌مند شوند که این امر به توسعه زیرساخت‌ها و رشد اقتصادی منطقه کمک خواهد کرد.

درآمدزایی برای دولت: گردشگری می‌تواند منبع مهمی برای درآمدزایی دولت باشد. مالیات‌ها و عوارض مربوط به صنعت گردشگری می‌توانند به تأمین منابع مالی برای پروژه‌های توسعه‌ای و حفظ میراث فرهنگی کمک کنند.

مطالعه ای ویژگی های مهم ساحه باستانی مس عینک...
توسعه زیرساخت ها: برای جذب گردشگران، نیاز به توسعه زیرساخت های حمل و نقل، اقامتگاه ها و امکانات رفاهی وجود دارد. این توسعه نه تنها به نفع گردشگران خواهد بود، بلکه کیفیت زندگی ساکنان محلی را نیز بهبود می بخشد (هدایت، ۱۴۰۴: ۱۷۶-۱۸۳).

درآمد اقتصادی احتمالی از طریق گردشگری

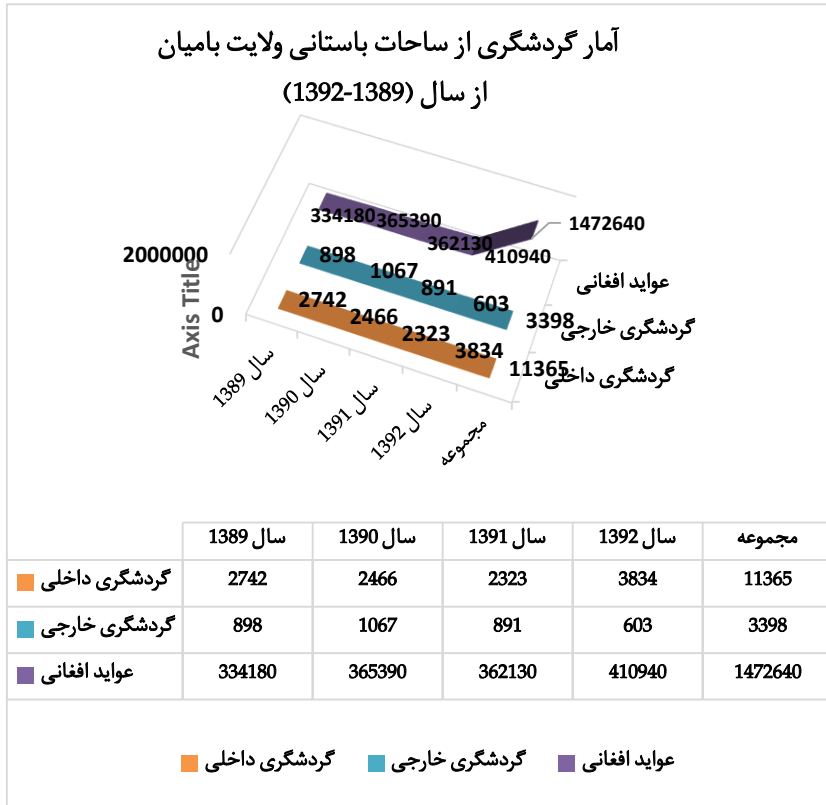
این پراگراف مختصر در رابطه به درآمد اقتصادی احتمالی از طریق گردشگری ساحه باستانی مس عینک ترتیب گردیده است. گردشگری در افغانستان در سال های ۱۹۷۰ به اوج خود بوده و هر روز در حدود ۹۰۰۰۰ سیاحین خارجی از ساحات باستانی و جاذبه های توریستی افغانستان دیدن می نمودند و از مهمان نوازی مردم غیور این سرزمین لطف اندوز می شدند. در حالی حاضر افغانستان بعد از جنگ های چند دهه گذشته افغانستان در دامن خود قصه های جدید و سابقه جای داده است. افغانستان با داشتن تاریخ کهن در منطقه و دارای هزار ها ساحات باستانی و مناطق بی نظیر طبیعی یکی از محلات مهم توریستی می باشد. ساحه باستانی مس عینک که در اطراف شاهراه ابریشم قدیم و نزدیک به پایتخت فعلی یکی از ساحات مهم و برجسته برای سیاحین داخلی و خارجی خواهد بود. اینک دولت تلاش دارد تا سرمایه گزاران ملی و بین المللی را تشویق نماید تا در بخش صنعت گردشگری سرمایه گذاری نماید. از اینکه صنعت گردشگری در جهان روز بروز بطرف انکشاف می باشد، صنعت گردشگری در افغانستان دارای فرصت های زیاد می باشد که برای انکشاف آن زمینه فوق العاده وجود دارد (نوری، ۲۰۱۹: ۱۳).



شکل 4: تعداد گردشگر در جهان از سال ۲۰۰۷-۲۰۳۰ میلادی

(ترتیب کننده: سرور هدایت، ۲۰۲۴ میلادی)

در سال 2016 میلادی با وجود مشکلات امنیتی در کشور در حدود 20,000 سیاحین خارجی از ساحات مختلف کشور دیدن نموده بودند که میلیون ها افغانی عواید به دولت گردید. سالانه در حدود 200,000.00 مردم داخلی به ولایت های مختلف سفر کرده اند و در حدود 1000 شرکت های توریستی و در حدود 120 هتل های مجهز در کشور فعالیت دارد. این ارقام بیشتر خواهد شد در صورتیکه وضعیت امنیتی فعلاً در حالت خوب قرار دارد با در نظر داشت فوق الذکر قابل یادآوری است که:



شکل 5: آمار گردشگری از ساحات باستانی ولایت بامیان از سال (۱۳۸۹-۱۳۹۲)

(ترتیب کننده: سرور هدایت، ۲۰۲۴ میلادی)

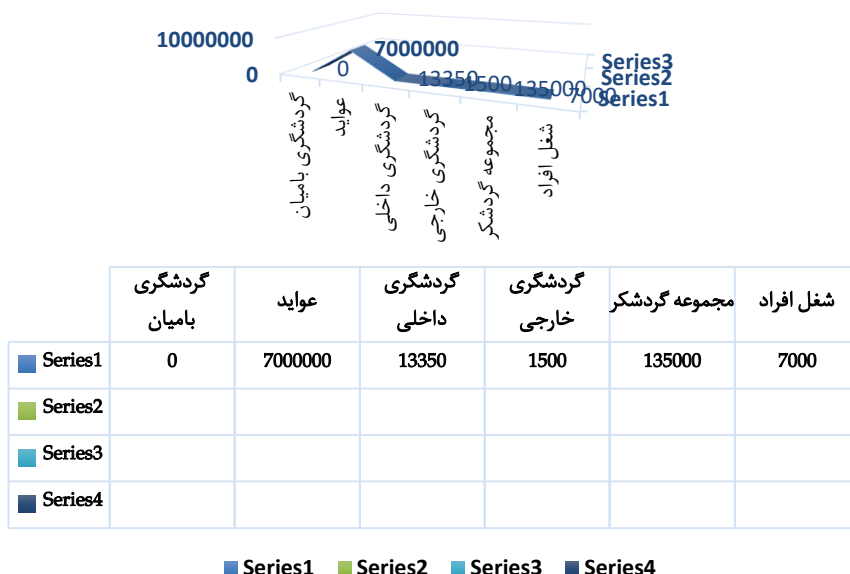
1- درآمد اقتصادی احتمالی که ساحه مس عینک در صورتیکه ساحه در جای خود حفظ گردد از طریق گردشگری بالخصوص گردشگری مذهبی خواهد بود. در این اواخر گردشگری منحیث یک ابزار مهم برای بدست آوردن اهداف انکشاف پایدار (SDGs) شناسایی شده است. گردشگری در سطح جهان فراهم سازی بیشترین شغل به مردم شناخته شده است بلخصوص در بخش پایداری محیط، ریشه کن کردن فقر، مواقع کار و رشد اقتصادی و عامل مصرف تولیدات میباشد.

2- در حالت فعلی افغانستان بنا بر دلایل امنیت خوتر بخش گردشگری رو به انکشاف قرار دارد.

3- در سال 2017 در حدود 200,000.00 نفر سیاحین در سال 2017 از بامیان دیدن نموده اند که در حدود 1.1 میلیون افغانی صرف از ساحه بند امیر دولت جمع آوری کرده اند.

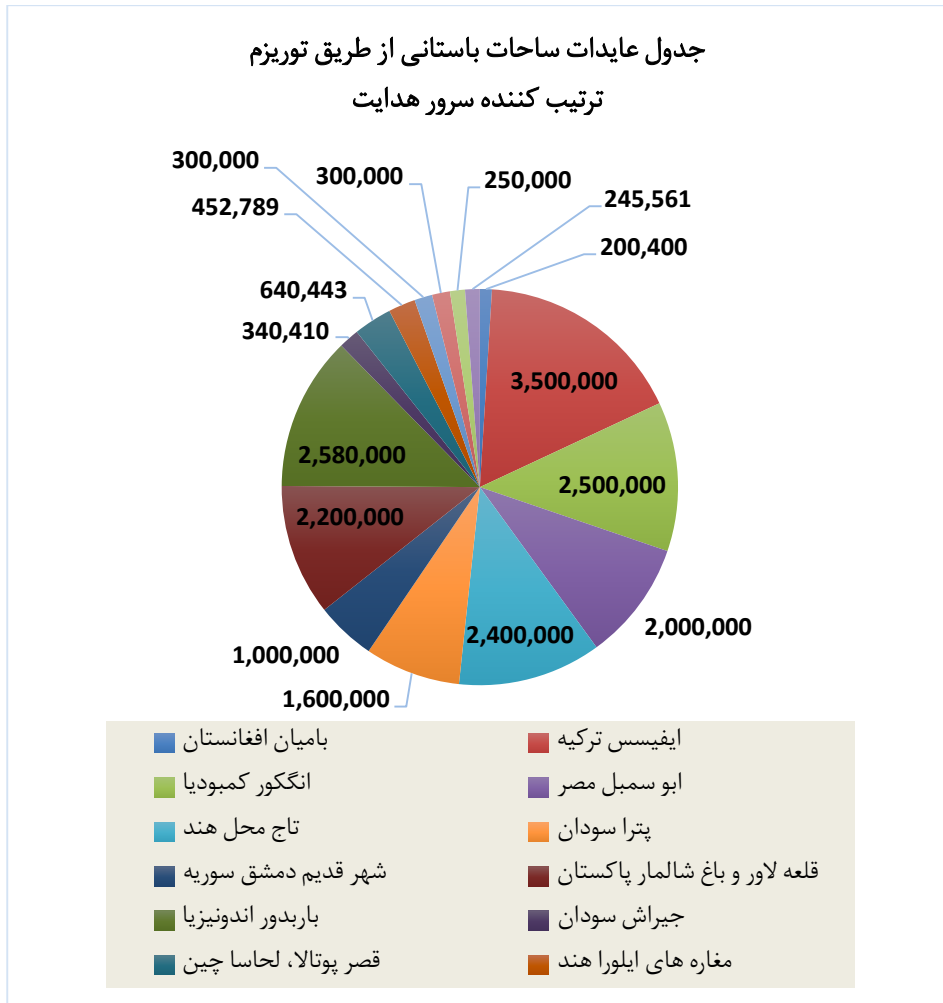
4- در سال 2024 میلادی از ساحه باستانی بامیان به تعداد 13350 گردشگر داخلی، 1500 گردشگر خارجی، مجموعاً به تعداد 135000 گردشگر از ساحات باستانی و گردشگری بامیان بازدید نموده که به تعداد 7000 شغل برای مردم بامیان ایجاد گردیده اند در حدود 7000000 افغانی عواید ملی کشور اضافه نموده است.

آمار گردشگری از ولایت بامیان سال 2024 میلادی



شکل 6: آمار گردشگری از ولایت بامیان سال ۲۰۲۴ میلادی (ترتیب کننده: سرور هدایت، ۲۰۲۴ میلادی)

اگر دیدگاه ما این باشد که اگر ساحه باستانی مس عینک در جای خود در داخل ساحه حفاظت گردد و استخراج مس از طریق روش زیر زمین صورت گیرد ساحه باستانی مس عینک در آینده در قسمت ازدیاد عایدات دولت کمک کرده می تواند.



شکل 7: جدول عایدات ساحات باستانی از طریق گردشگری (ترتیب کننده سرور هدایت، ۲۰۲۴ میلادی)

جدول 1: جدول عایدات ساحات از طریق گردشگری: (برگرفته شده از: طرح حفاظتی مس عینک: ۲۰۱۹: ص ۱۴)

ساحه	کشور	تعداد سیاحین داخلی	تعداد سیاحین خارجی	تعداد مجموعی	عایدات مجموعی (دالر امریکایی/سالانه)
بامیان	افغانستان	200,000	400	200,400	400,800.00
ایفیسس	ترکیه	800,000	2,700,000	3,500,000	572,000,000
انگکور	کمبودیا	400,000	2,100,000	2,500,000	436,000,000
ابو سمبل	مصر	500,000	1,500,000	2,000,000	320,000,000
تاج محل	هند	1,200,000	1,200,000	2,400,000	288,000,000
پترا	سودان	320,000	1,280,000	1,600,000	268,800,000
شهر قدیم دمشق	سوریه	200,000	800,000	1,000,000	168,000,000
قلعه لاور و باغ شالمار	پاکستان	1,990,000	210,000	2,200,000	121,600,000
باروبادور	اندونیزیا	2,468,864	111,136	2,580,000	120,981,760
جیراش	سودان	60,600	279,810	340,410	58,386,000
قصر پوتالا، لحاسا	چین	440,443	200,000	640,443	57,617,720
مغاره های ایلورا	هند	250,000	202,789	452,789	50,557,800
وادی کتمندو	نیپال	80,000	220,000	300,000	47,200,000
شهر باکو	ازربایجان	120,000	180,000	300,000	40,800,000
شهر قدیم ایپو	سوریه	80,000	170,000	250,000	37,200,000
پالمیرا	سوریه	80,000	165,561	245,561	36,312,200

قسمیکه در بالا ذکر کردیم عایدات دقیق از ساحه باستانی مس عینک را پیش بین کرده نه می‌توانیم بدلیل اینکه معلومات ابتدایی بدسترس ما قرار نه دارد و ساحه هنوز به صورت کلی شناسایی نه گردیده است و گردشگری در افغانستان هنوز به شکل اساسی وجود ندارد. معلومات که در بالا ذکر گردیده است چند سال (2010/2009 میلادی) سابقه است بدون بامیان که مربوط به سال 2017 میلادی می‌باشد (نوری، 2019: 15). اما در بامیان

آمار گردشگری سال های آن مختلف می باشد از سال 2017 الی 2024 میلادی در تغییر بوده به گذشت هر سال رو به افزایش بوده است به طور نمونه باید یاد آوری نمایم که بامیان در سال 2024 میلادی مبلغ 7000000 هفت میلیون افغانی عاید گردشگری داشته که بیشترین آن ساحات باستانی و تاریخی بامیان باعث جلب جذب گردشگران داخلی و خارجی گردیده است (هدایت، کنفرانس پوهنتون کابل: 1404). این معلومات اندازه تخمینی عایدات یک ساحه باستانی که دارای ارزش یکسان به ساحه مس عینک می باشد فراهم کرده می تواند. نسبت به بامیان ساحه باستانی مس عینک برای سیاحین داخلی و خارجی جذاب تر می باشد از اینکه این ساحه به پایتخت افغانستان نزدیک است و سیاحین به سادگی از ساحه دیدن می نمایند. به همین اساس ما گفته می توانیم که در حدود یک میلیون دالر امریکایی در حالت فعلی کشور درآمد اقتصادی شده و با گذشت زمان این رقم دو یا سه برابر شده می تواند. ما گفته می توانیم که به فراهم سازی زمینه برای بازدید سیاحین، امنیت ساحه و مدیریت ساحه باستانی مس عینک نقش فوق العاده در بخش رشد اقتصاد کشور انجام می دهد. (نوری، 2019: 15).

نتیجه گیری

ساحه باستانی مس عینک، به عنوان یکی از مهم ترین و بزرگ ترین معادن مس جهان، نه تنها از نظر اقتصادی بلکه از منظر فرهنگی و تاریخی نیز حائز اهمیت است. این منطقه دارای آثار و نشانه هایی از تمدن های قدیم است که نشان دهنده تاریخ غنی افغانستان می باشد. این منطقه شامل بقایای معماری، ابزارهای سنگی و سفالی، و دیگر آثار فرهنگی است که به دوران های مختلف تاریخی تعلق دارند. این ویژگی ها به عنوان منبعی برای پژوهش های باستان شناسی و شناخت بهتر تاریخ منطقه محسوب می شوند آثار منقول شامل اشیاء هنری، سکه ها، و ابزارهای روزمره است که نشان دهنده زندگی اجتماعی و اقتصادی مردم در گذشته می باشد. از سوی دیگر، آثار غیر منقول شامل بناهای تاریخی و ساختمان های بزرگ است که نیاز به حفاظت و نگهداری دارند. این آثار می توانند جذابیت خاصی برای گردشگران ایجاد کنند و به عنوان جاذبه های گردشگری فرهنگی شناخته شوند. معدن مس عینک به عنوان دومین معدن بزرگ مس در جهان،

پتانسیل بالایی برای توسعه اقتصادی افغانستان دارد. استخراج این معدن می‌تواند درآمدزایی قابل توجهی را برای کشور به ارمغان آورد و به بهبود زیرساخت‌ها و خدمات عمومی کمک کند. این امر همچنین می‌تواند زمینه‌ساز توسعه گردشگری در منطقه باشد.

توسعه صنعت گردشگری فرهنگی در ساحه باستانی مس عینک می‌تواند به جذب گردشگران داخلی و خارجی کمک کند. با توجه به غنای فرهنگی و تاریخی این منطقه، برگزاری نمایشگاه‌ها، جشنواره‌ها، و گردشگری فرهنگی می‌تواند به ترویج آگاهی عمومی و جذب سرمایه‌گذاری در بخش گردشگری کمک کند. با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد ساحه باستانی مس عینک، انتظار می‌رود که توسعه گردشگری در این منطقه منجر به افزایش درآمدهای ملی شود. ایجاد زیرساخت‌های لازم، مانند هتل‌ها، رستوران‌ها، و مراکز تفریحی، می‌تواند به رونق اقتصادی منطقه کمک کند و فرصت‌های شغلی جدیدی ایجاد نماید. مقایسه مس عینک با ولایت بامیان نشان‌دهنده این است که هر دو منطقه دارای آثار تاریخی و فرهنگی غنی هستند. بامیان با وجود آثار بودایی و زردشتی خود، به عنوان یک مقصد گردشگری شناخته می‌شود. اما مس عینک با پتانسیل بالای معدنی خود می‌تواند ترکیبی از گردشگری فرهنگی و اقتصادی را ارائه دهد.

با حفظ آثار فرهنگی و ترویج گردشگری، این منطقه می‌تواند به یک مقصد جذاب برای گردشگران تبدیل شود و درآمدزایی قابل توجهی را برای کشور به ارمغان آورد. در نهایت، توجه به این ویژگی‌ها و برنامه‌ریزی دقیق برای حفاظت از میراث فرهنگی می‌تواند آینده‌ای روشن برای صنعت گردشگری افغانستان رقم زند.

مآخذ

1. ابراهیمی، مهدی. (1394). برنامه ریزی راهبردی توسعه گردشگری شهر بامیان. پایان نامه درجه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران، دانشکده جغرافیا، گروه جغرافیای انسانی، رشته برنامه ریزی گردشگری.
2. برهانی، سید حسین. مس عینک در پرتو منابع تاریخی و کاوش های باستانشناسی. کابل: ۱۳۹۸.
3. جهرمی، زینب مقدسی. (2015). اهمیت و چگونگی حفاظت و نگهداری از آثار باستانی و ابنیه تاریخی. انتشارات: کنفرانس پژوهش های معماری و شهر سازی اسلامی و تاریخی ایران.
4. خولیو بندیزو-سرمنتو و رسولی محمد نادر (۱۳۹۸). باستان شناسی افغانستان از ماقبل التاریخ تا اوایل دوره اسلامی. انتشارات دافا. افغانستان.
5. عثمانی، عصمت الله، باستان شناسی عمومی افغانستان، کابل انتشارات، لاجورد، کارته سخی ۱۳۹۳.
6. فاضلی، باقر. (1403). نقش آبدات تاریخی بامیان در توسعه سنت گردشگری بامیان. انتشارات: گاهنامه فرهنگ (فرهنگی-پژوهشی) دور چهارم، سال بیستم شماره سی و دوم.
7. فیضی، کتاب خان. (۱۳۹۰). مس عینک در پرتو کاوش های باستان-شناسی. انتشارات: ریاست نشرات اکادمی علوم افغانستان. کابل افغانستان. مطبعه بهیر.
8. فیضی، کتاب خان. (۱۴۰۲). مسکوکات مکشوفه مس عینک بیانگر حاکمیت کوشانی در جنوب هندوکش. انتشارات تحقیقات کوشانی، اکادمی علوم، کابل، افغانستان.
9. قانون حفظ آثار تاریخی و فرهنگی افغانستان. (۱۳۸۳).

10. کمیسیون ملی یونسکو ایران. (۱۳۹۸) چگونگی ثبت جهانی میراث فرهنگی.

۱۱. لعلی، موسی. معروفترین ساحات باستانی بامیان. مجله: جاده ابریشم: ۲۴ عقرب ۱۳۹۹.

12. محمدی، حافظ مولوی سیف الرحمن. (1403) نقش میراث‌های فرهنگی بامیان در توسعه گردشگری. انتشارات: گاهنامه فرهنگ (فرهنگی-پژوهشی) دور چهارم، سال بیستم شماره سی و دوم.

13. مقمیان، فاطمه قائم. (۱۳۹۸). معیارهای ثبت در فهرست میراث جهانی یونسکو. انشار: سایت Eghamat24.com.

14. نوری، نور آغا. (2019). طرح حفاظت و مدیریت آثار ساحه باستانی مس عینک. طرح نشر نشده: برگرفته آرشیف ریاست باستانشناسی

15. هدایت، سرور. (1404) کنفرانس اهمیت ساحات باستانی و تاریخی نقش آن در آینده گردشگری افغانستان. پوهنتون کابل: ارائه شده تحت نظر پوهنوال مجتبی عارفی در برنامه ماستری افغانستان‌شناسی.

16. هدایت، سرور. (1404). اهمیت فرهنگی مس عینک و نقش آن در آینده افغانستان. پایان نامه دوره ماستری، ماستری افغانستان‌شناسی. پوهنتون کابل. تأیید شده توسط استاد راهنما: پوهنوال مجتبی عارفی.

17. Eley Thomas, Marquis Philippe a Noori nor Agha. (2016). (Archeometallurgical Evidence at Mes Aynak, Logar Provence, Afghanistan. Birlin.

18. Filigenzi, Anna. (2013). Recent Archaeological Works in Afghanistan preliminary studies Mes Aynak Excavations and other field works. Ministry of Information and Culture of the Islamic Republic of Afghanistan.

19. MCC_JCL Minerals Company Ltd (۲۰۲۴) Report on Underground Mining Scheme and Research Results Based on Cultural Relics Preservation in Aynak Central of Aynak Copper.

نویسنده: جاوید محسن زاده

گزارش کاوش های ساحه باستانی قول سرخ توت Report on the excavations of the ancient site of Qule Sorkh Tut

By: Javid Muhsinzadah

مقدمه

کشور ما افغانستان در منطقه خاور میانه قرار گرفته و کانون تحولات مهمی در تاریخ انسان بوده و یکی از کهن ترین مناطق تمدن و فرهنگ بشری است، افغانستان از روزگاران پیش از تاریخ همواره محل سکونت و تحرک جوامع انسانی بوده و تغییرات و تحولات بی شماری را شاهد بوده است. باستان شناسی یکی از رشته هایی است که به تدریج از اواخر قرن هجدهم به بعد به عنوان یک رشته دانشگاهی به جهان عرضه شد، این بدین معناست که از این دوران به بعد جمع اوری اشیا تنها به منظور ذخیره ارزشها و یا ارضای جاه طلبی صورت نگرفت و ایجاد بایگانها و موزه ها حقیقتا سبب پیشرفت در رشته های متعدد گردیده است.

به معنای وسیع کلمه ، باستان شناسی بررسی فرهنگ بشر در زمان های تاریخی و پیش از تاریخ با بررسی بقایای مواد سکونتگاه های اولیه بشر است . این اثار باقی مانده

ممکن است از فسیل‌های انسانی یا گیاهی گرفته تا آثار باستانی کشف شده یا ویرانه‌های یک ساختمان قدیمی باشد. باستان‌شناسی ی فرایند دقیق است که شامل یک مطالعه دقیق پیمایش در یک منطقه خاص برای مشخص کردن مکان‌هایی با سکونتگاه‌های احتمالی انسانی در گذشته است. سپس این مکان یا سایت برای بازیابی بقایایی مواد حفاری می‌شود. "ماده از زیر خاک برآمده" پس از طبقه‌بندی، برای بازسازی وقایع تاریخی در معرض تحلیل و تفسیر مناسب قرار می‌گیرد.

باستان‌شناسی به ما کمک می‌کند که به زمان‌های گذشته سفر کنیم تا اطلاعات ارزشمندی در مورد سکونتگاه‌های انسانی که قرن‌ها پیش وجود داشته‌اند، به دست آوریم. باستان‌شناسی، تاریخ فرهنگ کشورهای مختلف را روشن میکند و به سولات مختلفی درباره سبک زندگی افرادی که در آن بخش از جهان تحت بررسی باستان‌شناسی، زندگی میکردند، پاسخ خواهند داد.

مهم‌ترین یا به عبارتی دیگر، واقعی‌ترین لحظه یک کاوش از دو جهت اهمیت بسیاری دارد:

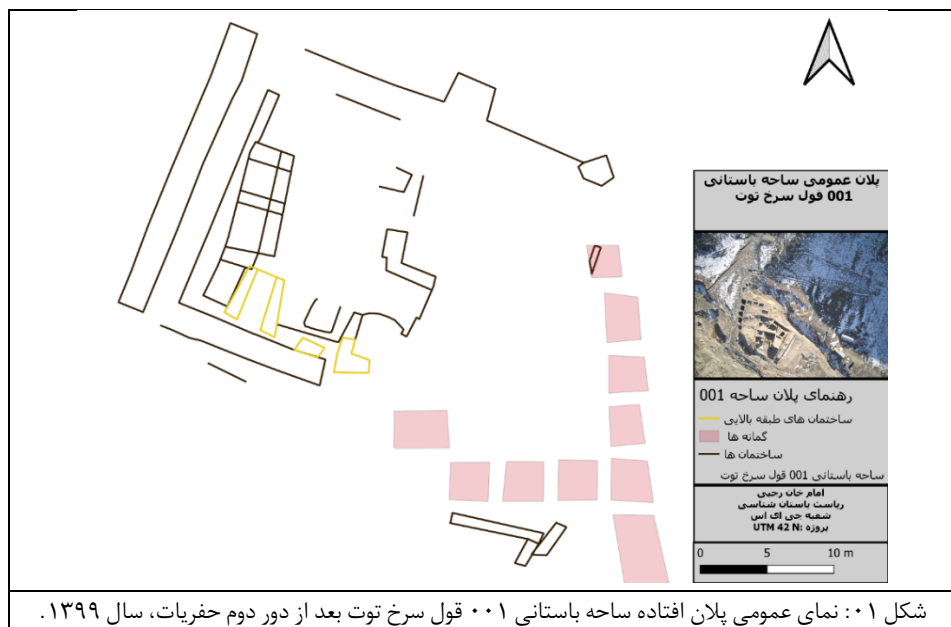
نخست آنکه حفار (کاوشگر) بتواند هر چه بیشتر و دقیق‌تر مدارک و شواهد موجود در آثار، و هر آنچه که با آنها در ارتباط است، مشاهده نماید.

دوم اینکه کاوشگر توانایی درک اثرات نامطلوب و غیر قابل کنترل شرایط اقلیمی آثار بدست آمده را که از جهات شیمیایی و فنی ناپایدارند، داشته باشد.

این دو اصل اساسی، یعنی درک شواهد و قرائن، مربوط به باستان‌شناسی و کنترل شرایط محیطی، جوهر اصلی مراحل مختلف یک حفاری اصولی و علمی است. بی‌توجهی به هر کدام از آنها می‌تواند در نهایت منجر به تخریب، که اغلب از وجوه خاص هر حفاریست، بشود.

در یک تعریف کلی باید گفت باستان‌شناسی علمی است که با بکارگیری روش‌های مختلف و دانش‌های دیگر، در مورد گذشته انسان‌ها و انسان‌های گذشته مطالعه و تحقیق می‌کند.

گزارش کاوش های ساحه باستانی قول سرخ توت



معرفی کارمندان موظف در پروژه حفريات ساحات باستانی قول سرخ توت سال ۱۳۹۹.

ردیف	اعضای تیم حفاری	مسولیت ها	تاریخ	ساحه تحت حفريات
۱	امام خان رجبی	حفاری ساحه باستانی ۰۰۱ قول سرخ توت.	۱۳۹۸-۱۳۹۹	ساحات باستانی ۰۰۱ و ۰۰۳ قول سرخ توت.
۲	عزیز گل احساس	حفاری ساحه باستانی ۰۰۳ قول سرخ توت.	۱۳۹۹	ساحه باستانی ۰۰۳ قول سرخ توت.
۳	زهرا امیری	دیجیتایز نمودن اسناد ساحات تحت حفريات.	۱۳۹۸-۱۳۹۹	ساحات باستانی ۰۰۳ و ۰۰۱ قول سرخ توت.
۴	آرزو انصاری	تحلیل آثار سفالی و رسامی، عکاسی و خانه پری اسناد ساحات تحت حفريات.	۱۳۹۸-۱۳۹۹	ساحه باستانی ۰۰۱ قول سرخ توت.
۵	شکیبا عبدالزاده	تحلیل آثار سفالی و رسامی، عکاسی و خانه پری اسناد ساحات تحت حفريات.	۱۳۹۸-۱۳۹۹	ساحه باستانی ۰۰۳ قول سرخ توت.
۶	جاوید محسن زاده	نظارت و ارائه مشوره به باستان شناسان در ساحه اسناد سازی، رسامی و ترتیب گزارش های مختلف روزانه، ماهوار و سالانه.	۱۳۹۹	ساحات باستانی ۰۰۱ و ۰۰۳ قول سرخ توت.

شکل ۰۱: جدول کارمندان موظف در پروژه حفريات ساحات باستانی قول سرخ توت، کابل.

کابل قدیم (کابل بودایی)

کابل به حیث یک وادی، شهر و پایتخت تاریخ طولانی دارد. در طول زمان این ولایت دوره‌های تاریخی متعددی را پیموده که از آن جمله یکی هم دوره‌ی کوشانی‌ها می‌باشد که از آن دوره بقایای معابد بودایی شیوه کی، ساکا (سهاک) کمری، چکری، گلدره حتی بقایای معابد بودایی تپه مرنجان، پنجه شاه، خواجه صفا، خواجه روشنایی، تپه خزانه (فراز قلعه هزاره‌های چنداول) تپه سلام و دامنه‌های سخی و علی آباد باقیمانده است، در تمام این ساحات درپوزه‌های کوه‌ها و تپه‌ها معابد و استوپه‌های بودایی و بتکده‌های شیوایی هندویی و معابد آفتاب پرستی برهمنی وجود داشت. بنابر این کابل بودایی نه در جایی که کابل فعلی افتاده بلکه در ۷-۸ کیلومتری جنوب شرق آن در دامنه‌های کمری و چکری افتاده بود و تسمیه خورد کابل نشان می‌دهد که کابل بودایی و هندویی کنار رود لوگرافتاده نه در کنار رود خانه موجوده کابل، چون تاج پوشی برهمن شاه‌های کابل در یکی از معابد کابل صورت می‌گرفت این معبد هم غالباً در حوزه رود لوگر وقوع داشت و احتمال دارد که یعقوب لیث صفاری هم از این معبد معروف بت‌های را گرفته و به بغداد فرستاده باشد. (کهزاد ۱۳۹۵، ص ۴۶۴-۴۶۳).

شاهنشاهی کوشانی در روزگار کنشکا شاید به اوج قدرت خود رسیده و در دنیای آنروز گاران یک ابر قدرت به حساب می‌رفت و یکی از این محلات می‌تواند کابل باشد (روزنفیلد ۱۳۸۵، ص ۶۳)

شهر کابل خاستگاه تاریخی آن همان (چکری، شیوه کی و بت خاک) و عمدتاً مناطق مسکونی جنوب شرق کابل می‌باشد. موجودیت کانون‌های فراوان باستانی کابل در کوتل خیر خانه، تپه مرنجان، تپه سلام، بالا حصار کابل، پنجه شاه، دامنه کوه برنتی، کول چمن حضوری و غیره شاهد تکاپوی کاروان هستی در جهت ایجاد آفرینش فرهنگی می‌باشد. که بازیافت‌های باستانی مرزهای تاریخی این دیار را به زمانه‌های قبل از میلاد و عروج ادیان زردشتی، بودایی، شیوایی، برهمنی، نصرانی و هندو شاهی گسترش می‌دهند... (مرادی ۱۳۸۲، ص ۰۶-۰۷).

تاریخچه سروی و کاوش ها در ساحه باستانی قول سرخ توت

در ساحات باستانی شیوه کی برای نخستین بار در عصر سلطنت شاه امان الله خان در سال ۱۹۲۲ میلادی باستان شناسان افغانستان و فرانسه (دافا) سروی، حفريات و کاوشهای باستان شناسی در شهرک شیوکی پرداختند که در اثر این حفريات به استوپه های مدور برخوردند که حاوی مقداری زیادی سکه های مسی، کوزه های سفالی و همچنان مجسمه های گلی بوده است. این مجسمه ها تبلور نماد عظمت هنر هیکل تراشی مکتب گندهارا بوده است.

قول سرخ توت از جمله ساحات باستانی است که مربوط به قریه میاخیل شیوه کی ولسوالی بگرامی ولایت کابل می شود. ساحه متذکره برای بار دوم در ماه ثور سال ۱۳۹۵ هـ ش توسط هیات ریاست باستان شناسی افغانستان هریک عبدالقدیر تیموری، روح الله احمدزی و عبدالله نوراحمدی سروی گردیده و همچنان برای بار سوم ساحات باستانی شیوکی در ماه ثور ۱۳۹۸ هـ ش توسط هیات ریاست باستان شناسی افغانستان هریک محترم نور آغا نوری، روح الله احمدزی و خیر محمد خیر زاده چندین محل سروی و برای کاوش ها تثبیت گردید. و بالاخره بر حسب بعضی دلایل و ضروریات ریاست باستان شناسی افغانستان مصمم بر این شد که در ساحه باستانی قول سرخ توت از جانب این ریاست حفريات را در این محل آغاز نماید. بالاخره در ماه عقرب سال ۱۳۹۸ برای بار نخست و در برج میزان سال ۱۳۹۹ برای بار دوم توسط جاوید محسن زاده، عزیز گل احساس، شکبیا عبدالزاده، زهرا امیری، آرزو انصاری و امام خان رجبی رسماً در دو نقطه آغاز گردید که گزارش مفصل این دوره حفريات در بخش های بعدی به شما ارائه خواهد گردید.

موقعیت و معرفی ساحات باستانی قول سرخ توت

ساحات باستانی قول سرخ توت که شامل چندین نقطه می شود در قریه میاخیل، به فاصله ۶ کیلومتری ولسوالی بگرامی ولایت کابل، و در ۱۲ کیلومتری جنوب شرق شهر کابل در دامنه شمال غرب کوه شاخ برنتی بالای پوزه های کوه ها و بین دره (قول) قرار داشته؛ سمت جنوب آن محاط به کوه شاخ برنتی، غرب تپه غیبی بابا و قریه سهاک و به سمت شمال آن قریه میاخیل و به سمت شرق یخ دره و سنجدره موقعیت دارد. ساحه متذکره در ۳۴ درجه ۲۶ دقیقه و ۳۴٫۶۹ ثانیه طول البلد شمالی و ۶۹ درجه ۱۳ دقیقه و

۵۲,۹۱ ثانیه عرض البلد شرقی قرار داشته و ۱۹۲۹ متر از سطح بحر ارتفاع دارد. تاکنون در اینجا سه ساحه مورد کاوش قرار گرفته در صورت که حفاری در اینجا ادامه پیدا کند به تعداد محلات و وسعت این ساحات افزود خواهند شد.

وجه تسمیه شیوه کی

شیوه کی یکی از ساحات مهم بودایی کابل قدیم می باشد که در ۷-۸ کیلو متری جنوب شرق شهر کابل در دامنه های کوه شاخ برنتی موقعیت دارد که شامل شیوکی، کمری، سه توپان، سهاک (ساک) و بگرامی می باشد. واژه (شیوه کی) به معنی شیوا یعنی خدای مرگ که همسرش (دورگا) یک زن مقدس شمرده می شود و این شهر در آن زمان نیز نزد شان مقام مقدسی را احراز نموده بود. البته تاج پوشی شان در یکی از معابد که شیوا نیز در آنجا مورد احترام قرار می گرفت انجام می دادند. پس به این دلیل گفته می توانیم که معبدی شیوایی در اطراف کابل قدیم وجود داشته و احتمال می رود که این بتکده یا معبد شیوه کی نشانی از آن دوران بوده باشد. ایین برهمنی در آن دخیل بوده و از جانب دیگر باید گفت، چون ادیان کابلی یعنی برهمن شاهان شیوایی همیشه در کابل مراسم تاج پوشی را انجام می دادند به همین منظور ایین برهمنی را نمی توان از معابد شیوایی جنوب شرق کابل جدا تصور نمود.

وجه تسمیه قول سرخ توت

نظر به موقعیت جغرافیایی ساحه متذکره که بین دره (قول) قرار دارد و مردم محل هدف شان از دره همان (قول) است و واژه سرخ توت نظریه نوعیت توت سرخ که به وفرت در این محل وجود دارد از این نام استفاده شده است. از این جهت این ساحه بنام قول سرخ توت مسمی است.

آئین شیوایی و خاستگاه آن

سکه ها و سنگ نبشته های که شواهد از ستایش شیوا بدست می دهد اغلب به دوره کوشانی ها (قرن اول تا دوم میلادی) و مهم تر از همه به دوره گوپتاها ۳۰۰-۵۵۰ میلادی مربوط اند. از حدود قرن هفتم میلادی شیواپرستی به جریان دینی غالب در جنوب هند تبدیل شد و تا حدی زیادی جانشین دین جایی و بودایی شد. هرچند شیوا بیشتر

بوسیله گاو ناندی و نشان اندام تناسلی مردانه و زنانه نیز نشان داده میشود (مجتبایی، الیاسی ۱۳۸۷، ص ۱۲۴-۱۲۷).

آئین شیوایی شامل سه مکتب بزرگ فلسفی شیوایی می شود.

۱- مکتب پرتیه بهیجنا Partyabhijana در کشمیر ظاهر شد.

۲- مکتب شایوه سید هانتا Saiva Sidhanta در جنوب هند.

۳- مکتب ویره شایوه Vira Saiva می شود و بضی شعبات کوچک دیگر نیز است... که در اینجا لازم به ذکر آن نیست (همان اثر ص ۱۴۳-۱۴۴).

در این آئین قربانی انسانی انجام می داد و جام های پر از شراب نثار شیوا می کردند، شراب را اول در کاسه سر مرده می ریختند و می نوشیدند. پیروان این کش پیکر خود را در خاکستر می آغشتند و با باده گساری تن می دادند... دربخش های دیگری این آئین تمام اهتمام خود را مصروف کشف حقیقت ذاتی شیوا می کردند و سعی می کند طریقی را که بموجب آن وصول به ذات شیوا تحقق می پذیرد بنمایاند. ارباب النوع یعنی شیوا فقط علت فاعلی جهان است و نه علت مادی آن، او با آنکه منزله از جسم و ذات است. آزادی و نجات را از راه مراسم عبادی و طریق تزکیه نفس و آداب (یوگا) و پاره ای از مراسم بخصوص دیگر همچو آغشتن جسم به خاکستر و قرائت اوراد اسرار آمیز و سحر انگیز تحقق می یابد. یکی از خصایص دیگری این کش پرستش آلت تناسلی است که تمثیل نیروی آفرینش (شیوا) است. آداب و فنون ریاضت این طریقه شبهه به یوگا است و همچنان خصوصیات دیگری مالکین این مسلک اینست که آنها باید طرز رفتار غیری عادی و دیوانه واری برگزینند و خود را به جنون و دیوانگی بزنند تا مردم آنها را نکوهش و ملامت کنند و این سر افکندگی باعث می شود که غرور سالکین در هم شکنند و نفس سرکش آنها آرام گیرند. (غزنوی ۱۳۸۹، ص ۱۴۷-۱۴۸)

درباره خاستگاه آئین شیوایی باید یاد آور شد که بحث در باره خاستگاه شیوا پرستی به طور سنتی با بررسی مهر های از پوشپتی Pasopati نخستین، که مربوط به تمدن کهن پیش از آریایی دره سند پاکستان می شود آغاز می گردد. و در برجسته ترین این مهر ها موجودی شبه انسانی با اندام تناسلی مشخص مشاهده می شود... (مجتبایی، الیاسی، ص ۱۲۴-۱۲۷)

ارزیابی خسارات موجوده در ساحه باستانی قول سرخ توت قبل از حفريات

اگر بصورت دقیق تر این ساحه را مورد ارزیابی قرار بدهیم، نظریه شواهد که در ساحه وجود دارد طی سالهای گذشته این ساحه از تخریبات طبیعی و انسانی در امان نبوده است. یک بخش بزرگ این ساحه توسط قاچاقبران به شکل غیر قانونی کندن کاری شده و به هر اندازه آثار منقول که پیدا کرده باخود برده اند. و یک بخش دیگر آن نسبت عدم آگاهی مردم محل از ساحه باستانی، خاک این ساحه جهت اعمار منازل مسکونی توسط اسکواتور و موتر انتقال داده شده بخصوص دیوار های که توسط مواد ساختمانی خشت خام و گل اعمار شده بوده بیشترین صدمه را دیده اند. بخش دیگری آن توسط سرک که به ساحه معدن استخراج سنگ متصل شده است نیز تخریبات را در پی داشته است. و دیگر تخریبات طبیعی است. بادر نظر داشت موقعیت جغرافیایی ساحه؛ از اینکه در مسیر آبرو(قول) قرار دارد توسط برف و باران، جریان آب و سیلاب نیز به اندازه کافی تخریب گردیده است. بخصوص ساحه ۰۰۱ از سمت جنوب و شمال آن بیشترین تخریبات طبیعی توسط جریان آب صورت گرفته است.



تصویر ۲: نمایی از تخریبات قاچاقبران در ساحات باستانی قول سرخ توت. عکاسی: جاوید محسن زاده. سال ۱۳۹۹.



تصویر ۱: نمایی از تخریبات وارده بر روی ساحه باستانی ۰۰۱ عکاسی: جاوید محسن زاده. سال ۱۳۹۹.

گزارش کاوش های ساحه باستانی قول سرخ توت

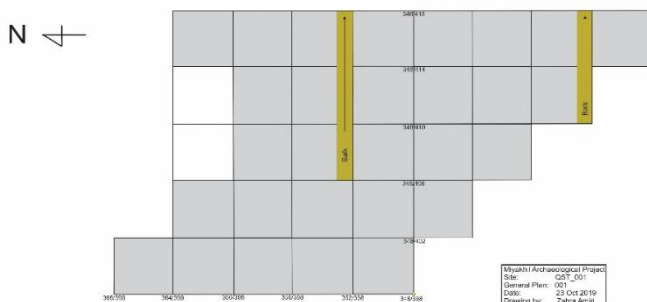
تخریبات انسانی در بیشترین بخشهای که وارد شده است شامل دیوارهای ساخته شده از مواد ساختمانی سنگ و گل، خشت خام همچنان بعضی آثار منقول که شامل مجسمه های گلی و ستوکی می شود. این دیوارها به شکل هدفمند، غیر قانونی و خود سرانه بوسیله اسکواتور، کلند و برمه تخریب گردیده که نشانه های آن در ساحه به شکل واضح مشاهده می گردد. حوادث طبیعی که نسبت تجمع آب برف و باران های موسمی در محلات گود و همچنان قرار داشتن موقعیت جغرافیایی ساحه در مسیر جریان آبرو (قول) نیز تخریبات را در پی داشته است که میتوان از پلستر دیوارها، رنگ پلستر دیوارها، بقایای مجسمه های گلی و... نام برد

معلومات مختصر درباره حفريات قانونی دور اول در ساحات باستانی قول سرخ توت

ساحه باستانی ۰۰۱ قول سرخ توت که شامل ۲۴ مربع ۴×۴ متر می شود بعد از مربع بندی و پاک کاری به تاریخ 23-10-2019 میلادی به تعداد ۲۰ نفر کارگر روز مزد حفاری رسماً از طرف ریاست باستان شناسی افغانستان آغاز گردید و با فرارسیدن فصل زمستان به تاریخ ۲۰۱۹-۱۲-۱۲ میلادی حفاری در این ساحه متوقف گردید.

ساحه باستانی شماره اول قول سرخ توت

در نتیجه حفاری از این ساحه آثار منقول و غیر منقول کشف گردیده است. ساحه متذکره در مسیر آبرو (قول) قرار دارد بدین لحاظ بخشهای جنوب و شمال ساحه در اثر حوادث طبیعی و بعضی قسمت های دیگر آن توسط قاچاقبران آثار تاریخی و همچنان نسبت عدم آگاهی مردم محل از ساحه که خاک آنرا بوسیله اکسکواتور انتقال داده تخریب گردیده است.



شکل ۲: پلان حفرياتی ساحه ۰۰۱ قول سرخ

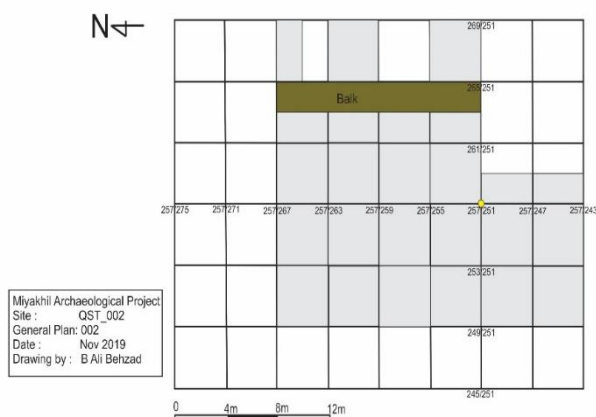
حفاری در این ساحه نخست از بخش غرب ساحه آغاز گردید و با گذاشتن یک متر مرز (Balk) از غرب به شرق، در مرکز ساحه حفاریات نیز از غرب به شرق انجام شد در مدت زمان متذکره ما موفق شدیم که بقایای ساختمانهای ادوار گذشته دارای تهداب های عریض و طویل سنگ کاری شده که بالای آن پخسه و خشت خام با گل کار شده است را کشف نمودیم. عموماً این اتاقها همراه باخشت خام به شکل گنبدی پوشش شده که تاکنون دو دهلیز و هفت اتاق شماره گذاری شده است.

دهلیز شماره یک در قسمت غرب ساحه متذکره ساخته شده است که اتاق های شماره اول، دوم و سوم در جناح شرقی آن ساخته شده است و دهلیز شماره دوم در قسمت جنوب ساحه اعمار گردیده است و به سمت شرق در امتداد می باشد که خاک برداری آن تا ختم دوره اول حفاریات به اتمام نرسیده است و به احتمال زیاد از اتاق های موجود در این ساحه به عنوان اتاق های رهايشی استفاده می شده است.

آثار مهم کشف شده در جریان دور اول حفاریات شامل: سکه های پوشیده با اکساید سبز رنگ، سر پیکان، میخ های فلزی پوشیده با اکساید سرخ رنگ، دوک های سفالی، چراغ تیل سوز سفالی و ظرف سفالی شکسته می باشد.

ساحه باستانی شماره دوم قول سرخ توت

ساحه باستانی قول سرخ توت ۰۰۲ که شامل ۱۸ مربع ۴×۴ متر می شود این ساحه بعد از مربع بندی و پاک کاری به تاریخ ۱۱-۱۱-۲۰۱۹ میلادی همراه با ۱۲ نفر روز مزد کار حفاریات بصورت رسمی آغاز گردید و بعد از حدود ۴۰ روز کار نسبت رسیدن فصل زمستان به تاریخ 20-12-2019 میلادی حفاری رسماً در این ساحه متوقف گردید. در روز های اخیر این ساحه نظر به لزوم دید به سمت جنوب و غرب انکشاف داده شد که حدود ۲۵ مربع در این ساحه حفاری شد و در نتیجه از ساحه آثار منقول و غیر منقول کشف گردید که در مورد بصورت جداگانه به تفصیل بحث شده است.



شکل ۳: پلان حفریاتی ساحه باستانی ۰۰۲ قول سرخ توت

در بخش شرقی یا بالایی ساحه سه مربع ۴ متری حفاری گردید که با کمترین فرصت به دیوارهای سنگی مواجه شدیم که این دیوارهای سنگی اکثر بخشهای آن در طول تاریخ در اثر حوادث طبیعی تخریب گردیده و تنها حدود سه لایه از سنگ کاری آنها به شکل بسیار ابتدایی باقی مانده است. پایین تر از آن در بخش مرکزی ساحه با گذاشتن دو متر مرز (Balk) از سمت جنوب به شمال ۸ مربع چهار متری مورد حفاری قرار گرفت. در اینجا همچنان به زودی به دیوارهای سنگی ابتدایی برخوردیم. این دیوارها نیز در اثر حوادث طبیعی در طول تاریخ تخریب گردیده که احتمالاً مربوط به دوره ساختمانی بعدی باشد. در بخش پایین یا جنوب غرب ساحه چندین مربع را حفاری نمودیم که در این بخش ما به اتاقهای ساخته شده از مواد ساختمانی به تهداب سنگی و دیوارهای خشت خام که با گل کار شده بود برخوردیم و نمای داخلی این اتاقها بصورت منظم پلستر شده بود.

دست آوردهای دور نخست حفاری در این ساحات شامل آثار منقول و غیر منقول می شود. آثار غیر منقول این ساحات شامل ساختمانهای ساخته شده از مواد ساختمانی با خشت خام به سایز $۱۰ \times ۳۹ \times ۳۹$ ، پخسه مهره ای و تهدابهای سنگی شامل (سنگهای کوهی و پرچالی) می شود با گل ساخته شده از این ساحات کشف شده است. آثار منقول این ساحات شامل بقایایی مجسمه های گلی و ستوکی، مسکوکات مسی، ظروف سفالی، ابزار فلزی (آهنی و مسی)، ابزار سنگی، بقایای استخوان و بقایای پارچه های ظروف سفالی از این ساحه کشف شده است.

حفریات دور دوم قانونی ساحات باستانی قول سرخ توت

طبق هدایت مقام محترم وزارت اطلاعات و فرهنگ و نامه رسمی ریاست باستان شناسی، باستان شناسان نام گرفته شده در بالا به تاریخ ۱۳۹۹/۰۶/۱۷ هـ ش به ساحه باستانی قول سرخ توت اعزام گردیدند، که پلان کاری مایان در بخش حفریات و محافظت ساحه متذکره به شکل شماره وار نوشته و تشریح می گردد:

۳۹/۲۴	۳۹/۲۸	۳۳/۹۸	۳۳/۹۸	۲۴/۹۸	۲۴/۹۸	۳۴/۹۸	۳۵/۹۸	۳۵/۹۸	۳۶/۹۸	۳۶/۹۸
۴۰/۲۴	۴۰/۲۸	۳۳/۰۲	۳۳/۰۲	۲۴/۰۲	۲۴/۰۲	۳۴/۰۲	۳۵/۰۲	۳۵/۰۲	۳۶/۰۲	۴۰/۲۴
۴۰/۲۴	۴۰/۲۸	۳۳/۰۶	۳۳/۰۶	۲۴/۰۶	۲۴/۰۶	۳۴/۰۶	۴۰/۵۲	۴۰/۵۶	۴۰/۶۰	۴۰/۶۴
۴۱/۲۴	۴۱/۲۸	۳۳/۱۰	۳۳/۱۰	۲۴/۱۰	۲۴/۱۰	۳۴/۱۰	۴۱/۵۲	۴۱/۵۶	۴۱/۶۰	۴۱/۶۴
۴۱/۲۴	۴۱/۲۸	۳۳/۱۴	۳۳/۱۴	۲۴/۱۴	۲۴/۱۴	۳۴/۱۴	۳۵/۱۴	۴۱/۵۶	۴۱/۶۰	۴۱/۶۴
۴۱/۲۴	۴۱/۲۸	۳۳/۱۸	۳۳/۱۸	۲۴/۱۸	۲۴/۱۸	۳۴/۱۸	۳۵/۱۸	۳۵/۱۸	۳۶/۱۸	۴۱/۶۴
۴۲/۲۴	۴۲/۲۸	۳۳/۲۲	۳۳/۲۲	۲۴/۲۲	۲۴/۲۲	۳۴/۲۲	۳۵/۲۲	۳۵/۲۲	۳۶/۲۲	۳۶/۲۲
۴۲/۲۴	۴۲/۲۸	۳۳/۲۶	۳۳/۲۶	۲۴/۲۶	۲۴/۲۶	۳۴/۲۶	۳۵/۲۶	۳۵/۲۶	۳۶/۲۶	۳۶/۲۶
۴۳/۲۴	۴۳/۲۸	۳۳/۳۰	۳۳/۳۰	۲۴/۳۰	۲۴/۳۰	۳۴/۳۰	۳۵/۳۰	۳۵/۳۰	۳۶/۳۰	۳۶/۳۰

	مربعاتی که تا هنوز حفریات نشده است.
	مربعاتی که در سال ۱۳۹۸ حفریات ان به اتمام رسیده است.
	مربعاتی که در سال ۱۳۹۸ تحت حفریات قرار داشت اما حفریات ان به اتمام نرسیده است.
	مربعاتی که در سال ۱۳۹۹ حفریات ان به اتمام رسیده است.
	مربعاتی که در سال ۱۳۹۹ حفریات گردیده اند اما به اتمام نرسیده است.

شکل ۴: پلان حفریاتی سال ۱۳۹۹ از ساحه باستانی ۰۰۱. ترسیم کننده: امام خان رجیبی

- . حفريات ساحه باستانی ۰۰۱ قول سرخ توت.
- . حفريات ساحه باستانی ۰۰۳ قول سرخ توت.
- . ترتيب اسناد های کاری از جریان حفريات.
- . عکاسی از آثار و جریان حفريات.
- . رسامی لایه های استراتیگرافی و پلان .
- . تحلیل و تجزیه پارچه های ظروف سفالی.
- . عکاسی پارچه های ظروف سفالی دارای مهر جهت ایجاد کتلوگ.
- . محافظت از ساحات باستانی تحت حفريات.

گزارش مفصل از ساحه باستانی ۰۰۱ قول سرخ توت:

بخش شمالی

بعد از ترتیب پلان کار ساحوی به ادامه حفريات سال قبل، در این سال کاری ابتدا ساحه متذکره پاک کاری گردیده، سپس مربع بندی قسمت شرق، شمال و جنوب ساحه تحت پوشش قرار گرفته و توسط لیبل های مشخص نام گذاری گردیده است. نام گذاری مربعات به اساس کوردینات صورت گرفته یعنی از سه عدد آخر هر Northing & Easting جهت نام گذاری مربعات استفاده شده است. این روش نام گذاری از سیستم های جدید حفريات بوده و هیچ گاه با هیچ نقطه ای از سطح زمین قابل مقایسه نمی باشد، به دلیل اینکه هر نقطه از سطح زمین دارای مختصات خاص جغرافیایی می باشد. در نتیجه به تعداد ۳۸ مربع جدید ۴×۴ متر در قسمت های ذکر شده ترتیب و نام گذاری گردیده است.

نظر به اینکه ساحه باستانی متذکره باید توسط سرپناه یا پوشش (چوبی یا فلزی) محافظت گردد بهترین روش برای جلوگیری از تخریبات احتمالی ساخت سرپناه می باشد که برای به نایل آمدن این امر تمام حدود و محوطه این ساحه باستانی مشخص و معلوم گردد، به همین مناسبت به حفاری در قسمت شرق، شمال و جنوب ساحه باستانی ۰۰۱ پرداخته شد. چنانچه که در دوره قبلی ساختمان احاطوی سمت غرب و قسمتی از

ساختمان احاطوی در جنوب نیز کشف گردیده بود، به همین منظور ابتدا به پیدا نمودن محدوده این ساحه کوشش شده تا اینکه پلان محافظوی این پروژه تطبیق گردد.

به همین منظور حفاری را بعد از ترتیب مربعات در قسمت شمال غربی از مربع ۳۶۰/۴۱۰ آغاز نمودیم و موفق شدیم که تا دیوار احاطوی سمت شمال ساحه باستانی را نیز کشف نماییم این دیوار احاطوی مربعات ۳۶۰/۴۱۰، ۳۶۰/۴۱۴ و ۳۶۰/۴۱۸ را در بر میگیرد که به احتمال زیاد، نظر به امتداد این دیوار به سمت غرب با دیوار احاطوی شماره ۰۵ که در قسمت غرب ساحه متذکره موقعیت دارد نیز یکجا شده باشد. این دیوار به شماره ۰۷۰ در جدول کانتیکست ثبت گردیده و به سمت شرق در امتداد می باشد که توسط یک ساختمان دیگر که به شماره ۰۷۶ ثبت گردیده توقف داده شده است، ساختمان شماره ۰۷۶ به احتمال زیاد به عنوان زینه استفاده می شده و از این زینه به عنوان راه عبور و مرور به طبقه بالایی یا طبقه دوم این ساحه استفاده میشده است. این ساختمان شکل مربع را دارا بوده و از جناح شرقی دیوار ۰۷۰ شروع شده و به سمت شمال آمده سپس به سمت شرق تغییر مسیر داده و بعداً به جناح جنوبی در حدود ۳ متر امتداد دارد.

به ادامه کنکاش در این قسمت به دیوار سنگی دیگری برخوردیم که در حدود ۱۰ سانتی متر از زینه شماره ۰۷۶ جدا ساخته شده است، قسمت بالایی این دیوار از نوع گل بوده که احتمالاً از نوع پخسه می باشد اما به علت عوامل طبیعی بیشتر قسمت های بالایی این دیوار از بین رفته است. قسمت پایینی این دیوار از نوع سنگ های پارچال یا کوهی نیز اعمار گردیده است و به سمت شرق در امتداد می باشد و در جدول کانتیکست این دیوار به شماره ۰۸۰ ثبت گردیده است و مربعات ۳۶۰/۴۲۲، ۳۶۰/۴۲۶ و ۳۶۰/۴۳۰ را در بر گرفته است و در ختم و یا قسمت پایانی این دیوار، سنگی بزرگ سفید رنگ موقعیت دارد که قبل از ساخت دیوار شماره ۰۸۰ در این قسمت موجود بوده و دیوار متذکره به این سنگ متصل می باشد.

دیوار شماره ۰۸۰ در قسمت آخرین مربع سمت شرقی یعنی مربع ۳۶۰/۴۳۰ به پایان رسیده است و با حفاریات چند مربع ذکر شده در این قسمت شمالی ساحه باستانی ۰۰۱، دیوار احاطوی سمت شمال نیز کشف گردید که برای معلومات بیشتر چند مربع دیگر به نام های ۳۶۴/۴۱۴، ۳۶۴/۴۱۸، ۳۶۴/۴۲۲، ۳۶۴/۴۲۶ و مربع ۳۶۴ ۴۳۰

نیز تا قسمتی که دیوار احاطوی از آن پایین تر نرفته بود نیز تحت حفریات قرار گرفت، اما نتیجه حفریات همان بود که در بالا به آن تذکر داده شد و در دیگر قسمت های شمالی ساحه متذکره ساختمان دیگری به ملاحظه نرسید.



تصویر ۰۳: نمایی شمالی ساحه باستانی ۰۰۱ قول سرخ توت بعد از حفریات. عکاسی: جاوید محسن زاده سال ۱۳۹۹.

بخش شرقی ساحه باستانی ۰۰۱

سپس به حفریات قسمت شرق ساحه پرداخته شد تا اینکه حدود، محوطه و ساختمان های این قسمت مشخص گردید، خاک برداری و حفریات در این قسمت بر روی مربعات ۳۵۶/۴۳۰، ۳۵۲/۴۳۰، ۳۴۴/۴۳۰، ۳۴۰/۴۳۰، ۳۳۶/۴۳۰، ۳۳۲/۴۳۰، ۳۲۸/۴۳۰ و ۳۲۴/۴۳۰ انجام شده که در نتیجه دیوار دیگر سنگی کم ارتفاعی را کشف نمودیم که در حدود ۲ متر طول و ۵۰ سانتی متر ارتفاع میداشته باشد و در جدول کانتیسکت به شماره ۰۹۳ ثبت گردیده است، که احتمالاً از جمله دیوار احاطوی قسمت شرق ساحه باستانی محسوب شود اما به علت اینکه در قسمت مسیر ابرو قرار گرفته قسمت

های بالایی این دیوار تخریب شده، در نتیجه خاک برداری در مربعات ذکر شده در بالا به تعداد ۱۲ کانتیکست کشف و ثبت گردیده که بیشتر آنها را لایه های استراتیگرافی تشکیل می دهد که بر اثر سرازیر شدن آب باران های موسمی در فصل زمستان و بهار تشکیل شده است و این جناح از ساحه باستانی را پر نموده است. مهم ترین لایه موجود در این مربعات عبارت از لایه شماره ۰۸۰ بوده که در تمام مربعات موجود می باشد این لایه عبارت است ریگ، جغل و سنگ های پرچال و یا کوهی، خاک و بعضا پارچه های ظروف سفالی می باشد که در مربعات سمت جنوب شرقی به حجم بیشتر و هر چه که به سمت شمال مربعات پیش برویم حجم لایه شماره ۰۸۰ کم تر شده اما لایه های مشابه با آن نیز بیشتر قابل مشاهده می باشد.



تصویر ۰۴: نمایی از شرق ساحه باستانی ۰۰۱ قول سرخ توت را بعد از حفريات. عکاسی: جاوید محسن زاده. سال ۱۳۹۹.

دو کانتیکست مهم دیگر که در مربع ۳۴۴/۴۳۰ و ۳۴۰/۴۳۰ موقعیت دارد به نام های کانتیکست شماره ۸۶ که عبارت است لایه خاکستر و کانتیکست دیگری که به شماره ۰۹۱ که عبارت از کوره ذوب مس می باشد در مربعات ذکر شده کشف گردیده

است، درباره کوره ذوب مس باید یاد اور شوم که از قسمت بالایی و اطراف این کوره، لوله های سفالی استوانه ای شکل درون خالی که احتمالا جهت هوا رسانی به کوره و یا انتقال دادن مس ذوب شده در داخل آنها جهت سرد ساختن مس ذوب شده و ذباله مس به اندازه های مختلف به شکل خالص و نیمه خالص کشف گردیده است، و خود کوره ذوب مس دارای علایمی چون سوختگی و حرارت دیده شده به رنگ سرخ قابل مشاهده می باشد که نشان دهنده ذوب نمودن مس توسط آتش در این کوره می باشد. و در هنگام کاوش لایه شماره ۸۶ نیز زباله مس نیز بدست آمده است اما علایمی چون سوختگی و حرارت دیده نشده است و اما به دلیل اینکه این کانتیکست در تقریبا دو متری این کوره قرار دارد احتمال دارد که از این قسمت جهت دور ساختن خاکستر و دیگر مواد کوره استفاده می شده است. هم چنان باید یاد اور شوم که کوره ذوب مس کشف گردیده تقریبا در بالای زمین طبیعی در قسمت شرق ساحه ساخته شده و نظر به کاوش و تحقیقات صورت گرفته کوره ذکر شده در قسمت بیرونی از ساحه باستانی ۰۰۱ قول سرخ توت ساخته شده است.

بخش جنوبی

در این بخش کاوش را به ادامه کندنکاری های سال قبل در دهلیز شماره دوم انجام دادیم و در حدود ۸ متر به سمت شرق این دهلیز حفريات صورت گرفت دیوار شماره ۸۱ به عنوان دیوار جنوبی دهلیز شماره دوم در جدول کانتیکست ثبت گردیده این دیوار در قسمت پایین از سنگ پرچال و کوهی به ارتفاع تقریبا یک متر ساخته شده و قسمت بالایی این دیوار از نوع پخسه می باشد و کمترین ارتفاع این دیوار از ۴۰ سانتی متر در جناح جنوب غرب شروع شده و تا فاصله ۱۱ متری این دهلیز به سمت غرب که حفريات صورت گرفته، این دیوار دارای ۳ متر ارتفاع می باشد. و دیوار شمالی این دهلیز نیز در جدول ثبت کانتیکست به شماره ۰۸۲ راجستر گردیده که تهداب این دیوار تا فاصله ۴۰ سانتی متر از سطح فرش این دهلیز دارای ارتفاع بوده که از سنگ پرچال و کوهی اعمار شده و بالای این دیوار از نوع پخسه و خشت می باشد این دیوار از قسمت جنوب غربی شروع شده که دارای ۳.۵ متر ارتفاع بوده امتدادش به شرق بوده و تا فاصله ۱۱ متری که این دهلیز حفريات شده است دارای ۴.۵ متر ارتفاع می باشد. این دهلیز دارای گنبد از

نوع خشت بوده که بر اثر گذشت زمان و جاری شدن آب بر روی سقف این دهلیز چپه شده و در داخل این دهلیز انباشته شده است.



تصویر ۵: نمایی از قسمت جنوب ساحه باستانی ۰۰۱ قول سرخ توت را بعد از حفريات، عكاسی: جاوید محسن زاده. سال ۱۳۹۹

بخش جنوب غربی

در این بخش حفريات در مربعات ۳۲۴/۴۳۰، ۳۳۲/۴۲۶، ۳۲۸/۴۲۶، ۳۳۲/۴۲۲، ۳۲۴/۴۲۲، ۳۲۸/۴۲۲، ۳۳۲/۴۱۸ و مربع ۳۲۸/۴۱۸ در جریان بوده که لایه چهار لایه بالایی که به عمق ۱ متر حفريات گردیده عبارت است از لایه هایی بوده که بر اثر سرازیر شدن آب باران های فصلی که شامل لایه های سنگ های پرچال کوهی، جغل، ریگ و سنگ ریزه می باشد در این محل انباشته شده است. اما در مربع ۳۲۸/۴۲۶ چند دیوار ساختمانی را کشف نمودیم که توسط آبرو (جر ایجاد شده توسط آب باران های موسمی) تخریب گردیده اما در تهداب جهت این دیوار که به شماره ۹۹ ثبت گردیده به سمت جنوب او ان طرف جر قابل مشاهده می باشد، همچنان دیوار دیگر سنگی نیز در

گزارش کاوش های ساحه باستانی قول سرخ توت

پهلوی این دیوار ساخته شده است که امتدادش از سمت شمال به جنوب بوده و احتمالا جهت استحکام بیشتر دیوار شماره ۰۹۹ ساخته شده باشد.

بر علاوه دیوار دیگری که تهدابش از سنگ پرچال تا به ارتفاع ۵۰ سانتی متر که بالای این دیوار از نوع پخسه بوده نیز کشف گردیده است که دیوار مذکور در جدول کانتیسکت به شماره ۱۰۴ ثبت گردیده و دیوار مذکور از سمت شرق چسپیده با دیوار ۰۹۹ و ۱۰۱ بوده و امتدادش به سمت غرب می باشد که شکل یک اتاق را تشکیل داده است و در پلان این ساحه باستانی اتاق مذکور به شماره ۰۸ ثبت گردیده است. مباقی مربعات ۳۲۸/۴۲۲ و ۳۲۸/۴۱۸ که در آن در حدود ۹۰ سانتی متر الی ۱ متر حفریات صورت گرفته عبارت است از خاک های پر شده طبیعی از خود ساحه و یا قرار گرفتن در مسیر اب تشکیل شده است.



تصویر ۶ : نمایی از دهلیز شماره دوم ساحه باستانی ۰۰۱ قول سرخ توت را بعد از حفریات. عکاسی: جاوید محسن زاده.

سال ۱۳۹۹.

گزارش مفصل از ساحه باستانی ۰۰۳ قول سرخ توت

ساحه باستانی ۰۰۳ قول سرخ توت در قسمت شمال شرق ساحه باستانی ۰۰۲ قول سرخ توت در دامنه غربی کوه موقعیت دارد، شش مربع این ساحه برای بار نخست در

سال ۱۳۹۸ تحت حفاری قرار گرفت اما نظر به سرد شدن هوا در این منطقه حفاری متوقف گردید، و فعالیت های کاوش دوباره در دوم حفاریات در سال ۱۳۹۹ از سر گرفته شد. ابتدا ساحه متذکره پاک کاری، مربع بندی و نام گذاری گردیده و سپس به حفاریات نقاط مشخص پرداخته شد.

220/100	220/104	220/108	220/112	220/116
216/100	216/104	216/108	216/112	216/116
212/100	212/104	212/108	212/112	212/116
208/100	208/104	208/108	208/112	208/116
204/100	204/104	204/108	204/112	204/116
200/100	200/104	200/108	200/112	200/116
	مربعاتی که در سال ۱۳۹۹ تحت حفاریات قرار داشت.			
	مربعاتی که در سال ۱۳۹۹ تحت حفاریات قرار داشتند.			

شکل ۵: پلان حفاریاتی سال ۱۳۹۹ از ساحه باستانی ۰۰۱.

باید یاد اور شوم که برای محافظت این ساحه بودیجه ای برای امسال در نظر گرفته نشده بود بنابر این تصمیم بر این شد که مربعات و ساختمان هایی که کشف می گردند تا اخر یعنی تا فرش اتاق ها باید حفاریات و کندنکاری نگردند و برای امسال حفاریات و کندنکاری در این ساحه تنها برای مشخص ساختن طبقات ساختمانی و اتاق ها در این ساحه انجام خواهد شد. در این ساحه تا پایان فصل کاری سال ۱۳۹۹ در حدود ۳۰ مربع ۴×۴ حفاریات سطحی جهت مشخص ساختن سازه های این ساحه باستانی حفر گردیده که در نتیجه به تعداد چهار اتاق که ارتفاعات بالایی ان از نوع خشت خام و پخسه بوده که به علت اینکه این ساحه در نشیبی غرب کوه موقعیت دارد این سازه ها در داخل اتاق ها به شکل چپه شده قابل مشاهده می باشد اما معماران ساختمانی ان دوره نیز می دانستند که این قسمت در نشیبی قرار دارد به همین دلیل کوشش نمودند که تهداب های اتاق

گزارش کاوش های ساحه باستانی قول سرخ توت

های این ساحه را از سنگ های پرچال و یا کوهی اعمار کنند و در بعضی قسمت ها که به طور امتحانی جهت فهمیدن عمق این سازه ها حفاری صورت گرفته، نشان میدهد که ارتفاع این دیوار ها تا به ۱۵۰ سانتی متر نیز می رسد. به همین دلیل آثار و علائم این ساختمان ها که در این قسمت از کوه موقعیت دارند پابرجا و قابل مشاهده می باشند.

همچنان در مربعات ۲۰۸/۱۰۸، ۲۱۲/۱۰۸ زینه سنگی موقعیت دارد، این زینه از سنگ پرچال و کوهی اعمار گردیده که امتدادش از سمت پایین یعنی غرب به شرق می باشد و احتمالاً از این زینه جهت عبور و مرور و واردشدن به اتاق های دو طرف این زینه سنگی استفاده می شده است.

همچنان به احتمال زیاد راهبین معبد ساحه باستانی شماره ۰۰۲ که در قسمت جنوب غرب این ساحه موقعیت دارد در این اتاق ها بود و باش داشته باشند و از این زینه سنگی جهت رفت و آمد به معبد و ساحه باستانی ۰۰۳ استفاده می نمودند.



تصویر ۷: نمایی از بخش های تحت حفاریات در ساحه باستانی ۰۰۳ قول سرخ توت. عکاسی: جاوید محسن زاده.

سال ۱۳۹۹

چگونگی و مراحل اسناد سازی از ساحات تحت حفريات

اسناد سازی از ساحه باستانی از ضروریات عمده در قسمت حفريات محسوب می‌شود، اسناد مکمل از یک ساحه باستانی نه تنها ما را در قسمت تحقیق بر بالای ساحه متذکره کمک کرده میتواند بلکه در قسمت روشن ساختن زوایای تاریک تاریخ در این سرزمین و منطقه، برای نوشتن کتاب‌های مشخص از دوره‌های تاریخی و حتی برای ترمیم و بازسازی ساحه تحت حفريات در صورت موجود بودن اسناد مکمل از محوطه باستانی کمک فراوانی خواهد نمود.

فورم‌های زیادی هستند که در هنگام حفريات باید خانه پوری گردند و فورم‌هایی که در ساحه باستانی قول سرخ توت خانه پوری و استفاده می‌شوند به صورت نکته وار به آنها اشاره خواهد.

فورم ثبت و راجستر نمونه‌ها.

فورم ثبت و راجستر مسکوکات.

فورم ثبت و راجستر آثار مکشوفه.

فورم ثبت لایه‌های استراتیگرافی و ساختمانی.

فورم ثبت و تحلیل لایه‌های استراتیگرافی و ساختمانی.

فورم مطالعه قطع.

فورم مطالعه لایه‌های استراتیگرافی.

فورم مطالعه طبقات ساختمانی.

فورم ثبت و راجستر پارچه‌های ظروف سفالی.

فورم ثبت و تحلیل پارچه‌های ظروف سفالی.

فورم ثبت و راجستر رسامی سکشن.

فورم ثبت و راجستر رسامی‌های پلان.

تمام فورم‌های نام گرفته شده در بالا روزانه بعد از ثبت کانتیسکت مشخص، اندازه‌گیری و تحلیل شده و در جدول مخصوص ثبت و راجستر می‌گردد و بعد از آن توسط فرد مشخص اسنادهای ثبت گردیده دیجیتایز و در سافت‌ها رسانیده می‌شود.

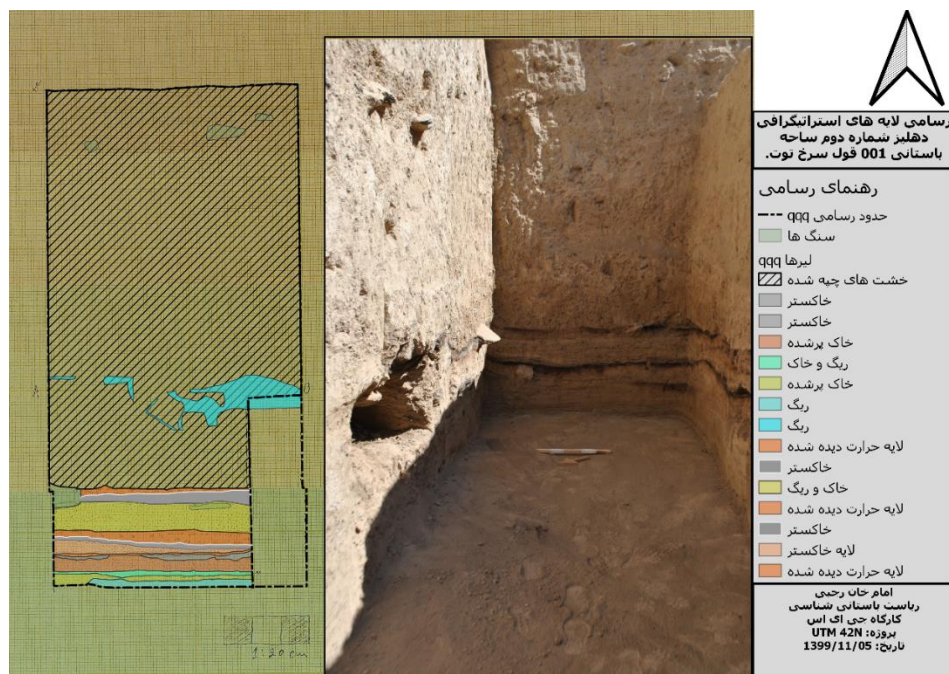
تحلیل استراتیگرافی

لایه نگاری از روش های پایه ای در باستان شناسی ساحوی محسوب می شود هدف عمده از لایه نگاری ، گردآوری اطلاعات برای زمان بندی نسبی است. لایه نگاری ساده ترین روش تاریخگذاری است، لایه نگاری دنبال کردن سیر زمانی با توجه به توالی لایه های استقرار در محل حفاری است. روش لایه نگاری در باستان شناسی قابل اعتماد ترین روش زمان بندی نسبی می باشد. لایه نگاری بر پایه ی این اصل استوار است که لایه ی قدیمی تر قبل از لایه های دیگر ذخیره شده و نسبت به لایه های دیگر در سطح پایین تری قرار گرفته است. بنا براین در یک محل باستانی مدارک معمولاً به ترتیب تاریخی به وجود آمده و ذخیره می شود.

به کار گیری روش های دقیق و منظم لایه نگاری در کاوش نه تنها برای زمان بندی مکان های باستانی ضروری است بلکه امکان کشف ارتباط شواهد باستانی که به الزام اشکار نیستند را نیز فراهم می آورد و این یکی از مهم ترین و بنیادی ترین هدف ها در کاوش های باستان شناسی شناخته می شود. اگر باستان شناسان از چگونگی بازسازی لایه نگاری که ستون فقرات مکان های باستانی هستند آگاهی نداشته باشد، دلیلی برای ارائه ی دوره بندی، تفسیر های باستان شناسی و باز سازی جامعه ی مورد نظر نمی تواند داشته باشد.

لایه نگاری با لایه بندی متفاوت است . لایه بندی با تشکیل لایه های گوناگون با گذشت زمان چیزی است مادی که باستان شناسان در کاوش های خود به آن بر می خورند، در حالیکه لایه نگاری ایده ای است انتزاعی در باره ی زمانی و مکانی بین لایه ها که باستان شناسان برای تفسیر و بازسازی آن به کار می برد.

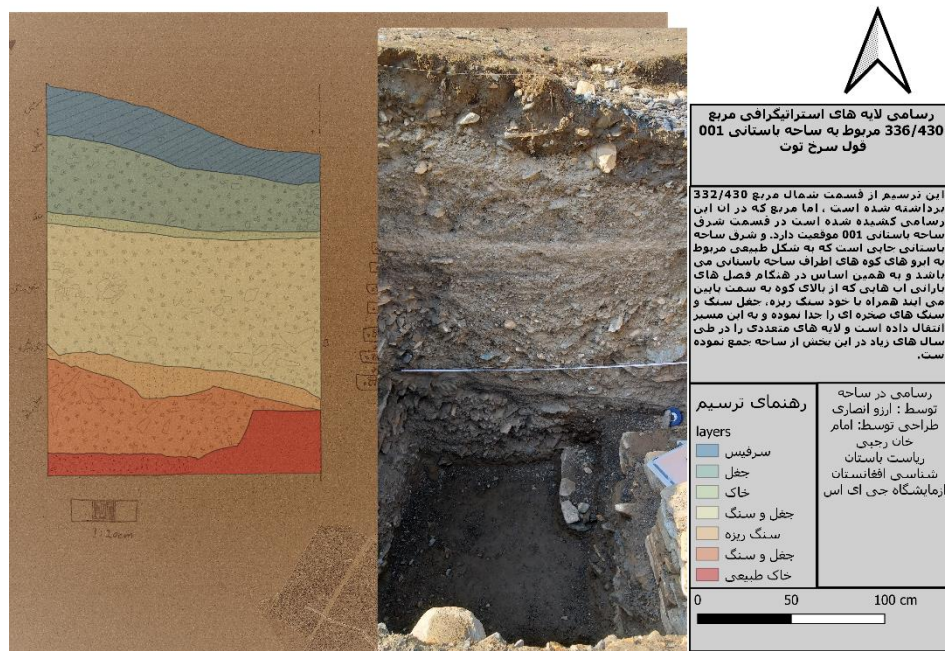
در این قسمت از گزارش در مورد دو ترسیم لایه نگاری که یکی از آنها از لایه های تشکیل شده در دهلیز شماره دوم برداشته شده و دیگری از مربعات شرقی ساحه باستانی ۰۰۱ قول سرخ توت که در مسیر انتقال اب باران های فصلی موقعیت دارند نیز به بحث، تحلیل و تفسیر گرفته خواهد شد.



تصویر ۸: این رسمای مربوط به رخ غربی دهلیز شماره دوم می باشد، این دهلیز در حدود ۲ متر عرض میداشته باشد اما حفاریات در این دهلیز به اتمام نرسیده که ما در مورد طول این دهلیز معلومات ارائه کنیم. اما تحلیلی که بنده از لایه های استراتیگرافی تشکیل شده در این قسمت به شرح ذیل می باشد. به نظر بنده این دهلیز دارای سقف گنبدی از نوع خشت کمان ساخته شده بوده که با قرار گرفتن در مسیر ابرو ها، هسته هسته این ساحه از بین رفته است. چنانچه که ذکر شد بعد از متروک شدن این ساحه گروه ها و اقوام دیگری در این ساحه جایگزین شدند و احتمالاً آتش سوزی های صورت گرفته نیز توسط اقوام دیگری که بعداً به این ساحه وارد شدند به وجود آمده است و چنانچه که مشاهده می نمایید سه دوره آتش سوزی در این پروفایل دیده می شود.. که اگر از آخرین لیر به تشریح پرداخته شود عبارت از لایه ریگی بوده که توسط آب بران های فصلی سقف این دهلیز را سوراخ نموده و موادی که همراه خود داشته را به این مسیر انتقال داده است، بالاتر از لایه ذکر شده لایه شماره ۱۰۷ موقعیت دارد که عبارت از خاک و ریگ می باشد این لایه نیز توسط آب باران های فصلی ایجاد شده است بعد از آن اولین آتش سوزی صورت گرفته در این دهلیز را مشاهده می نمایید که در تمام طول دهلیز شماره دوم را فراگرفته است..... این رسمای به ادامه ترسیم شماره دوم از دهلیز شماره دوم ترتیب گردیده است و لایه های جدیدی در آن اضافه شده است در این دهلیز از شماره ۰۳۵ شروع الی ۱۰۸ می باشد از تحولات قسمت بالایی در رسمای شماره دوم تشریحات صورت گرفته است اما لایه های رسمای شده در این قسمت مربوط به سه دوره آتش سوزی و

گزارش کاوش های ساحه باستانی قول سرخ توت

لایه های پر شده توسط ریگ و خاک رسوبی می باشد که در این لایه رسوبی بر اثر سرازیر شدن آب و لایه های آتش سوزی شده در سال های مختلف بعد از متروک شدن ساحه توسط احتمالا کوچی ها برای گرم کردن خودشان ایجاد شده است.



تصویر ۹: نمایی از رسمای یکی از مربعات قسمت شرق ساحه باستانی ۰۰۱ قول سرخ توت. سال ۱۳۹۹.

آثار مهم کشف شده و دوره بندی آن

در این قسمت دو عدد سکه مسی و چند پارچه ظروف سفالی که دارای نوشته و خطوط برای روی آن ترسیم گردیده را در جدول زیر جهت دوره بندی و شناخت تاریخ ساحات باستان قول سرخ توت به تشریح گرفته می شود.

ساحه	مربع/اتاق	لایه	تاریخ کشف	دوره	آثار مهم کشف شده
QST_002	۲۵۱/۲۵۳	۰۰۶	۲۰۱۹-۱۲-۰۴	۴-۲ میلادی	سرمجسمه گلی (بودا)
QST_002	۲۵۱/۲۵۳	۰۰۶	۲۰۱۹-۱۲-۰۴	۴-۳ میلادی	سکه مسی تقلیدی واسودیوا(کوشانی)
QST_002	۲۵۵/۲۶۱	۰۰۲	۲۰۱۹-۱۱-۱۷	۴-۳ میلادی	سکه مسی تقلیدی هویشکا(کوشانی)
QST_001	۴۱۰/۳۴۰	۰۱۴	۲۰۱۹-۱۱-۲۵	۱۲۸-۱۰۵ میلادی	سکه مسی کنشکا(کوشانی)
QST_001	۴۱۴/۳۴۴	۰۱۴	۲۰۱۹-۱۱-۲۵	۲۱۸-۱۶۴ میلادی	سکه مسی واسودیوا(کوشانی)
QST-001-003	۳۶۰/۴۱۰	۰۸۶	۲۰۲۰-۱۰-۲۱		پارچه ظروف سفالی دارای خط
QST-001	۳۶۴/۴۱۴	۰۷۸	۲۰۲۰-۱۱-۰۸	۶-۴ میلادی	سکه مسی

شکل ۶: جدول بعضی از آثار مهم کشف شده همراه با تعیین تاریخ نسبی، را مشاهده می کنید.

ظروف سفالی

سفالگری کهنترین و رایج ترین هنر ها بوده ولی در باره پیدایش این هنر سنتی اتفاق نظر نیست و حدود ۷-۱۰ هزار سال پیش از امروز را زمان ساخت اشیایی سفالی ذکر کرده اند و این صنعت را در حدود ۱۰ هزار سال پیش برای بار نخست زنان اختراع کرده اند، از صنایع که با افزودن مواد گوناگون به یکدیگر پدید می آید و جنبه سازنده دارد.

سفالگری پس از سبد بافی کهن ترین است. بر اساس بعضی شواهد از روی سفالهای اولیه می توان گفت که سفالگری اصلا از فن سبد بافی پدید آمده است. در این مورد تا کنون مدرکی بدست نیامده است که تعیین کند که برای نخستین بار کی و کجا خاک رس را به قالب ریختند و آنرا پختند؟ (موریس دوما) فرانسوی بر این عقیده است که در دوره قدیم امکان دارد که این صنعت در دوره نخست کشاورزی در خاور نزدیک آغاز گردیده باشد.

سفالگری هنگام آغاز شد که می توانست بوجود آید. یعنی در دوره نخست کشاورزی یا کشاورزی اولیه که اقامت کم و بیش وجود داشت، از گل ظرفهای می ساختند

گزارش کاوش های ساحه باستانی قول سرخ توت
و غلات را انبار می کردند و چنین محیطی در قرون ۵-۷ قبل از میلاد در خاور نزدیک وجود
داشت و کمی بعد تر از آن در کالیفورنیا و پرو نیز شرایط بسیار مشابهی وجود داشته است.
در یک بررسی کلی می توان گفت ین هنر را در عصر پارینه سنگی اخیر یافت...
(مهرپویا ۱۳۹۴، ص ۱۶۸-۱۶۷)

روش های ساخت ظروف سفالی:

عموماً دو روش برای ساخت ظروف سفالی مروج است که یکی با دست و دیگر
هم با چرخ است. در آغاز قرن سوم قبل از میلاد بود که چرخ های پایی برای ساختن ظروف
سفالی رواج یافت. از ساحات باستانی قول سرخ توت کابل نیز از هردو نوع ظروف ساخته
شده با دست و چرخ یافت شده است.

تزئین ظروف سفالی

هرگونه فعالیت که برای آرایش ظروف سفالی انجام شود تزئین نامیده می شود.
برای تزئین ظروف سفالی روش های مختلفی وجود دارد که در ساحات باستانی قول سرخ
توت نیز چندین نمونه آنرا داریم که ذیلا به جزئیات آنها خواهیم پرداخت.

تزئین افزوده و برجسته

نخست اینکه این نوع تزئینات زمان انجام می شود که ظرف خشک نشده باشد.
و در این روش قطعات کوچک گل را روی بدنه ظرف تعبیه می کنند که این برجسته کاری
به استحکام ظرف نیز کمک میکند. کوزه ها و ظروف که دارای این نوع تزئین است از
قابلیت حمل و نقل سهل تر برخوردارند. اکثرا این برجستگی ها در کمر ظروف بزرگ سفالی
که برای ذخیره مواد غذایی بوده استفاده شده است و بعضی دیزاین ها که شامل مهر ها و
یا خطوط هندسی است نیز بالای این نوع برجستگی ترسیم و حک شده شده است.



تصویر ۱۱: نمایی تزینات افزوده شده بر روی پارچه سفالی. عکاسی: جاوید محسن زاده. سال ۱۳۹۹.

تصویر ۱۰: نمایی تزینات افزوده شده بر روی پارچه سفالی. عکاسی: جاوید محسن زاده. سال ۱۳۹۹.

تزئین با مهر

این روش در جهان سابقه طولانی دارد که برای نمایش دادن نشان مالکیت و یا کاربرد مشخص دیگر را دارد. موضوع اصلی این مهرها وقایع روزمره زندگی با نمادهای مانند تصاویر انسان (شاهان، اشراف زاده گان، نجیب زادگان و الاهی ها) حیوانات (چهارپایان، خزنده گان و پرنده گان) نباتات و بخش های مذهبی و دیگر علایم بصورت برجسته مشاهده می شود. در دوران گذشته بخصوص در دوره ساسانی ها این روش تزئین بسیار مرسوم بوده است. و اکثر مهرهای که دارای تصاویر شاهان و بعضی علایم دیگر می باشد از روی مسکوکات مروج همان دوره اقتباس شده است. در ساحات باستانی قول سرخ توت نیز بعضی از نمونه های مهرها که ذکر گردید در پارچه های ظروف سفالی پیدا شده است. تا کنون مهرهای سفالی که از این ساحه یافت شده است در بیرون ظروف سفالی حک شده است. اگر این مهرها با مهرهای ظروف سفالی ساحات باستانی مس عینک

گزارش کاوش های ساحه باستانی قول سرخ توت
لوگر مقایسه گردد اکثر شان با ظروف سفالی و مهر های ظروف سفالی قول سرخ توت
مشابه هستند.



تصویر ۱۲ : نمایی از تزیین پارچه سفالی را با مهر. عکاسی: جاوید محسن زاده. سال ۱۳۹۹.

ظروف سفالی دارای خط نوشته

کشف ظروف سفالی در ساحه باستانی ما را جهت تشخیص تاریخ ساحه کمک فراوانی می نماید اما اگر این ظروف دارای نوشته خطی باشد هیچ دلیلی برای اشتباه کردن برای تعیین قدامت ساحه تاریخی باقی نمی ماند و بخوبی از روی آن می توان ساحه را به دوره ای خاص تشریح نمود. از ساحات تحت حفريات ۰۰۱ و ۰۰۳ قول سرخ توت نیز آثار پارچه های ظروف سفالی کشف گردیده اند که به خوبی قابل خوانش می باشند این ظروف با مقایسه ای که با حروف الفبای زبان برهمنی صورت گرفته شباهت زیادی میداشته باشد، که در پایین در قسمت هر عکس معلومات ارائه خواهد شد.



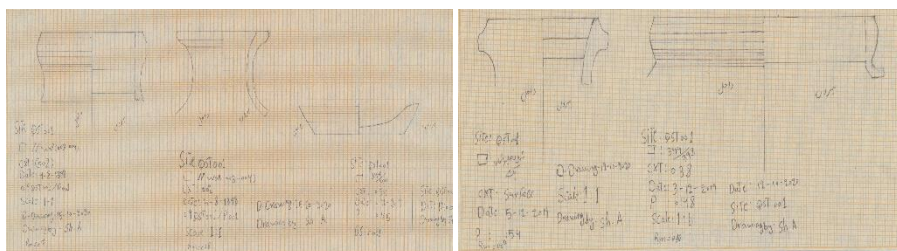
تصویر ۱۴: نمایی خطوط نوشتاری روی پارچه
ظرف سفالی عکاسی: جاوید محسن زاده. سال
۱۳۹۹



تصویر ۱۳: نمایی از خطوط نوشتاری روی پارچه
سفال. عکاسی: جاوید محسن زاده. سال ۱۳۹۹

رسمی‌های ظروف سفالی

رسمی‌های ظروف سفالی بیشتر جنبه اسناد سازی از یک ساحه باستانی را به خود دارد و بعد از رسمی‌های ظروف شکسته سفالی می‌توان از شکل، نوعیت و ابعاد آن معلومات بیشتری را در اشیاف ساحه باستانی علاوه نمود.



شکل ۸: رسمی‌های ظروف سفالی ساحات باستانی
قول سرخ توت.

شکل ۷: رسمی‌های ظروف سفالی ساحات باستانی
قول سرخ توت.

چنانچه که در بخش‌های بالایی به آن اشاره نمودیم، یکی از بخش‌هایی که روی آن کاربری بیشتر صورت گرفته است، تحلیل پارچه‌های سفالی بوده که بعد از شستشو انجام شده است و به شکل مجموعی به تعداد ۸۸۹۸ پارچه ظروف سفالی تحت تحقیق و بررسی قرار گرفته که این سفال‌ها از لحاظ نوعیت، اندازه، رنگ، تزئین، لایه، تاریخ، شماره ساحه، تعداد پارچه‌ها و لب و کعب این آثار در هر پاکت تفکیک گردیده است.

گزارش کاوش های ساحه باستانی قول سرخ توت
همچنان از سفال های هر پاکت به شکل جداگانه عکاسی صورت گرفته است.

ساخت کتلوگ مهر ها بر روی سفال

تعداد زیادی از پارچه های ظروف سفالی در هنگام حفريات کشف گردیده اند که دارای تزئين و يا مهر ها میباشدند این مهر هایی که بر روی سفال طرح گردیدند، ابتدا شستشو گردیده بعداً، نام گذاری و تشخیص گردیده، سپس عکاسی و در قسمتی مخصوص جهت جمع اوری انتقال داده شده است. مجموعه ی زیادی از مهر های سفالی از نوعیت های مختلف (حیوانی، نباتی، مذهبی و هندسی) در جریان حفريات کشف گردیده اند که پروژه حفريات ساحات باستانی قول سرخ توت در نظر دارد تا کتلوگی از مهر های سفالی این ساحات باستانی را ترتیب و به دست علاقه مندان و محققان قرار دهند.

مسکوکات

سکه عبارت از قطعه فلز است که دارای وزن معین بوده و در روی آن علامات رسمی دولت ها و حکومت ها نقش گردیده است. مسکوکات کشف شده در جریان حفريات از ساحه باستانی ۰۰۱ قول سرخ توت از نوع مس بوده که پوشیده از اکساید سبز می باشد و به شکل و اندازه های مختلف کشف گردیده است. در اینجا بصورت نمونه در باره چند ضرب سکه از ساحه مورد نظر تحقیق نموده ایم که ذیلا تشریح شده است:



تصویر ۱۶: نمایی سکه مسی بعد از پاک کاری مربوط دوره کوشانو ساسانی. عکاسی: جاوید محسن زاده. سال ۱۳۹۹.

تصویر ۱۵: نمایی از سکه مسی پوشیده با اکساید سبز رنگ. عکاسی: جاوید محسن زاده. سال ۱۳۹۹.

نمونه‌ها

نمونه‌های کشف گردیده در دور دوم حفاریات از ساحه باستانی ۰۰۱ قول سرخ توت شامل پارچه‌های زباله نیمه خالص مس، پارچه‌های زباله خالص مس و لوله‌های سفالی می‌باشد که جهت سرد ساختن مس استحصال شده و یا به عنوان تهویه هوا در کوره ذوب مس استفاده می‌شده است. نمونه‌های گرفته شده می‌توانند جهت تعیین تاریخ توسط کاربن ۱۴ به کشورهایی که این لابراتور را در اختیار دارند فرستاده شود، تا اینکه تاریخ مشخص و دقیق این نمونه‌ها واضح گردد و تحلیل این موضوع ما را کمک خواهد نمود تا اینکه بفهمیم آیا کوره ذوب مس همزمان با تاریخ و قدامت ساحه یکی می‌باشد یا اینکه بعد از ساخت این ساحه، این کوره در این قسمت ساخته شده و از آن به عنوان ذوب نمودن سنگ مس استفاده می‌شده است.



تصویر ۱۸: نمایی لوله‌های سفالی را که جهت سرد ساختن مس بعد از ذوب استفاده می‌شد. عکاسی: جاوید محسن زاده. سال ۱۳۹۹



تصویر ۱۷: نمایی پارچه‌های خالص و نیمه خالص زباله مس. عکاسی: جاوید محسن زاده. سال ۱۳۹۹.

جداول آثار، لایه های استراتیگرافی، ساختمانی و رسامی های کشف شده و ثبت شده در ساحات باستانی قول سرخ توت.

ساحه باستانی ۰۰۱ قول سرخ توت.

تعداد مجموعی	تاریخ کشف	تعداد	جدول
۳۶	میزان الی قوس ۱۳۹۹	۱۴	بازیافت های مختلف النوع
۲۷۳		۹۶	سفال
۱۵		۳	نمونه
۳۱		۱۲	مسکوکات
۴۴		۲	استخوان
۱۱۹		۴۹	فورم لایه های استراتیگرافی و طبقات ساختمانی
۱۱		۱۱	فورم مطالعه قطع
۳۸		۳۸	فورم مطالعات ساختمانی
۷۰		۷۰	فورم مطالعات لایه ها
۱۴		۱۴	فورم ثبت و راجستر رسامی لایه های استراتیگرافی
۵		۵	فورم ثبت و راجستر رسامی پلان ها
۲۷۳		۲۵۷	فورم ثبت و تحلیل پارچه های ظروف سفالی
			فورم تصاویر

شکل ۹ : جدول آثار کشف شده در جریان حفريات از ساحه باستانی ۰۰۱ قول سرخ توت.

ساحه باستانی ۰۰۳ قول سرخ توت.

جدول	تعداد	تاریخ کشف	تعداد مجموعی، ملاحظات
فورم لایه های استراتیگرافی و ساختمانی	۱۹		۱۹
فورم ثبت پارچه های ظروف سفالی قبل از تحلیل	۶۴		۶۴
فورم ثبت و راجستر تصاویر	۱۹		۱۹
فورم ثبت استخوان	۸		۸
فورم ثبت آثار مکشوفه	۹		۹

شکل ۰۱۰ : جدول آثار کشف شده از ساحه باستانی ۰۰۳ قول سرخ توت.

تحلیل و بررسی به اساس تحقیقات علمی در ساحات باستانی قول سرخ توت

ساحات باستانی قول سرخ توت ولسوالی بگرامی ولایت کابل در ۱۲ کیلومتری جنوب شرق شهر کابل در دامنه شمال غرب کوه شاخ برنتی بالای پوزه ها و بین قول (آبرو) قرار دارد. بصورت عمومی این ساحات مربوط به خورد کابل یا کابل قدیم بوده که شامل بقایای ستوپه شیوه کی، ساکا(سهاک) کمری، چکری، گلدره حتی بقایای معابد بودایی تپه مرنجان، پنجه شاه، خواجه صفا، خواجه روشنایی، تپه خزانه می شود. ازجمله قول سرخ مربوط به یکی از ساحات شیوه کی بوده، بعضی ساحات شیوه کی در سال ۱۹۲۲ میلادی در زمان حکومت شاه امان الله خان توسط تیم باستان شناسی افغان فرانسه سروی و حفاری گردید که در نتیجه به بقایی استوپه های بودای برخوردند. قول سرخ توت برای بار دوم در سال ۱۳۹۵ از سوی ریاست باستان شناسی افغانستان سروی و چندین ساحه تثبیت شد، در سال ۱۳۹۸ هـ ش برای باز سوم این ساحه از سوی ریاست باستان افغانستان سروی گردید و در نتیجه مصمم براین شد که ساحه متذکره باید به صورت رسمی حفاری گردد. بلاخره در اوایل ماه عقرب سال ۱۳۹۸ هـ ش در دو نقطه حفاری آغاز گردید و

برای بار دوم این ساحه به تاریخ ۱۷ میزان سال ۱۳۹۹ هـ ش در دو نقطه به نام های ساحه باستانی ۰۰۱ و ۰۰۳ قول سرخ توت تحت حفاری قرار گرفت.

در نتیجه حفاری از این ساحات آثار منقول و غیر منقول کشف گردید. آثار غیر منقول آن شامل ساختمانهای ساخته شده از مواد ساختمانی باتهداب های سنگی و بالای آن خشت خام همراه با گل و یا هم پخسه کار شده و در اخیر اتاقها به شکل گنبدی پوشش شده و نمای داخل آن به شکل منظم پلستر شده است. بامقایسه با دیگر ساحات بودایی در افغانستان به نظر به شواهد به احتمال زیاد اتاقهای این ساحه همان (سنگارامه یا معابد بودایی) باشد.

نظر به تحقیقاتی که بر بالای آثار منقول کشف شده ساحات باستانی قول سرخ توت که شامل مجسمه های گلی ، ستوکی و پارچه های ظروف سفالی و سکه های مسی انجام شده است ، ساحات باستانی قول سرخ توت مربوط به دوره تاریخی کوشانی ها می باشد. همچنان در جریان شستشوی ظروف سفالی پارچه هایی مشاهده گردیده که دارای خط نیز می باشند این پارچه ها که چندین حروف الفبا در آن ها به مشاهده می رسند با حروف زبان برهمنی مقایسه شده که چندین حروف با هم شباهت دارند.

مآخذ

- ۱- الیاسی پریا، مجتبیایی فتح الله، نیم سالنامه پژوهش نامه ادیان، سال دوم شماره سوم سال ۱۳۸۷.
- ۲- بهزاد بومان علی، گزارش نتایج دور اول حفريات، آرشیف ریاست باستان شناسی سال ۱۳۹۸.
- ۳- توحیدی فائق، فن وهنر سفالگری، چاپ هفتم، انتشارات مهر (قم) ۱۳۸۹.
- ۴- روزنفیلد جان م، مترجم پوهنوال سرور همایون، هنردوره کوشانی، کابل انتشارات مرکز تحقیقات کوشانی، مطبعه دولتی ۱۳۸۵.
- ۵- غزنوی سلطان احمد، کوشانیان، کابل مرکز تحقیقات بین المللی کوشانی، ناشر ریاست نشرات اکادمی علوم، مطبعه بهیر ۱۳۸۹.
- ۶- کهزاد احمد علی، تاریخ افغانستان، جلد دوم، کابل انتشارات امیری ۱۳۹۵.
- ۷- مرادی صاحب نظر، کابل در منابع ادبی و تاریخی، کابل مطبعه صنعتی و طباعی احمد ۱۳۸۲.
- ۸- مهرپویا جمشید، سفال، کاشی، سرامیک ایران و جهان پیش از اسلام، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ۱۳۹۴.
- ۹- نوری فرید الله، مقایسه هنر گندهارا و ماتهورا، کابل مرکز تحقیقات بین المللی کوشانی، ناشر ریاست اطلاعات و ارتباط عامه اکادمی علوم، مطبعه صدف ۱۳۹۵.
- ۱۰- رجبی امام خان، گزارش روزانه حفريات قول سرخ توت، کابل، ارشیف گزارشات ساحه باستانی قول سرخ توت ۱۳۹۹.
- ۱۱- رجبی امام خان، گزارش ماهوار پروژه حفريات قول سرخ توت، کابل، ارشیف گزارشات ساحه باستانی قول سرخ توت ۱۳۹۹.

12- Ball Warwick, Archaeological Gazetteer of Afghanistan, Tome 01, Paris 1982.